

توصیه امام زمان (عج)

به مسلمین جهان

در خصوص مسجد جمکران

به اهتمام: معین صدر رضوانی

توصیه امام زمان علیه السلام

به مسلمین جهان در خصوص مسجد جمکران: قم

بانشمام

زندگینامه آن حضرت و اطاعت نایبان خاص و عام و پیروان
از آن بزرگوار در زمان غیبت صغری و کبری

باهتمام

محسن صدر رضوانی - قم

انتشارات تمدن اسلامی - ارومیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْخُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى
أَبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَ
نَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا
بنام خداوند بخشنده مهربان

خدايا باش برای ولی امرت: (حجت بن الحسن علیه السلام)
درودهایت بر او و بر پدر و بر اجدادانش باد در این هنگام برای
همیشه سرپرست و نگهدار و رهبر و یاور و رهنما و نگهبان باش تا
جهان را بفرمان او آوری و تا مدت مدیدی بهره‌مندش فرمایی.

مشخصات کتاب

نام کتاب: توصیه امام زمان علیه السلام به مسلمین جهان در خصوص
مسجد جمکران: قم
نام مؤلفان: راویان و محدثان: نوری، قمی، مجلسی و امثال اینها اعلى الله مقامهم
مترجم: محسن صدر رضوانی - قم
ناشر: انتشارات تمدن اسلامی - ارومیه
صفحه آرا قم - قاسم کزازی
نوبت چاپ: دوّم بهار سال ۱۳۸۳
چاپ: شریعت - قم
تعداد صفحات: ۲۲۴ صفحه جیبی
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
قیمت: ۵۰۰ تومان
طبع و نشر این کتاب مخصوص انتشارات صدر رضوانی - قم است.

ISBN:964-1861-2-3

شابک: ۹۶۴-۱۸۶۱-۲-۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْخَلْفَ الْحُجَّةَ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُتَنْظِرُ
الْمَهْدِيُّ يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا
سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى
اللَّهِ وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ
إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. (دعای توسل)

ترجمه: ای جانشین امام حسن عسکری علیه السلام و ای
یادگار شایسته‌ای حجت ای قائم منتظر ای مهدی ای
فرزند رسول خدا ای دلیل قاطع خدای بر خلقش ای
آقا و مولای ما ما رو کردیم و میانجیگری طلبیدیم و
وسیله‌گیری نمودیم با تو به سوی خدا و پیش قرار
دادیم ترا در پیشاپیش حاجت‌هایمان ای ابرومند در
پیش خدا میانجیگری فرما برای ما پیش خدا.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداه به حسن مثله جمکرانی فرموده است:

مَنْ صَلَّاهَا فَكَأَنَّمَا صَلَّاهَا: (صَلَّاهُمَا) فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ.

ترجمه: هر که این دو رکعت نماز را (در مسجد جمکران قم) بخواند (از نظر پاداش و ثواب مثل آن است که آن دو رکعت را در کعبه خوانده باشد).

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
سرآغاز کتاب: در بیان توصیة حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداه	۷
پیش گفتار: در بیان شرافت سرزمین قم و اماکن مقدسه آن	۲۱
بخش اول: در بیان زندگینامه مؤسس مسجد جمکران قم	۵۹
بخش دوم: در خصوص نوشتن نامه به حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداه	۱۱۵
بخش سوم: در بیان خواندن نمازهای سه گانه امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۲۹
بخش چهارم: در خصوص زیارت حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>	۱۴۹
بخش پنجم: در تعریف شهر قم و پاداش زیارت کریمه اهل بیت عصمت و طهارت حضرت معصومه <small>علیها السلام</small> و خواندن نماز در مسجد جمکران	۱۶۱
خاتمه: در بیان نحوه طاعات و عبادات در مسجد جمکران و غیر آن	۲۱۷



سر آغاز کتاب

توصیه امام زمان علیه السلام به مسلمین جهان
در خصوص مسجد جمکران قم



سر آغاز کتاب

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى
أَعْدَائِهِمْ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

ترجمه: بنام خداوند بخشاینده مهربان، ستایش خداوندی
را که پروردگار جهانیان است، و درود و سلام بر محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و
آل طیب و طاهرش باد.

و نفرین خداوند متعال بر دشمنان آنان تا روز جزا و سزا باد.^۱

۱. کتاب: توصیه امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام به مسلمین جهان در خصوص مسجد
جمکران قم با سبک نوین و طرز بدیع به قطع: (جیبی و رقعی) طبع و نشر
شد امید آنکه مورد افاده و استفاده طالبین مخصوصاً نمازگزاران در
مسجد جمکران و زائران و امثال اینها قرار گیرد. انشاءالله.

توصیه امام زمان علیه السلام

در بیان آثار مختصه قم به ویژه مسجد

جمکران است

و بعد: کتاب توصیه امام زمان علیه السلام به مسلمین جهان در خصوص مسجد جمکران در یک سرآغاز و پیشگفتار و پنج بخش و یک خاتمه به شرح زیر یاد می شود.

در شهر قم آثار بسیاری است که به چند اثر کم نظیر آن ذیلاً اشاره می شود:

اثر اول: علامه مجلسی رحمته الله در باب معراجیه: (کتاب حیوة القلوب) یادآور شده است: که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که از آسمان به زمین نظر فرمود محلی نظر مبارکش را جلب نموده و از جبرئیل نام آنجا را سؤال فرمود.

جبرئیل: (قم فعلی) را معرفی نمود.

حضرت فرمود: شخصی را در آن جا می بینم که دراز

کشیده است او کیست؟

عرض کرد: او شیطان است.

حضرت به او خطاب نمود: (قم - بلند شو) اینجا جای تو

نیست و بر اهل آن ترا راهی نیست.

اثر دوم: محدث قمی رحمته الله در منتهی الامال و مفاتیح الجنان

یادآور شده است: که حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

قم حرم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است.

و از برای بهشت هشت در است، و یک در از آنها به

سوی قم است.

و بانوئی از اولاد من به نام: فاطمه علیها السلام دختر موسی علیه السلام در

آنجا مدفون خواهد شد که به سبب شفاعتش شیعیانم به

بهشت خواهند رفت.

و نیز در کتاب تاریخ قم آمده است، که جماعتی از مردم

ری خدمت حضرت امام صادق علیه السلام شرفیاب شده و گفتند ما از

۱۰ _____ توصیه امام زمان علیه السلام در خصوص مسجد جمکران

مردم ری هستیم.

حضرت فرمود: مرحباً به برادران ما از اهل قم.

ایشان عرض نمودند: که ما از مردم ری هستیم.

دیگر مرتبه حضرت همان جواب را فرمود.

آن جماعت چند مرتبه این سخن را گفتند و همین جواب

را شنیدند.

آنگاه حضرت فرمود: همانا از برای خداوند متعال حرمی

است و آن مکه است و برای حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله حرمی

است و آن مدینه است و برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

حرمی است و آن کوفه است و از برای ما اهل بیت حرمی

است و آن بلده قم است.

و بعد از این دفن شود زنی از اولاد من که نامیده می شود

به: فاطمه علیها السلام. و هر کس او را زیارت کند بهشت از برای او

واجب شود.

راوی گفت: وقتی که آن حضرت این فرمایش را نمود

هنوز حضرت امام موسی علیه السلام متولد نشده بود. و علاوه بر این

آن حضرت در خصوص سرزمین قم و اهالی آن مطالبی فرموده‌اند که در پیش به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

و نیز روایت شده است: که حضرت امام رضا علیه السلام به سعد اشعری قمی فرمود: که‌ای سعد نزد شما قبری از ما هست. سعد گفت: فدای تو شوم قبر فاطمه دختر امام موسی علیه السلام را می‌فرمائی.

فرمود: بلی هر که وی را زیارت کند و حق او را بشناسد از برای اوست بهشت.

و علامه مجلسی رحمته الله از برخی کتب زیارات نقل کرده که علی بن ابراهیم از پدرش از سعد اشعری قمی از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود:

ای سعد! مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ.

ترجمه: هر که او را: (فاطمه علیه السلام) را زیارت کند و حق او را بشناسد از برای اوست بهشت.

و به سند معتبر دیگر از فرزند آن حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است:

که هر که عمهٔ مرا در قم زیارت کند، پس برای اوست بهشت.

اثر سوّم: قبور راویان و محدّثان اخبار و احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و مراجع دینی و علماء اعلام و عبّاد گرام به ویژه امام زادگان عظام اعلی اللّٰه مقامهم در قم و حوالی آن بسیار است که اهالی و زائران محترم بر آمدن حاجات و دفع بلیّات خودشان را از آن بزرگواران نیز خواستار می‌شوند.

اثر چهارم: مسجد حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که به فرمان مطاع آن بزرگوار تقریباً در چهارراه بازار و اوائل خیابان حضرتی بنا گردیده و زائران و اهالی محترم قم به یاد نام نامی آن حضرت علیه السلام در روز و پاسی از شب به عبادت به ویژه خواندن نمازهای روزانه با جماعت و غیره علی الخصوص در آن مکان شریف در موعد مقررّ به صورت دسته جمعی و غیره معتکف و به طاعات و عبادات مشغول می‌شوند.

اثر پنجم: تأسیس مسجد جمکران قم است که به فرمان

مطاع حضرت حجة بن الحسن العسكري عليه السلام بنا شده و مطالبی در نحوه بنای آن در متن و پاورقی پیش گفتار و غیره برای عموم به ویژه جهت مزید اطلاع نمازگزاران در آن مسجد مقدس به شرح زیر یاد می شود.

محدث قمی رحمته الله در مفاتیح الجنان در خصوص مسجد جمکران قم به امر مطاع حضرت بقیة الله الاعظم عليه السلام یادآور شده است: مسجد جمکران در یک فرسخی بلده طيبة قم به سمت کوه خضر در جاده قدیم کاشان می باشد.

باری: در دارالایمان شهر قم و اطراف آن آثار مهمه اسلامی از صدر اسلام تا به حال زیاد است که در کتب تاریخ و غیره از اغلب آنها یاد شده است و مع الوصف نظر مبارک حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را از آسمان به زمین به ویژه شهر قم و دراز کشیدن شیطان در آن محل و بلند شو فرمودن آن حضرت به وی و اخطار به اینکه اینجا جای تو نبوده و بر اهل آن ترا راهی نیست از همه آنها بیشتر باید مورد بررسی و دقت نظر قرار داد.

زیرا لازم است که فکر کرد در روی کره زمین (شهر قم و حوالی آن) چقدر در نزد خدا و خاندان نبوت و امامت با ارزش است که شیطان ملعون و رانده شده از درگاه خدا چشم به این سر زمین دوخته و در کمین گاه دراز کشیده تا در موقع مناسب اهالی آن را از درگاه خدا و پیشگاه خاندان نبوت و امامت علیهم السلام به طرف خود دعوت نموده و در صدد آنست که همانند خودش آنان را نیز از سعادت دنیا و آخرت محروم نماید.

و نیز باید دقت نظر در لطف و مرحمت غیر قابل وصف پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله نمود که در آسمان به فکر امت خود و شیعیان فرزندان بزرگوارش و حتی در فکر رعایت احترام زمینی که حرم‌های اولادش و محل امن امتش تا روز قیامت می‌باشد بوده و شیطان دشمن نفس خود علی الخصوص اولاد بنی آدم را از آن مکان شریف که نظر خدا و پیامبران و پیشوایان معصوم علیهم السلام و پیروان آنان بر آن سر زمین می‌باشد برای همیشه رانده و خارج فرموده است.

بنابراین: حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله بمنظور لطف و

مرحمت بی پایانش به جهانیان به ویژه به امت خودشان شیطان ظاهری: (سرکش) از چشمها پنهان و به تمام اعضا و جوارح بشر (جز به قلبهای آگاه و وجدانهای بیدار و هوشیار) عیان و حکمران را به جهت شرافت مکان و پای بند بودن اغلب اهالی محترم قم به اجرای احکام مقدس اسلام از آن سرزمین خارج فرموده و به پیروان خود در این جهان طبق آیات الهی در قرآن مجید از دشمنی‌های این جرثومه قسم خورده بر علیه انسان از هر لحاظ نیر آگاه نموده است چنانکه خداوند متعال در سوره (یس) آیات ۶۱ - ۶۰ نیز اشاره فرموده است:

﴿أَلَمْ أَعْهَدَ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾
ترجمه: ای فرزندان آدم آیا با شما عهد نکردم که نباید شیطان را پرستید به درستی که او برای شما دشمن آشکاری است و مرا پرستید که این راه مستقیم است.

۱۶ _____ توصیه امام زمان علیه السلام در خصوص مسجد جمکران

و نیز در سوره یوسف آیه ۵۳ آمده که حضرت یوسف علیه السلام می فرماید:

﴿وَمَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

ترجمه: نفس خویش را از عیب مبرا نمی‌کنم زیرا نفس بسیار به زشتی‌ها امر می‌کند مگر آنکه خدایم رحم کند که خدا آمرزنده و مهربان است.

و نیز به همین نظر است که شاعر در خصوص شیاطین: (درونی و برونی) اعمّ از اعضاء و جوارح به ویژه نفس اماره‌ی: امرکننده‌ی بشر گفته است:

نفس از درهاست او کی مرده است

گر نیابد صید بی چون و چرا افسرده است

«صدر رضوانی»

بنابراین همانگونه که انسان بعد از نیت در نماز و قرآن خوانی به خواندن: (أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ) یعنی پناه می‌برم به خدا از شرّ شیطان رانده شده از درگاه خدا)

می‌پردازد ضروری است که تا دم مرگ نیز وجود خود را به خدا و چهارده معصوم علیهم‌السلام بسپارد تا از گزند این دشمن مطرود و قسم خورده مصون بماند والسلام.

علی‌الخصوص از دشمن داخلی که عبارت از نفس اماره است که جسم و روح خدادادی را در صورت نافرمانی از احکام الهی و دستورات نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علوی علیه‌السلام طبق مفاد شعر ذیل تن و جان را همانند آتش‌فشانی دائمی از درون و برون شعله‌ور می‌نماید:

واعظ به من مگو که جهنم پر آتش است

عارف تو که جسم و روانت چو آتش است

«صدر رضوانی»

و از اینرو است که بندگان خدا و پیروان چهارده معصوم علیهم‌السلام اعم از مرد و زن غالباً از ترس دشمن ظاهری و باطنی به ویژه رعایت احکام الهی و دستورات شارع مقدس و چهارده معصوم علیهم‌السلام در اوقات مخصوصه به زیارت مشاهد مشرفه و اماکن مقدسه می‌روند زیرا در آن مواقع مشاهد

مشرّفه و اماکن مقدّسه تا اندازه‌ای خلوت شده و انسان بهتر می‌تواند با خدا و حجّت خدا راز و نیاز نموده و همانند طلای تمام عیار در اثر توبه و آه و زاری به درگاه الهی و شفیع قراردادن آن بزرگواران خود را در دنیا و آخرت از آتشی که خود افروخته خاموش نموده و بنده حقیقی خدا و پیرو واقعی چهارده معصوم علیهم السلام گردد. انشاءالله. (هنیئاً لاربابها: گوارا باد بر چنین اشخاص زندگی در دنیا و آخرت.



پیش‌گفتار

در بیان شریف بودن سرزمین مسجد
جمکران قبل از بنا و تأسیس آن است

پیشی گفتار

در بیان تأسیس مسجد جمکران بفرمان مطاع
امام زمان علیه السلام به حسن مثله جمکرانی است

در سر آغاز کتاب به برخی از آثار مختصه قم اشاره شد
حال جهت مزید اطلاع مسلمین جهان به ویژه نمازگزاران در
مسجد جمکران به نحوه تأسیس این مکان مقدس به شرح
زیر یاد می شود:

مسجد جمکران قم، که بیش از هزار و یکصد و اندی سال
قبل به دستور حضرت حجة بن الحسن العسكري علیه السلام بنا گردیده
است (اثر منتخب) این بزرگوار در آن سرزمین مقدس است.

که پیروان اهل بیت عصمت و طهارت، به ویژه ارادتمندان: (قائم آل محمد صلوات الله عليهم اجمعين).

گاه و بیگاه مخصوصاً در ایام و لیالی متبرکه که از دور و نزدیک به منظور کسب فیض، و عرض حاجت به این مکان شریف رو آورده، و بحمدالله، و المنة از نحوه عبادات و طاعاتشان مشهود است که گویا بخواست خدا و حجت خدا به مطلوب خودشان امیدوار و به مقصودشان نائل خواهند شد.

و چون محدث قمی رحمته الله در مفاتیح الجنان در خصوص بنای این مسجد به تفصیل نپرداخته، لذا مناسب است شمه‌ای از نحوه تأسیس این مسجد شریف به امر مبارک حضرت: (بقية الله الاعظم ارواحنا له الفداء) جهت مزید اطلاع نماز گزاران در آن مسجد، به ویژه پیروان این بزرگوار طبق مطالبی که محدث نوری رحمة الله در حکایت اول از باب هفتم نجم الثاقب یاد آور شده به شرح زیر اشاره شود:

و در آن حکایت است: که حضرت بقية الله الاعظم ارواحنا له الفداء) بحسن مثله جمکرانی.

فرمود: مردم را بگو تا رغبت کنند بدین موضع و غزیر دارند.

چنانکه فرمایشات آن حضرت علیه السلام در پیش مشروحاً بیان خواهد شد انشاءالله.

شیخ فاضل حسن بن محمد بن حسن قمی معاصر شیخ صدوق رحمته الله در تاریخ قم نقل کرده، از کتاب: (مونس الحزین، فی معرفة الحق و الیقین) از مصنفات شیخ ابی جعفر محمد بن بابویه قمی رحمته الله به این عبارت:

باب بنای مسجد جمکران از قول حضرت امام مهدی (صلوات الله الرحمن).

سبب بنای مسجد جمکران، و عمارت آن به قول امام علیه السلام این بوده است: که شیخ عقیف صالح حسن بن مثله جمکرانی رحمته الله می گوید:

که من شب سه شنبه هفدهم ماه مبارک رمضان سنه (ثلث و تسعین، یا سبعین) در سرای خود خفته بودم.

که ناگاه جماعتی مردم به درب سرای من آمدند، نصفی از

شب گذشته مرا بیدار کردند، و گفتند برخیز، و طلب امام مهدی (صاحب الزمان - صلوات الله علیه) را اجابت کن که ترا می خواند.

حسن گفت: من برخاستم، و لباس خود پوشیدم، و طلب کلید درب سرای کردم. آواز آمد که: (الْبَابُ مَفْتُوحٌ یعنی: درب باز است).

چون به درب سرای آمدم، جماعتی از بزرگان را دیدم، سلام کردم، جواب دادند، و (ترحیب: یعنی مرحبا) گفتند مرا، بیاوردند تا بدان جایگاه که اکنون مسجد است.

و چون نیک بنگریدم تختی دیدم نهاده، و فرشی نیکو بر آن تخت گسترده، و بالشهای نیکو نهاده، و جوانی سی ساله بر آن تخت تکیه بر چهار بالش کرده، و پیری پیش او نشسته، کتابی در دست گرفته، و بر آن جوان می خواند.

و فزون از شصت مرد بر این زمین برگرد او نماز می خوانند، بعضی از جامه های سفید، و برخی جامه های سبز داشتند، و آن پیر حضرت خضر علیه السلام بود، پس آن پیر مرا نشانید.

و حضرت امام علیه السلام مرا به نام خواند، و گفت برو، و حسن مسلم را بگو: که تو چند سال است که عمارت این زمین نموده، و می‌کاری و ما خراب می‌کنیم، و پنج سال است که زراعت می‌کنی، و امسال دیگر باره باز برگرفتی، و عمارتش می‌نمائی، رخصت نیست که تو در این زمین دیگر باره زراعت کنی، باید هر انتفاع که از این زمین برگرفته‌ای رد کنی، تا بدین موضع مسجد بنا کنند.

و بگو این حسن مسلم را که این زمین شریفی است، و حق تعالی این زمین را از زمینهای دیگر برگزیده است، و شریف کرده، و تو با زمین خود برگرفتی، و دو پسر جوان خدای عزوجل از تو بازستد، و تو تنبیه نشدی، و اگر نه چنین کنی آزار وی به تو رسد، آنچه تو آگاه نباشی؟

حسن مثله گفت: (یاسیدی و مولای) مرا در این نشانی باید که جماعت سخن بی نشان و حجت نشنوند، و قول مرا مصدق ندارند.

فرمود: (إِنَّا سَنَعْلَمُ هُنَاكَ - علامت ما اینجا می‌نمائیم) تا

تصدیق قول تو باشد، تو برو و رسالت ما بگذار.

و به نزدیک سید ابوالحسن رو، و بگو تا برخیزد، و بیاید و آن مرد حاضر کند و انتفاع چند ساله که گرفته است از او طلب کند و بستاند و به دیگران دهد بنای مسجد بنهند. و باقی وجوه از رهق به ناحیه (اردهال) را وقف کردیم بر این مسجد که هر ساله وجوه آن را بیاورند، و صرف عمارت مسجد بکنند.

و (مردم را بگو تا رغبت بکنند بدین موضع، و عزیز دارند و نماز خوانند) چنانکه در: (بخش سوّم) کیفیت خواندن نماز در آن محلّ شریف بیان خواهد شد.

حسن مثله جمکرانی گفت: که من چون این سخن بشنیدم، گفتم با خویشان که گویا این همان موضع است که تو می‌پنداری:

أَمَّا هَذَا الْمَسْجِدُ لِلْإِمَامِ ضَاحِبِ الزَّمَانِ علیه السلام.

ترجمه: همانا این مسجد مخصوص امام زمان علیه السلام است. پس اشارت بدان جوان کردم، که در کنار چهار بالش

نشسته بود، پس آن جوان اشارت کرد که برو، من بیامدم، چون پاره‌ای راه بیامدم دیگر باره مرا باز خواندند.

و گفتند: بزى در گله جعفر کاشانى (راعى: چوپان و گله‌دار) است، و آن بز را بياورى، و بدین موضع بکشی فردا شب.

آنگاه روز هیجدهم ماه مبارک رمضان آن بز را بر بیماران، و بر کسی که علتی داشته باشد سخت انفاق کنی که حق تعالی همه را شفا دهد.

و بز ابلق و موهای بسیار دارد، و هفت علامت دارد، سه بر جانبی، و چهار بر جانبی: (كذُوَالدزَهَم: مانند درهم سیاه و سفید). پس رفته دیگر باز گردانید: و گفت: هفتاد روز و یا هفت روز ما اینجائیم.

بنابراین اگر بر هفت روز حمل کنی، دلیل کند بر شب قدر که: (بیست و سوم ماه رمضان است).

و اگر بر هفتاد روز حمل کنی شب: (شب بیست و پنجم ذی القعدة الحرام بوده) و روزش روز دحوالارض و روزی است که زمین از زیر کعبه پهن شده است.

پس حسن مثله گفت: من بیامدم، و تا خانه آمدم، و همه شب در آن اندیشه بودم تا صبح اثر کرد، و فرض بگذاردم، و نزدیک علی المنذر آمدم، و آن احوال با وی بگفتم، او با من بیامد، رفتم بدان جایگاه که مرا شب برده بودند.

پس گفت: بالله نشان و علامتی مرا، گفت این است که زنجیرها و میخها ظاهر است.

پس نزدیک سید ابوالحسن الرضا شدیم، چون به درب سرای وی رسیدیم خدم و چشم وی را دیدیم که مرا گفتند از سحرگاه سید ابوالحسن الرضا در انتظار تو است، تو از جمکرانی.

گفتم: بلی. من در حال در رفتم، و سلام کردم و جواب نیکو داد، و اعزاز کرد، و مرا به تمکین نشانده، و پیش از آنکه من حدیث کنم مرا گفت:

ای حسن مثله من خفته بودم در خواب شخصی مرا گفت حسن مثله نام از جمکران پیش تو آید بامداد، باید که آنچه گوید سخن او را مصدق داری، و بر قول او اعتماد کنی، و

سخن او سخن ما است، و باید که قول او را رد نگردانی، از خواب بیدار شدم، تا این ساعت منتظر بودم.

حسن مثله احوال به شرح با وی بگفت، در حال بفرمود تا اسبها را زین برنهادند، و بیرون آوردند و سوار شدند، چون به نزدیک ده رسیدند جعفر راعی: (چوپان) گله بر کنار راه داشت. حسن مثله در میان گله رفت، و آن بز که از پس همه گوسفندان می آمد، پیش حسن مثله دوید، و او آن بز را گرفت که بها بوی دهد و بز را بیاورد.

جعفر راعی سوگند یاد کرد، که من هرگز این بز را ندیده ام، و در گله من نبوده است، الا امروز که من می بینم، و هر چند می خواهم که این بز را بگیرم میسر نمی شود، و اکنون که پیش شما آمد.

پس بز را همچنان که حضرت فرموده بود، در آن جایگاه آوردند و بکشتند.

و سید ابوالحسن الرضا بدین موضع آمدند، و حسن مسلم را حاضر کردند، و انتفاع از او بستند، و وجوه: (رهق) را که از

۳۰ _____ توصیه امام زمان علیه السلام در خصوص مسجد جمکران

قراء معروفه و معموره است تا حال، و به کاشان نزدیکتر است از قم، ولکن از توابع قم است به مسافت ده فرسخ تقریباً بیاوردند، و مسجد جمکران را به چوب بپوشانیدند.

و سید ابوالحسن الرضا زنجیرها، و میخها را به قم برد، و در سرای خود گذاشت همه بیماران و صاحب علتان می رفتند، و خود را در زنجیر می مالیدند، خدای تعالی شفای عاجل می داد و خوش می شدند.

و ابوالحسن محمد بن حیدر گوید: که به استفاصه شنیدم که سید ابوالحسن الرضا مدفون است در موسویان شهر قم، و بعد از آن فرزند وی را بیماری نازل شد، و در خانه شد و سر صندوق را برداشتند، زنجیرها و میخها را نیافتند.

این است مختصری از احوال آن موضع شریف که شرح داده شد.

مؤلف گوید: در نسخه فارسی قدیم تاریخ قم، در نسخه عربی آنکه عالم جلیل آقا محمد علی کرمانشاهی مختصر این قصه را از آن نقل کرده در حواشی رجال میرمصطفی در باب

حسن تاریخ قصه را در:

(ثلث و تسعین: یعنی نودوسه) بعد از دویست نقل کرده، و ظاهراً بر ناسخ مشتبه شده، و اصل سبعین: (یعنی هفتاد) بوده است، زیرا که وفات شیخ صدوق علیه السلام پیش از نود است.
هذا آخر کلام الناقل، اللَّهُ أَعْلَمُ).

ترجمه: این مطالب پایان کلام نقل کننده است، خداوند (به حقیقت تمام امور) عالم تر است.

از گفته حسن مثله جمکرانی چنین استفاده می شود که این مکان مقدس قبل از مسجد شدن بامر مطاع حضرت بقیة الله الاعظم ارواحناله الفداه بنوعی مورد توجه مردم آن زمان بوده است. الله اعلم.

که مع الاسف در اثر بی توجهی حسن مسلم باخطار و عدم اهمیت دادن به موضوع مواجه با رفتن دو فرزند جوان از دست و پرداخت عواید چند سال این مکان مقدس شده است. (الله اعلم، بحقایق الامور): خداوند آگاه است به حقیقت تمام کارها. بنابراین بجا است که باینگونه افراد تذکر داد: (که تو حدیث

خودت را بخوان از این مجمل).

و نیز از گفته ی دیگر وی چنین بر می آید که گویا حسن مسلم با آگاهی از وضع زمین دست بکار زراعت شده است چنانکه مداخله دیگران بعنوان: (هیئات امناء) در ساختن مسجد در آن مکان مقدّس گواه بر مطلب است. الله اعلم.

و علاوه بر این، این مکان مقدّس از دو حال خارج نیست یا قبلاً هم زمین آن بصورت مسجد بوده در نهایت چون بنای آن رو بخرابی گذارده چندان مورد توجّه نمازگزاران قرار نمی گرفته است و یا مردم جمکران با احداث مسجد دیگر در آن قریه رفت و آمدی باین مسجد نداشته اند و حسن مسلم از موقعیت استفاده نموده و زمین آن مسجد و یا مکان شریف را بزمین خود متصل کرده و بزراعت کاری پرداخته است و یا اصل خود این زمین صرف نظر از مسجد بودن یا مسجد شدنش مکان مقدّسی است در روی کره زمین که می بایست به دستور حجّت خدا آن مکان مقدّس به صورت مسجد در می آمد الله اعلم.

چنانکه پیامبر اسلام ﷺ و نیز فرزند بزرگوارش حضرت امام صادق و ائمه معصومین علیهم السلام از سرزمین چند شهری درایران یاد فرموده‌اند که سر آمد آنها در تعریف و توصیف شهر قم است به ویژه حرم حضرت معصومه علیها السلام و مسجد جمکران.

بنابراین هر فرمایشاتی که چهارده معصومین علیهم السلام در زمان خودشان بر او بیان و محدثان و امثالهم بیان فرموده‌اند و علماء حدیث پس از بررسی در کتب خود یاد آور شده‌اند لازم است بمفاد آن خبر عمل نمائیم مثلاً زائر حضرت اباعبدالله الحسین علیهما السلام به حضرت امام علی النقی علیهما السلام بعنوان جواب سؤال عرض می‌نماید از زیارت حضرت سید الشهداء علیهما السلام آمده‌ام.

حضرت می‌فرماید: هرگاه زیارت می‌نمودی حضرت عبدالعظیم علیهما السلام را در شهر ری بیاداش زیارت حضرت اباعبدالله علیهما السلام نائل می‌شدی.

و نیز حضرت امام صادق و امام رضا و جواد الائمه علیهم السلام فرموده‌اند.

هرزائر که زیارت حضرت معصومه علیها السلام نائل شود و به حق ایشان عارف باشد وارد بهشت خواهد شد.

و نیز حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت موسی بن جعفر و حضرت امام رضا و حضرت جواد الائمه صلوات الله علیهم اجمعین در خصوص زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام پاداش‌های شایانی فرموده‌اند.

و یا راویان و محدثان نامی از صدر اسلام تا بحال از جمله: صدوق و قطب راوندی و مجلسی و نوری و قمی و امثالهم (اعلی الله مقامهم) در هر مورد که حدیث و یا خبری از چهارده معصوم علیهم السلام نقل شده است پس از بررسی و صحت آن حدیث و خبر بالاتفاق آنرا تایید فرموده و مسلمانها هم طبق نظریه آنان بآنها عمل نموده‌اند مثلاً فرموده‌اند چهار نایب خاص امام زمان علیه السلام باینکه برحمت واسعه الهی پیوسته‌اند مع الوصف بهمان نحو که در حال حیات خودشان مفتخر به نیابت خاصه در زمان غیبت صغری واسطه ما بین امام زمان علیه السلام و مسلمین بوده‌اند: در (زمان غیبت کبری): نیز

بسمت خود باقی مانده و عرایض شفاهی و کتبی متقاضیان را به آن حضرت میرسانند.

علاوه بر آن یاد آور شده‌اند عریضه را در وسط خاکی که گل نموده‌ای قرار بده و آنرا بآب جاری و آب غیر جاری پاک و یا چاه آب بینداز و نام یکی از چهار نایب را یاد آور شده و بگو این نامه را بامام زمانم برسان و ایشان آن نامه را به محضر مبارک حضرت بقیه‌الاعظم ارواحنا له الفداه میرساند.

بنابراین از اینجا معلوم می‌شود عقیده مسلمین بامام زمانشان و نائبان خاص و عام آنحضرت و براویان و محدثان و علمایشان که باین دستور عمل نموده و در تقدیم نمودن عریضه خود هیچگونه تردیدی درگل آلود شدن و تر شدن نامه و یا رحلت نمودن آن بزرگواران اصلاً هیچ تردیدی نمی‌نمایند.

وزوی همین اصل و عقیده پاک مسلمین بخادمین حضرت است که آن بزرگوار بنامه‌های آنان توجه خاص می‌فرمایند.

و نیز روی همین اصل و عقیده پاک و بی تردید است که مسلمین یکهزار و یکصد و اندی است که از شهرهای ایران و برخی از کشورهای اسلامی اول بزیارت حضرت معصومه علیها السلام به امید شفاعت آن: (بی بی) در روز جزا که شفاعتش موجب ورود بهشت است می آیند.

و سپس با شادی و شغف باین مسجد که پاداش خواندن دو رکعت نماز امام زمان علیه السلام در آن برابر با پاداش خواندن دو رکعت نماز در کعبه است، می آیند. آیا کدام مسجد است که بنام نامی آن حضرت بوده و اینگونه پاداش داشته و سریعاً حاجت برآورده شده و بلیات رفع و دفع گردد و از اینرو است که عرضه داشته‌ام:

بیا مهدی بشهر قم سفرکن

بشان عمّات برمانظر کن

بروح جدهات ترک سفرکن

بیا در مسجدت باما سحرکن

(صدر رضوانی)

در هر صورت حضرت حجّة بن الحسن العسکری ارواحنا له الفداه پس از رحلت نایب خاص چهارم الحمد لله والمنة رسیدگی بامورد نیوی و اخروی شیعیانش را بعنوان نایبان عامّ آنها باادارا بودن امتیازات ویژه و منحصر با شخصی که علاوه از عالم بودن و راوی بودن و امثال آنها بخصوصیات دیگری که بآنها اشاره فرموده‌اند مفتخر می‌باشند.

و روی همین اصل است که از زمان صدوق علیه السلام تا زمان محدث قمی علیه السلام اغلب راویان و محدثان اعلی الله مقامهم در حکایت حسن مثله جمکرانی بفرموده امام زمان علیه السلام که این زمین مکان مقدّس است و باید مسجد بشود و پاداش خواندن دو رکعت نماز در آن محلّ مانند خواندن نماز در کعبه است اکتفا نموده و قول آنحضرت را بشرح زیر یاد آور شده‌اند و بس.

فَمَنْ صَلَّى فِيهَا فَكَأَنَّمَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ.

ترجمه: هر کس این دو رکعت نماز: (نماز اول امام زمان علیه السلام) را در آن مکان مقدّس بجا آورد از نظر پاداش مثل آنستکه آن دو رکعت نماز را در کعبه خوانده باشد.

و مسلمین هم بفرموده آنحضرت و نقل راویان و محدثان و حضور آیات عظام و علماء اعلام هماهنگ با آنان شده و به عبادت می پردازند والسلام.

و روی همین اصل است که مراجع دینی و علماء ربّانی که عمر عزیز خود را در حوزه های نجف و قم و مشهد و غیره سپری نموده اند گاه و بیگاه فرصت را غنیمت شمرده و در این مکان شریف به راز و نیاز با خدا و حجّت خدا می پردازند. و در نتیجه مسلمین با تبلیغات شفاهی و کتبی و عملی ایشان فوج فوج از نزدیک و دور باین مسجد رو آورده و علاوه از راز و نیاز و عبادت از محضر بزرگان دین و سخنرانان و مدّاحان اهل بیت عصمت و طهارت صلوات الله علیهم اجمعین مستفیض شده و با برآورده شدن حاجات و رفع و دفع بلیّات خودشان آسوده خاطر به مقصدشان چنانکه در پیش یاد شد، بر می گردند.

و گذشته از این اصلاً جای شکر گزاری است که این مسجد همانند مشاهد مشرفه و اماکن مقدّسه دیگر چنان

انسان را به خود جذب مینماید که تمام شادیها و ناشادیهای دنیا از خاطر میرود و بجای آنها امیدواری بزندگی دینا و اشتیاق به عبادت و شوق برسیدن لذائد دائمی آخرت جایگزین می‌گردد که خدا و حجت خدا و خود می‌داند و بس (هنیئاً لاربابها): گوارا باد بر آنانکه که به این فیض غیر قابل توصیف نائل می‌شوند.

بنابراین سه چیز برپایداری روز افزون این مسجد تأثیر بسزائی دارد اول شرافت آن زمین دوّم فرمایش حضرت امام زمان علیه السلام سوّم تایید راویان و محدّثان و علماء اعلام و پیروان آنان که بر آمدن حاجات و رفع و دفع بلیّات خود را منحصرأ در آن مسجد از امام زمانشان می‌طلبند و در نتیجه مطلوب و مقصودشان را هم در نهایت بنا به مصلحت خدا و حجت خدا بلا شکّ و شبهه دریافت می‌نمایند.

در هر صورت آنجا که عیان است، چه حاجت به بیان است، زیرا در قبال عمل بزرگان دین و پیروان شریعت سید المرسلین، و تابعین ائمه معصومین صلوات علیهم اجمعین که

از بدو تأسیس این مسجد که فعلاً: (یکهزار و یکصد و اندی سال می‌گذرد) به دستور نور دیده زهرای اطهر علیها السلام، یعنی: (حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام الی یومنا هذا، یعنی: (تا به امروز، بلکه تا ظهور آن حضرت شب و روز آن محل شریف را همانند مسجد: (سهله) در کوفه و: (سرداب) این بزرگوار در: (سر من رأی) خالی نگذارده، و به راز و نیاز با پروردگار خود، و به امید شفاعت، و بر آمدن حاجات، و دفع بلیات از امام خود مشغول بوده، و با تأییدات خداوند متعال، و توجهات خاصه حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف از خاص و عام به مطلوب و مقصود خود هنگام مراجعه نائل شده، و گاهاً ضمن سپاسگزاری راز موفقیت خود را به دیگران از فرط خرسندی و شغف بازگو می‌کنند، قلم و بیان از تعریف و توصیف این مکان بنا به نقل قول عبّاد، و زهاد. به ویژه صاحبان ورع و تقوا که حضور خود را گاه و بیگاه جزوی از وظایف مهمهٔ شان می‌شمارند قاصر و عاجز است.

مع الوصف اشخاصی که از دور و نزدیک به منظور پیروی

از فرمان مطاع حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، که به حسن مثله جمکرانی فرمود: مردم را بگو تا رغبت کنند بدین موضع، و عزیز دارند، و کسب فیضی که از لفظ مبارک این بزرگوار است:

فَمَنْ صَلَّى هُمَا فَكَانَ مَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ.

یعنی: هر که این دو رکعت نماز را بخواند همچنین باشد که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد، عاید می شود.

بدین مکان مقدس شب و روز به ویژه در ایام و لیالی متبرکه: (از جمله شبهای چهارشنبه و جمعه و روز آن) رو می آورند، انشاءالله نمازشان مورد قبول، و اجرشان نیز در نزد خداوند متعال محفوظ، و عمل خدا پسندانه شان یعنی: (پیروی از دستور امام زمان علیه السلام در مورد مسجد جمکران قم) نیز در نزد حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله فرجه الشریف منظور نظر، و مورد توجه است.

ولی افرادی که علاوه از این پیروی: (یعنی راغب بودن حضور در این مسجد، و خواندن نماز امام زمان علیه السلام در آن

مکان (بنا به دستور آن حضرت) به ویژه راز و نیاز در این مسجد را کلید باز کننده تمام دربهای بسته بروی خودشان، و دواى شفا دهنده به جسم و روحشان، بلکه بر طرف کننده همه بلیات ارضی و سماوی (به خواست خدا و توجه حجت خدا) از خود و خانواده شان، و نائل شونده به کلیه اّمال و آرزوهایشان می دانند، و حقاً هم باید بدانند.

شایسته است علاوه از طاعات و عبادات و راز و نیاز به درگاه خداوند متعال، و توسّل به امام زمان علیه السلام از بذل مال به انحاء متفاوته ولی به صورت خیرات و مبرات (نه کفّارات و صدقات) در راه خدا در این مکان شریف کوشا بوده، و حتّی الامکان از یاد نبرند.

مخصوصاً آنان که از هر جا ناامید شده، و به آن خانه خدا و مؤسّس آن خانه یعنی (حضرت حجّة بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف) محض بر آمدن حاجت، و رفع گرفتاری رو آورده، و عرض حاجت به درگاه الهی در آن مکان مقدّس نموده، و شفاعت صاحب العصر و الزّمان علیه السلام را نیز

ملتمسانه از آن بزرگوار جداً خواستارند.

سزاوار است بنا به نقل قول برخی از صلحا به ویژه صاحبان ورع و تقوا: (از خاص و عام) که خودشان نیز به آن عمل نموده، و مدعی اخذ نتیجه مطلوبه هم شده‌اند توجه کند.

زیرا خودم در عنفوان جوانی که علاقه مفراط به تحصیل داشتم مواجه با مشکلات عدیده غیر قابل تحمل شده و شب و روز متوسل به دخت گرامی باب الحوائج، یعنی - حضرت معصومه (علیها السلام) و قبور امامزادگان عظام، و مراجع دینی عالی مقام (اعلی الله درجاتهم) از جمله میرزای قمی (رحمته الله) که برخی از اهالی محترم قم لیلاً و نهاراً: (شبانه‌روز) در اطراف قبرش به خواندن (نماز و قرآن و دعا) مشغول بودند بعد از ظهر روزی در هوای گرم فرصت را غنیمت شمرده، و در کنار قبر: (شیخان) تکیه به دیوار داده و مترصد آن بودم که اطراف قبر: (مرحوم میرزای قمی) خلوت شده، و با اهداء: (سوره‌ای از قرآن مجید) حوائجهم را بازگو نمایم.

در این اثناء سید بزرگواری که به فضل و دانش مشهور، و به زهد و تقوی معروف بود ضمن فاتحه خوانی نظرش به سویم افتاده، یادآور شد:

در این هوای گرم تابستان مایوسانه روی قبور تکیه به دیوار چرا نشسته‌ای.

عرض نمودم: چون حضرتعالی اهل (تهجد) هستید گرفتاریم را بازگو می‌نمایم، ایشان پس از استماع فرمودند: این توسلات و عرض حاجات به این بزرگواران به جای خود، ولی بهتر است هم اکنون که مسجد جمکران خلوت است بدانجا رفته، و پس از خواندن نماز امام زمان علیه السلام چهار عدد نان به نام نائبان خاص آن حضرت، و سیصد و سیزده نان به نام یاوران آن بزرگوار منظور نموده، و پس از رفع مشکلات آن نانه‌ها را در آن محل بین نمازگزاران توزیع نمائی.

یادآور شدم انشاءالله شبهای جمعه که با طلاب محترم مدرسه پیاده به مسجد جمکران می‌رویم حاجاتم را بازگو نموده، و پس از اخذ نتایج مطلوبه به عهدهم وفا می‌نمایم.

ولی خرید سیصد و هفده نان، و بردن آن به مسجد جمکران خصوصاً توزیع نان خالی بدون خورشت بین نمازگزاران در شبهای: (چهارشنبه و جمعه) که شاید عده کمی به آن نیاز داشته باشند سخت است.

راه آسان‌تری اگر هست بیان فرمائید تا پس از برآورده شدن حاجت عمل نمایم.

یادآور شدند: که می‌توانی تعدادی نان و مبلغی از وجه آن نانها را خورشت مورد نیاز تهیه نموده، و بین نمازگزاران آن هم در چند فقره که مقدور است از جانب نائبان خاص و یاوران یاد شده مانند اجیر و خدمتکار با رعایت احترام به حاضران، و مشتاقان غذا در مسجد جمکران، و عدم ایذاء غذا گیرندگان به دیگران توزیع نمائی.

یادآور شدم: انشاءالله به فرموده شما اطاعت خواهم کرد، و اگر مطلب مهمتری از این دارید بیان نمائید تا استفاده نمایم.

یادآور شدند: اگر حاجت خیلی مهم باشد، می‌توانی

علاوه بر این نانها یک قربانی به حدّ توان نموده و گوشت آن را خام و یا پخته با آن نانها بین روآورندگان به مسجد امام زمان علیه السلام به نحوی که گویا صاحبان غذا در کنارت ایستاده، و ناظر بر پخش نمودنت می باشند تقدیم نمائی.

مع الوصف: مبادا قبل از برآورده شدن حاجت عجله نموده و به این عمل یعنی: (توزیع نان و خورشت و یا قربانی) مبادرت کنی، زیرا ممکن است در عالم واقع خواستهات به نفع تو نبوده، و انجام دادن این نذر بدون نتیجه خدای ناکرده سبب سستی عقیدهات گردد.

به هر جهت به تذکرات ایشان عمل نموده و به مقصود خود نیز نائل شده و نذر را ادا نمودم، ولی برخی از رفقای اهل علم به ویژه سادات محترم در جمکران هنگام صرف غذا یادآور می شدند:

مبادا این اطعام از باب صدقه خود، و کفاره دیگران باشد، در هر حال بعداً واقف شدم که این مطالب قبلاً هم بین عدّه بخصوص شایع، و اقدام به این عمل نیکونیز رایج بوده است.

ضمناً آنان که قدرت مالی داشته، و می‌خواهند در این مکان شریف پس از خود اثر جاودانه: (باقیه صالحه و عام المنفعه) داشته باشند، به جا است در حدّ توان از اراضی اطراف مسجد مزبور را خریداری نموده، و فضای صحن و منضّمات مسجد را توسعه داده، بلکه با ایجاد مراکز: (فرهنگی و بهداشتی و غیره) به ویژه با تأسیس محلی مناسب برای سالمندان بی سرپرست آنجا را در اتی انشاءالله به شهر: (قائم آل محمد صلی الله علیه و آله) تبدیل نمایند.

به طوری که با ایجاد این مراکز پر ثمر و با ارج در این محلّ رغبت مردم بیشتر و عزیز داشتن این مکان مقدّس طبق فرموده امام زمان علیه السلام زیادتر گردد.

زیرا خانه خدا گرچه در هر مکان عزیز است، و رغبت مسلمانان به آنجا کم نظیر است.

مع الوصف خانه‌ای با این اوصاف مختصّه و منحصر به فرد یعنی: خانه‌ای که در حرم اهل بیت عصمت و طهارت، و در حوالی آستانه مقدّسه (حضرت معصومه علیها السلام)، عمّه سادات،

و بی بی و خاتون، و شفیعۀ روز قیامت) به امر مطاع حضرت: (بقیۀ اللہ الاعظم عجل اللہ تعالی فرجه الشریف) بنا شده، و ثواب دو رکعت نماز خواندن در آن همانند پاداش دو رکعت نماز خواندن در: (بیت اللہ الحرام محسوب می شود) بی نظیر است.

بنابراین پس از مشاهد مشرفه اولین مکان مقدّسی که در این کشور حضرت مهدی علیه السلام می توان راز و نیاز با خدای خود و امام زمان خود (با این مختصات ویژه، و منحصر به فرد) نمود، اینجا است.

پس چه بهتر نیکوکاران، و اهل خیر ساختمانی (آسایشگاه رایگان دائمی) فراخور سالمندان بی سرپرست در حوالی این مسجد بسازند تا آنان نیز همانند دیگران در مواقع ضروری از نزدیک به آن مکان مقدّس رفته، و با راز و نیاز و عرض حاجات به درگاه خدا، و در خواست شفاعت از امام زمان علیه السلام به مقصود و مطلوبشان نائل شوند.

زیرا آنان به انحاء مختلفه، و علل متفاوتی از توسّل به

اسباب ظاهری دنیوی مایوس‌تر و به لطف و کرم بی‌منتهای الهی با شفاعت، و دعای خیر حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف امیدوارتر بوده، و با آرامش قلب و تسکین خاطر از علایق دنیوی دل‌گسسته، و کلاً متوجه الطاف خفیه خدائی با توسل به پیشگاه مقدّس: (حضرت مهدی صلوات الله علیه و علی جدّه، و بنت جدّه، و آبائه الطیبین الطاهرین) می‌شوند.

بدیهی است که لطف این حضرت شامل حال تمام شیعیان، و پیروان، و دوستداران به ویژه التماس‌کنندگان در هر زمان، و در هر مکان به ویژه در این مکان بوده و خواهد بود.

به جهت آنکه در این عصر یعنی: (در زمان غیبت کبری) حلّ و فصل امور به خواست خدا منوط به نظر مبارک این بزرگوار است، به طوری که اگر به پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام، و حضرت صدیقه کبری (امّ الائمه علیها السلام) و امامزادگان عظام هم بشویم، باید خواهان شفاعت از امام

۵۰ _____ توصیه امام زمان علیه السلام در خصوص مسجد جمکران

زمان علیه السلام با وساطت نائبان خاص آن حضرت نیز بشویم تا از خداوند متعال درخواست نمایند، که حاجاتمان را روا، و مشکلاتمان را بر طرف فرماید.

علی الخصوص برای افرادی که به غیر از باری تعالی و حجت بر حقش امید به احدی نداشته، و منحصرأ امیدشان به لطف و کرم نامتناهی صاحب این خانه با درخواست شفاعت از مؤسس این خانه بوده باشد.

ضمناً این ناامیدی و یأس منحصر به افراد بی سرپرست نبوده، و هر شخص به نوبه خود، در صدد تلاش، و به دست آوردن خواسته‌های مشروع و روزمره، و رفع گرفتاریهای دست و پاگیر ناخوانده، و ناخواسته‌اش می‌باشد.

مع الوصف گاهاً تلاشهای بی وقفه چندان مفید و مؤثر نبوده، و قهراً با مواجه شدن به نتایج معکوس، به جستجوی استمدادهای غیبی می‌پردازد، و پس از جستجوی می‌برد که باید به: (يَا مَنْ أَسْمُهُ دَوَاءٌ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ).

یعنی ای آنکه نامت دوا و یادت شفا است. متوسل شود،

آن هم با شرایطی.

از جمله شرطی که حضرت امام رضا علیه السلام در شهر نیشابور فرمود: **(بِشُرُوطِهَا، وَأَنَا مِنْ شَرْطِهَا** یعنی با شرایط آن، و من از شرط آنم).

بنابراین هر شخص که به مساجد، و یا مشاهد مشرفه، و یا اماکن مقدسه می‌رود، ضمن طاعات و عبادات و زیارات حوائج و مشکلاتش را بازگو نموده، و با شفاعت چهارده معصوم علیهم السلام خواسته‌اش را از خداوند متعال علی‌الخصوص در مسجدی: که به امر مطاع حضرت مهدی علیه السلام بنا گردیده آن هم در کنار شهری که عمه بزرگوارش حضرت (معصومه علیها السلام دفن شده) ... ضمن یاد:

گرماه و کواکب پی خورشید جهانند

مامنظر رؤیت خورشید تو هستیم

«صدر رضوانی»

می‌طلبد (ای نور دیده زهرای اطهر علیها السلام)

باری چقدر شایسته و به جا است اشخاص خیر و نیکوکار

که می‌خواهند همانند افراد گذشته از خود یادگاری در شهرهای این کشور به ویژه: (در دو شهر مشهد و قم) به نام مدارس علوم دینی به عنوان آثار باقیه صالحه باقی گذارده‌اند تا در آن مدارس مثل برخی از بزرگان علوم دینی که با تأییدات خداوند متعال و توجهات خاصه حضرت بقیةالله الاعظم ارواحنا له الفداه در اثر زحمات طاقت فرسا خود را به مدارج عالی تا سر حد زعامت و مرجعیت و تدریس و نویسندگی و سخنرانی و ارشاد به پیروان خاندان نبوی و علوی علیهم السلام از بدو اسلام تا حال رسانده‌اند و انشاءالله تا ظهور امام زمان آیندگان نیز خواهند رساند اثر علمی و فرهنگی: (علوم دینی) از خود به یادگار بگذارند مدرسه‌ای در جوار مسجد جمکران و همجوار با دامنه کوه خضر برای طلاب مشغول به تحصیل و تعدادی حیاط مسکونی وقفی برای مدرسین آنان بسازند امید آن که این اثر پراج آن هم در حوالی مسجد جمکران در روز: (يَوْمٌ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ): روزی که ثروت و اولاد ثمری برای انسان نخواهد داشت. این

مدرسه و آن حیاطها و خدمات ارزنده و جاودانه ساکنان آن دو به شرع مقدس نبوی و به پیروان خاندان نبوی و علوی علیهم السلام جملگی مثمر ثمر جاودانی بوده و ساکنان آن اماکن که عبارت از طلاب علوم دینی و علماء اعلام می‌باشند در همچو روزی شفیعان مورد قبول درگاه الهی برای این بانیان باشند. انشاءالله.

چنانکه موسی بن خزیج از شفاعت حضرت معصومه علیها السلام و عبدالجبار بن عبدالوهاب از شفاعت حضرت عبدالعظیم علیه السلام بی‌نصیب نخواهند بود زیرا این دو شخص شخیص باغهای خود را به منظور محلّ دفن آن دو امامزاده عظیم‌الشان اهداء و وقف نموده‌اند.

به علاوه از طلب مغفرت ساکنان آن مدرسه و حیاطها تا مادامی که این اثرهای: (باقیه صالحه) مورد استفاده می‌باشد. چنانکه در شعر نیز آمده است:

بگذار به گیتی اثری زآنکه در آفاق

تا چشم به هم بر زنی از ما خبری نیست

آثار کسان مال و منال و زر و سیم است

خوشدار که از ما بجز از این اثری نیست

«صدر رضوانی»

و از همه مهمتر اینکه اغلب اهل خیر و نیکوکاران که به

تأسیس مساجد و تکایا و مدارس و درمانگاه و بیمارستان و

دارالایتام و محلّ سکونت سالمندان و امثال اینها می پردازند

شخصاً خودشان و یا اشخاص دیگر موقوفاتی به منظور

تعمیرات و هزینه های روزمره مرسوم مدنظر قرار می دهند.

چنانکه در بازار بزرگ مشهد مقدّس در بالای گلدسته

مسجدی با خط درشت روی کاشی مناره این موضوع

پیش بینی و یاد شده بود که:

خرج منار زیر منار یا این منار یا آن منار

بنابراین چقدر نیکو و شایسته است که این رویه حسنه و

خداپسندانه در مسجد جمکران قم نیز همانند برخی از مساجد

و غیره که موقوفاتی علاوه از آثار باقیه و جاودانه برای تأمین

مخارج روزانه و تعمیرات آنها در نظر می گیرند به پیروی از

حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداه که در خصوص بنای این مسجد به حسن بن مثله جمکرانی فرموده است:

برو و رسالت ما بگذار و به نزدیک سید ابوالحسن رو و بگو تا برخیزد و بیاید و آن مرد یعنی: (حسن مسلم) را حاضر کند و انتفاع چند ساله (یعنی عایدات زمین مسجد را که در آن مشغول زراعت شده) از وی گرفته و به دیگران دهد تا خرج بنای مسجد نمایند ضمناً باقی مخارج مسجد را از رهق بناحیه (اردهال) وقف نمودیم بر این مسجد که هر ساله وجوه آن را بیاورند و صرف عمارت مسجد بکنند و مردم را بگو تا رغبت بکنند بدین موضوع و عزیز دارند.

در هر صورت از قرار مسموع اثری از وقف نامه و یا آن محلّ یاد شده وقفی در دسترس نیست که هر ساله عایدات آن صرف این مسجد کم نظیر گردد والسلام.

بنابراین با توسعه یافتن مساحت این مسجد و منضمات آن بحمدالله و المنة و توجهات خاصه مؤسس این مکان شریف و همت روز افزون پیروان آن بزرگوار به ویژه در این اواخر امید است این توسعه تا سر قلّه کوه خضر ادامه یافته و

به شهر قائم موسوم گردد انشاءالله.

بدیهی است که هر اندازه این مکان مقدّس توسعه یابد به همان اندازه بلکه بیشتر نیاز به درآمد دائمی از طریق موقوفات و غیره تا ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد که پاسخگوی مخارجات و پشتوانه تعمیرات و امثال اینها باشد تا روآوردگان مسلمین جهان از داخل و خارج و راه‌پیمایان از دور و نزدیک که برای اطاعت از امر مطاع و عرض ادب به پیشگاه امام زمان خودشان و واسطه قراردادن آن بزرگوار مابین پروردگار و خودشان به این مکان مقدّس می‌آیند علاوه از برخورداری از لذائذ روحانی و معنوی از غذای آن مکان شریف (چنانکه مؤسّس آن به حسن مثله جمکرانی فرمود: قربانی کن تا غذای آن را هر بیماری که بخورد شفا یابد) از لحاظ جسمی و روحی نیز برخوردار شده و انشاءالله خودشان هم در آنجا و یا در محلّشان در قبال قبول شدن نذرشان چنانکه یاد شده عمل نمایند والسلام.



بخش اوّل

در بیان زندگینامه حضرت بقیة الله

الاعظم ارواحنا له الفداه است

بخش اول

در بیان شرح حال مؤسس مسجد جمکران
خاتم اوصیاء حضرت حجة بن الحسن
العسکری علیه السلام است

خِتَامُهُ مِسْكٌ وَ فِي ذَلِكَ فَلَيْتِنَافِسِ الْمُتَنَافِسُونَ^۱

ترجمه: که مهر کرده پس رغبت کند رغبت کنندگان.

السَّلَامُ عَلَيْكَ: يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَ الْخَلْفَ الْحُجَّةَ أَيُّهَا

الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ الْمَهْدِيِّ يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى

خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَ مُؤَلِّينَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَ قَدْ

۱. سورة المططفين، آیه ۲۶.

نیست و حکمت آن مخفی است.^۱

و القاب شریف ایشان: مهدی و خاتم و منتظر و صاحب است.

و والده مکرمه‌اش: (نرجس خاتون) دختر (یشوعای فرزند قیصر روم) است.

و مادر (نرجس خاتون) از فرزندان شمعون بن حمون بن الصفا وصی حضرت عیسی علیه السلام است.^۲

بشارت دوّم: در تشریف فرمائی حضرت بقیّة الله الاعظم ارواحنا له الفداه به این عالم و مژده دادن والد بزرگوارش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به عمّه گرامیش: (حکیمه

۱. نام ایشان را که همنام پیامبر صلی الله علیه و آله است شفاهاً و کتباً نمی‌توان یاد و درج نمود مگر به جدا نمودن حروف (م - ح - م - د) و چهار حرف را جدا جدا گفتن.

۲. مسافرت: (نرجس خاتون) از روم به سرمن رأی با تأییدات خداوند متعال و توجّهات خاصّه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت عیسی علیه السلام و حضرات ائمه اطهار به ویژه حضرت امام علی النقی و فرزندش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام علی الخصوص بانوی دو جهان حضرت فاطمه زهرا علیه السلام انجام پذیرفته است چنانکه در کتب تاریخ مفصلاً یاد شده است.

خاتون) به شرح زیر است:

محدث قمی رحمته الله در منتهی الامال از محدثین عالی شأن از جمله کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی و سید مرتضی و غیر آنان اعلی الله مقامهم بنا به فرموده: (حکیمه خاتون) نقل کرده است:

که پس از شهادت برادرم حضرت امام علی النقی علیه السلام گاهاً به دیدار فرزند برادرم حضرت امام حسن عسکری شرفیاب می شدم.

بنابراین روزی در خدمت آن حضرت تا هنگام غروب نشسته و سپس به کنیز خود یادآور شدم که آماده شو تا به منزل خود برویم.

حضرت فرمود: ای عمّه امشب نزد ما باش که در این شب متولد می شود فرزند گرامی که حق تعالی به او زنده می گرداند زمین را به علم و ایمان و هدایت بعد از آنکه مرده باشد به شیوع کفر و ضلالت.

گفتم: از کی به هم می رسد ای سید من، و من در:

(نرجس) هیچ اثر حملی نمی یابیم.
فرمود: که از: (نرجس) به هم می رسد نه از دیگری.
در آن هنگام به نزد (نرجس خاتون) رفته و فرمایش آن
حضرت را به ایشان بیان نمودم.
نرجس خاتون گفت: من هیچ اثری در خود مشاهده
نمی نمایم آنگاه از نزد وی برگشته و مطالب را به آن حضرت
عرض نمودم.

حضرت: با شنیدن سخنانم تبسم فرمود و یاد آور شد
چون صبح شود اثر حمل بر او ظاهر خواهد شد.
و مثل او مثل مادر حضرت (موسی) است که تا هنگام
ولادت هیچ تغییری بر او ظاهر نشد و احدی بر حال او مطلع
نگردید.

زیرا فرعون شکم زنان حامله را می شکافت برای طلب
حضرت موسی. و حال این فرزند نیز در این امر شبیه است به
حضرت موسی علیه السلام.

چنانکه از زمان حضرت موسی بن جعفر و علی بن موسی

الرضا علیه السلام هرون و مأمون الرشید و امثالهم هر یک که بسر کار می آمد با امام معصوم آنزمان دشمن وار به منظور عدم تشریف فرمائی حضرت حجه بن الحسن العسکری علیه السلام رفتار نموده و از شکنجه روحی و تبعید و حبس و زهر دادن و به شهادت رساندن آن بزرگواران دریغ نمی کردند.

غافل از اینکه خالق که حضرت موسی علیه السلام را از گزند فرعون مصون داشت قادر است که این نور دیده حضرت زهرا اطهرها علیها السلام و آخرین وصی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را برای ریشه کن شدن ظلم و ستم و نشو و نما نمودن عدل و داد (در جهان سالها که خود میداند و بس) از شر ظالمان مصون و محفوظ داشته و در موعد مقرر با نابود شدن ستمکاران همانند فرعون و فرعونیان و به روی کار آمدن سبید و سیزده نفر (به تعداد لشکر جنگ بدر) که هواداران از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بودند دولت حقه اسلام را در سرا سر جهان برقرار فرمایند انشاء الله. چنانکه در شعر آمده است:

گر نگهدار من آنست که من میدانم

شیشه را در بغل سنگ نگه میدارد

پس شب را در آنجا مانده و پس از افطار و ادای نماز واجب نزدیک: (نرجس خاتون) خوابیده و در هر ساعت از او خبری می‌گرفتم.

مع الوصف: چون او بحال خود خوابیده بود هر ساعت برحیرتم افزوده می‌شد.

در هر صورت در این شب بیش از شبهای دیگر به نماز و تهجد برخاسته و به ادای نماز شب نیز پرداختم و چون به ادای: (نماز وتر) مشغول شدم.

نرجس خاتون از خواب بیدار شد و وضو گرفت و بخواندن نماز شب مشغول شد.

و چون نظر کردم که صبح کاذب طلوع کرده نزدیک بود شکی از فرمایش آن حضرت در قلبم خطور نماید.

که ناگاه حضرت امام حسن علیه السلام از حجره خود صدا زدند که شک مکن که وقتش رسیده است.

بلافاصله در نرجس خاتون اضطرابی نمود ارگشته و او را در بر گرفته و نام الهی را بر وی خواندم.

آنگاه مجدداً حضرت فرمود که سوره‌ی: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ را بر او بخوان.

پس از آن از نرجس خاتون پرسیدم که چه حال داری. گفت: ظاهر شده است اثر آنچه مولایم فرمود.

پس شروع نمودم بخواندن سوره: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ به ناگاه شنیدم که نور دیده امام حسن عسکری علیه السلام و نرجس خاتون قبل از تولد در خواندن این سوره با من همراهی نموده و بر من سلام کرد.

در این حال ترس بر من عارض شد و حضرت امام حسن عسکری علیه السلام صدا کرد و فرمود تعجب مکن از قدرت حق تعالی که طفلان ما را به حکمت گویا می‌فرماید زیرا که ما را در بزرگی حجت خود قرار داده است روی زمین.

سپس فرمایش آن حضرت تمام شد و نرجس خاتون از دیده‌ام غایب گردید گویا پرده‌ای میان من و او حائل گردید

پس دویدم بسوی حضرت امام حسن علیه السلام فریاد کنان.
حضرت فرمود: برگرد ای عمّه که او را در جای خود
خواهی دید.

و به مجرد برگشت خود مشاهده نمودم که پرده گشوده
شد، و در نرجس نوری مشاهده کردم که دیده مرا خیره کرد.
و حضرت صاحب الزمان علیه السلام را دیدم که به سجده افتاده به
زانوها و انگشتان: (ستابه) را بلند کرده و می گوید:

﴿أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ
جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَإِنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَصِيَّ
رَسُولِ اللَّهِ﴾

ترجمه: شهادت می دهم اینکه خدائی نیست جز
پروردگار او یکتاست و شریک ندارد و اینکه جدم
رسول خداست و اینکه پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام
جانشین رسول خداست.

پس نام یک یک امامان را شمرد تا بنام خودش رسید،
آنگاه فرمود:

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَأَتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَ ثَبِّتْ وَ طَاتِي وَ أَمْلَأْ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَ قِسْطًا.

ترجمه: خداوندا وعده نصرت که به من فرموده‌ای وفا فرما، و امر خلافت و امامت مرا تمام نما و انتقام از دشمنان ثابت فرما و پرکن زمین را به سبب من از عدل و داد.

و در روایت دیگر چنان است که چون حضرت صاحب الامر علیه السلام متولد شد نوری از او ساطع گردید که به آفاق آسمان پهن شد و مرغان سفید دیدم که از آسمان به زمین می‌آمدند و بالهای خود را بر سر و روی بدن آن حضرت می‌مالیدند و پرواز می‌کردند.

پس حضرت امام حسن عسکری علیه السلام مرا آواز داد: که ای عمه فرزند مرا بگیر و به نزد من بیاور چون برگرفتم او را بر خلاف نوزاد دیگر از هر لحاظ به تمام معنا کامل پاک و پاکیزه یافتم و بر ذراع راستش نوشته شده بود که:

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾^۱.

ترجمه: و بگو حق آمد و باطل نابود شد به درستی که باطل محو شدنی است.

پس خاتون گفت: که چون آن فرزند سعادت‌مند را به نزد آن حضرت بردم همینکه نظرش بر پدرش افتاد سلام کرد: پس حضرت او را گرفت و زبان مبارک بردودیدهاش مالید و درد هان و هر دو گوشش زبان گردانید و بر کف دست چپ او را نشانید و دست بر سر او مالید.

و فرمود: ای فرزند سخن بگو به قدرت الهی، پس صاحب الامر علیه السلام استعاذه فرمود و گفت:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (۵) وَنُمْكِنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَمَانَ وَ

جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ (۶) ^۱

ترجمه: ما خواستیم که بر آنهایی که در آن زمین ناتوان شده‌اند منت بگذاریم و آنها را پیشوا و وارث گردانیم و به آنها در زمین اقتدار بخشیم و به فرعون و هامان و سپاهیان‌شان آنچه را که از آن گروه بیم داشته‌اند بنمایانیم.

این آیه کریمه موافق احادیث معتبره در شأن آن حضرت و اباء بزرگوارانشان نازل شده است.

و نیز از حکیمه خاتون نقل شده: که هر چهل روز یک مرتبه به خدمت حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام در زمان پدر بزرگوارش می‌رسیدم تا آنکه چند روزی قبل از وفات حضرت امام حسن عسکری علیه السلام او را به صورت مرد کامل دیده و شناختم.

به فرزند برادر خود گفتم: این مرد کیست که مرا

می فرمائی نزد او بنشینم.

فرمود: که این فرزند نرجس و خلیفه من است بعد از من و بزودی من از میان شما می روم و باید سخن او را قبول کنی و امر او را اطاعت نمائی.

پس بعد از چند روز حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به عالم قدس ارتحال فرمود.

و اکنون من حضرت صاحب الامر علیه السلام را هر صبح و شام می بینم، و از هر چه سئوال می کنم مرا خبر می دهد، و گاهست که می خواهم سئوالی نمایم هنوز سئوال ننموده جواب می فرماید.

و در کتاب جلاء العیون نقل شده: که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: چون حق تعالی مهدی این امت را به من عطا فرمود، و ملائکه فرستاد که او را بسرا پرده عرش رحمانی برند خداوند متعال با و خطاب فرمود:

که مرحباً به تو ای بنده من که ترا خلق کرده ام برای یاری دین خود و اظهار امر شریعت خود و توئی هدایت یافته

بندگان من.

قسم به ذات خودم می‌خورم که به اطاعت از تو ثواب می‌دهم و به نافرمانی از تو عقاب می‌کنم مردم را و بسبب شفاعت و هدایت تو بندگان را می‌آموزم و به مخالفت از تو ایشان را عقاب می‌کنم.

ای دو ملائکه برگردانید او را بسوی پدرش و از جانب من او را سلام برسانید و بگوئید که او در پناه حفظ و حمایت من است، او را از شر دشمنان حراست می‌نمایم تا هنگامی که او را ظاهر نمایم و حق را با او بر پا دارم و باطل را با او سرنگون سازم و دین حق برای من خالص باشد.

و نیز در حق الیقین فرموده شیخ صدوق محمدبن بابویه به سند صحیح از احمدبن اسحاق روایت کرده است: که گفت رفتم به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام و می‌خواستم از آن حضرت سؤال کنم که امام بعد از شما کی خواهد بود. حضرت پیش از آنکه سؤال کنم.

فرمود: ای احمد: خدای عزوجل از روزی که آدم را خلق

کرده است تا حال زمین را خالی نگردانیده و تا روز قیامت خالی نخواهد گذاشت از کسی که حجّت خدا باشد بر خلق و به برکت او دفع کند بلاها را از اهل زمین و به سبب او باران از آسمان بفرستد و برکتهای زمین را برویاند.

گفتم: یا بن رسول الله پس کی خواهد بود امام و خلیفه بعد از تو.

حضرت برخاست و داخل خانه شد و بیرون آمد و کودکی بر دوشش مانند ماه شب چهارده و سه ساله می نمود.
و فرمود: ای احمد این است امام بعد از من و اگر نه این بود که تو گرامی هستی نزد خدا و حجّتهای خدا این را به تو نشان نمی دادم.

این فرزند نام و کنیت او موافق نام و کنیت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است و زمین را پر از عدالت خواهد کرد بعد از آنکه پر از ظلم و ستم شده باشد.

ای احمد: مَثَلُ او در این امّت مثل حضرت خضر و مثل ذوالقرنین است.

بخدا سوگند که غایب خواهد شد غائب شدنی که نجات نیابد از غیبت او از هلاک شدن و گمراه گردیدن مگر کسی که خدا او را ثابت بدارد بر قول به امامت او و توفیق دهد خدا او را که دعا کند برای تعجیل فرج او.

گفتم: آیا معجزه‌های و علامتی ظاهر می‌تواند شد که خاطر مطمئن گردد.

پس از آن کودک به سخن آمد و بلغت فصیح عربی.

گفت: منم بقیة الله در زمین و انتقام کشنده از دشمنان خدا و بعد از دیدن دیگر طلب اثر مکن.

احمد گفت: که شاد و خوشحال از خدمت آن حضرت بیرون آمدم، در روز دیگر به خدمت آن حضرت رفتم.

و گفتم: یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله عظیم شد سرور من به آنچه که انعام کردی بر من.

بیان فرما: که سنت خضر و ذوالقرنین که در آن مدت خواهد بود چیست.

حضرت فرمود: که آن طول غیبت است ای احمد.

گفتم: یا بن رسول الله غیبت او به طول خواهد انجامید.
فرمود: بلی به حق پروردگار من آنقدر به طول خواهد انجامید که برگردند از دین اکثر آنها که قائل به امامت او باشند و باقی نماند بر دین حق مگر کسی که حق تعالی عهد و ولایت ما را در روز: (میثاق) از او گرفته باشد و در دل او به قلم صنع ایمان را نوشته باشد و او را مؤید به روح ایمان گردانیده باشد.

ای احمد: این از امور غریبه خدا است و رازی است از رازهای پنهان او و غیبی از غیبهای او، پس بگیر آنچه به تو عطا کردم و پنهان دار و از جمله شکر کنندگان باش تا روز قیامت در علین رفیق ما باشی.

بشارت سوّم: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در بدو امر به پسر عمّ بزرگوارش حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام و یگانه دخت گرامیش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اسامی جانشینان خود را معرفی فرموده و سپس نام نامی آنان را از مولای متقیان تا امام زمان علیه السلام که دوازده نفر امام معصوم می باشند به برخی

از اصحاب خود به مناسبت‌هایی بیان می‌فرمودند.

بنابراین نخستین جانشین حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام است پس از آن حضرت فرزند ارشدش حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و پس از آن حضرت فرزند دیگرش حضرت امام حسین علیه السلام و پس از آن حضرت فرزندش حضرت امام سجّاد علی بن الحسین علیه السلام و پس از آن حضرت فرزندش حضرت امام محمد باقر علیه السلام و پس از آن حضرت فرزندش حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و پس از آن حضرت فرزندش حضرت امام موسی علیه السلام و پس از آن فرزندش حضرت امام رضا علیه السلام و پس از آن حضرت فرزندش امام جواد علیه السلام و پس از آن حضرت فرزندش حضرت امام علی النقی علیه السلام و پس از آن حضرت فرزندش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و پس از آن حضرت فرزندش امام مهدی علیه السلام حجت بن الحسن علیه السلام (درود خدا بر همه‌ی آنان باد) که امامان بر حَقّند.

چنانکه هر امام سابق به ترتیب امام لاحق را بمردم

معرفی فرموده است.

و در این خصوص روایاتی است از جمله روایت عبدالله انصاری است که یاد آور شده چون آیه ی:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى
الْأَمْرِ مِنْكُمْ
سوره نساء آیه ۵۹

ترجمه: ای آنانکه ایمان آوردید، فرمان برید خدا و رسول را و اولیاء امر: (کارداران) را از شما.

بر پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نازل شد، عرضه داشتیم:

ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پروردگار را بوسیله ی شما شناختیم، پس عبادتش کردیم، و شما را بواسطه معرفی خدا و خودتان شناختیم، پس پیروی نمودیم.

حال اولی الامر کیست که پروردگار جهان ما را باطاعت آنان دستور داده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آنان جانشینان و اولیاء امر بعد از من می باشند که اولشان برادرم حضرت علی علیه السلام پس از او فرزند ارشدش حسن علیه السلام سپس فرزند دیگرش حسین علیه السلام و پس از

او علی بن الحسین علیه السلام و پس از او محمد بن علی علیه السلام است (که بزودی او را ملاقات خواهی نمود و چون زیارت وی نائل شدی: سلام مرا به او برسان.

و پس از او جعفر بن محمد علیه السلام و پس از او موسی بن جعفر علیه السلام و پس از او علی بن موسی الرضا علیه السلام و پس از او محمد بن علی علیه السلام و پس از او حسن بن علی علیه السلام و پس از او (م - ح - م - د) بن حسن علیه السلام می باشد.

که پر می کند زمین را از داد و عدل همچنانکه پر شده است از ظلم و جور و از جمله خبری از آن حضرت نقل شده که فرموده است:

خالق جهان برگزید از روزها روز جمعه را، و از ماهها ماه رمضان را، و از شبها شب قدر را و نیز برگزید از خویشان من علی علیه السلام را و از علی دو فرزندش حسن و حسین علیه السلام را و از حسین علیه السلام جانشینان مرا.

چنانکه تعداد آنان نه نفر بوده، و بوسیلهی آنان احکام و

قوانین اسلام از تحریف گمراهان و بخود بستن باطل کاران و تأویل نمودن نادانان مصون و محفوظ می ماند.

بشارت چهارم: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله علاوه بر معرفی

جانشینان خود به نخستین وصی اش حضرت علی بن

ابی طالب علیه السلام و یگانه دخت گرامی خود حضرت زهرا

اطهر علیها السلام جریانات دلسوز و غم انگیز مسلمین را پس از رحلت

خود بدست منافقان در نزد آل عبا صلوات الله علیهم اجمعین

خصوصاً و در نزد مسلمانهای حقیقی گاه و بیگاه عموماً جهت

مزید اطلاع آنان ضمن توصیه بر صبر و استقامت در مقابل

شرارت برخی از دشمنان اسلام که می خواستند زحمات

بیست و سه سال آن بزرگوار را نادیده گرفته و مردم را به آئین

زمان جاهلیت به نفع خود برگردانند آگاه می فرمودند تا آنان

بدانند در آن روزگار چگونه با این منافقان برای حفظ قوانین و

مقررات شرع مقدس اسلام و مصون ماندن جان و مال و

غیره مسلمین از گزند اینها رفتار نمایند.

خوشبختانه فرمایشات آن بزرگوار (بخصوص؛ حدیث

ثقلین) در وحلهٔ اول به خاندان نبوت و امامت و در وحلهٔ دوم به پیروان این دو خاندان گرامی تأثیری بسزا نموده و سرمشقی بجا تا روز جزا بنا بفرمودهٔ ایشان: بشرح ذیل گردید:

﴿إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي لَمْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ﴾

ترجمه: به درستی که امانت گذاردم نزد شما دو چیز پر بها را

اول: قرآن (کتاب خدا را).

دوم: عترت خودم را.

که این دو از همدیگر فاصله نمی‌گیرند تا اینکه نزد حوض (کوثر) بر من وارد می‌شوند و هیچ قدرتی به حول و قدرت پروردگار چنانکه در قرآن مجید آمده است:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۱

ترجمه: بطور قطع ما قرآن را فرستادیم و ما نیز آن را نگهداری می‌نمائیم.

توان مقاومت در برابر مشیت خدا و اراده قاطع پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نیز اوصیاء آن حضرت به ویژه خاتم اوصیاء: (حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداء) نداشته و نخواهد داشت و اگر چند صباحی با قهر و غلبه به نظر خودشان دنیا را بر وفق مرادشان بدست آورده‌اند همانند: (تار عنكبوت) از هم گسیخته و از دست رفته و جز حسرت و ندامت بی فایده در دنیا و آخرت چیزی نصیبشان از صدر اسلام تا قیامت انشاء الله نشده و نخواهد شد. چنانکه در قرآن مجید سورة التوبة آیه ۳۲ آمده است:

﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾

ترجمه: می‌خواهند نور خدا را به نفس تیره و گفتار جاهلانه خود خاموش کنند و خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را به حد کمال برساند هر چند کافران کراهت داشته باشند.

بشارت پنجم: در پیش یاد شد که پیروان حقیقی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هر لحظه مشتاق بودند که آن حضرت جانشینان خود را چه در حال حیات و چه بعد از رحلت آن بزرگوار شناخته اولاً خودشان به نخستین وصی آن بزرگوار در حال حیات ایشان ادای احترام نموده و در صورت عدم توفیق به محضر آن بزرگوار احکام شرعی خود را از جانشین بلافصل و نخستین ایشان سؤال نمایند.

و علاوه بر این مایل بودند که اسامی و شرح حال اوصیاء دیگر آن حضرت را که بنابه فرموده‌شان جمعاً دوازده وصی بودند سؤال نموده و به فرزندان‌شان نسل به نسل یاد آوری و معرفی نمایند تا آنان همانند پدران‌شان از بذل مال و جان در راه ترقی و تعالی شرع مقدس اسلام دریغ ننمایند.

مع‌الاسف: پیروان ظاهری و غیر حقیقی بر خلاف پیروان حقیقی نه تنها خودشان در حدّ توان در صدد جلوگیری از نفوذ شرع مقدس اسلام به عناوین مختلفه می‌شدند بلکه به اولاد و عشیره‌شان و غیره تبلیغات سوء بر علیه اسلام نموده و در

کارشکنی به هر نحو ممکن دست بردار نمی‌شدند. چنانکه در مواقع حساس که می‌دیدند لشکر اسلام در صدد جنگ و فتح و پیروزی است مخفیانه با دشمنان به منظور شکست لشکر اسلام همکاری می‌نمودند. و بعضاً باین اکتفاء ننموده برخی از مسلمانهای تازه وارد و نا آگاه را به هر حيله که می‌توانستند با تطمیع و دلسوزی بی جا به ویژه تبعید و تهدید و شکنجه طاقت فرسا تا سر حدّ نقص عضو و مرگ از ادامهٔ مسلمانی بر حذر می‌داشتند.

مع الوصف: اصحاب خاصّ و مسلمانهای حقیقی از شنیدن فرمایشات آن حضرت در این باره شاد و متقابلاً منافقان که وجود این جانشینان معصوم را مانع خواسته‌های شوم خود در آینده می‌دانستند ناشاد می‌شدند.

و چون در زمان آن حضرت علیه السلام به ملاحظاتی شاد شوندگان نمی‌توانستند آشکارا شادی خود را بیش از حدّ اظهار نمایند لذا فرمایشات آن حضرت را به فرزندان و عشیره خود بازگو نموده و آنان را در آتی: (نسل به نسل) به حمایت از

جانشینان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ترغیب و دعوت می نمودند. و در قبال آنان منافقان چون توان آن نداشتند که همانند دشمنان و کفار در مقابل اسلام صلی الله علیه و آله صف آرائی و ایستادگی نمایند لذا آنها هم اولاً بخود نوید می دادند که پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یا بزمان جاهلیت خود برگشته: و دیگران را نیز بر می گردانند.

و ثانیاً به هر نحو ممکن ولو کار به جدال و قتال منجر گردد خود و عشیره و پیروانشان (نسل به نسل) از زمان خلافت حضرت علی علیه السلام تا زمان خلافت امام زمان علیه السلام با این بزرگواران به ستیزه و نبرد برخاسته و حکومت اسلامی را به دلخواه خود اداره نموده و ابداً به آنان و پیروانشان مجال اعتراض و مداخله در امور حکومتی شان ندهند.

خوشبختانه گرچه عده‌ای در عالم ظاهر مدتی در زمان ائمه اطهار علیهم السلام و در غیبت صغری و کبرای امام زمان علیه السلام از جمله بنی امیه و بنی عباس خود را امیر و حاکم مسلمین قلمداد نمودند.

ولی با تأییدات خداوند متعال و توجهات خاصه چهارده معصوم علیهم السلام و صبر و استقامت پیروان این بزرگواران دو امانت: (قرآن و عترت) از گزند آنها مصون مانده و تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام محفوظ خواهد ماند. انشاءالله.

بشارت ششم: حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداه که دوازدهمین جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می باشند.

از هنگام تولدش که عبارت از سال دویست و پنجاه و پنج هجری قمری است تا آخر زمان تکلیف زنده و موجود است زیرا در هر زمان ناگزیر از وجود امام معصومی است که ادله قاطعه بطور عموم نیز بر آن گواه است.

بنابراین چون غیر از این بزرگوار معصومی نیست پس ایشان امام است.

اما بعید شمردن بقاء آن بزرگوار باطل است، زیرا که بقای ایشان طی این مدت ممکن است، به ویژه عمر اشخاصی سعادت مند مانند حضرت خضر و حضرت نوح علیه السلام و نیز کسان بی سعادت که در زمانهای گذشته می زیسته اند بیش از عمر

شریف این بزرگوار یا دو درج شده است. مانند شیطان و برخی از پیروانش.

و اما سبب غیبت آن حضرت علیه السلام یا به منظور مصلحت ویژه‌ای است که شخصی جز خداوند متعال بر آن واقف نیست.

و یا به جهت زیاد بودن دشمن و کم بودن دوست آن حضرت است که می‌توان گفت این دشمنان همانند توده ابری سیاه موقتی و لحظه‌ای هستند که در مقابل خورشید قرار می‌گیرند. ولی توان آن را ندارند که موجودات جهان را از مزایای نور خورشید بی‌بهره نمایند.

در هر صورت چون حکمت پروردگار عالم و عصمت امام مقتضی لطف بوده و با وجود این دو منع لطف جایز و عادی نیست، لذا منع آن به خلق انسب و با مورد است. پس لطف آن حضرت در حال غیبت نیز شامل حال موجودات می‌شود.

خدایا: در فرج حضرت حجة بن الحسن علیه السلام تعجیل فرموده و دیدارمان را به دولت حقّه‌ی عدالت گسترش روشن

گردان، و قرارده، ما را از یاران و پیروانش (یارب العالمین): ای پروردگار جهانیان.

بشارت هفتم: حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداه از

باب لطف و مرحمت در غیبت صغری و کبری و هنگام ظهور به خواست خدا الطاف بی شمارش هر آن همانند جدّ و جدّه و اجداد و والد بزرگوارش علیه السلام شامل حال تمام موجودات به ویژه آنان که اهل تکلیف الهی و پیرو احکام نبوی صلی الله علیه و آله و علوی علیه السلام از جنّ و انس هستند چه در زمان حیات والد بزرگوارش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از هنگام تولّدش در جوار عمّه گرامیش: (حکیمه خاتون) و در خانه والد بزرگوارش به امر آن حضرت به معرفی خود و ارشاد و راهنمایی اصحاب و پیروان حقیقی پرداخته و پس از شهادت آن حضرت و غیبت صغرای خود چهار نایب خاصّ که ذیلاً یاد خواهد شد.

و در غیبت کبری نیز نائبان عامّ خود را نیز تا هنگام ظهورش به امر خداوند متعال با مشخصات و خصوصیات ویژه‌ای که به برخی از آنها اشاره می‌شود جهت ارشاد و

راهنمایی امت اسلامی از جانب خود در زمان این دو غیبت: (صغری و کبری) به آنچه در کتاب: (کفایة الموحّدین) و غیره از باب لطف و مرحمت یاد شده به شرح زیر معرفی فرموده است.

۱- **نایب خاصّ اول: حضرت حجة بن الحسن العسكري علیه السلام عثمان بن سعید عمروی است.** که آن حضرت کمال وثوق و امانت به وی داشت و مورد اعتماد حضرات امام علی النقی و حضرت امام حسن العسكري علیه السلام در زمان حیاتشان بود. و از طایفه اسدی به جدّش جعفر عمروی منسوب بود.

و او را: (سمّان: یعنی روغن فروش) هم می گفتند و این شغل به جهت بعضی از مصالح بود که به جهت تقیه و اخفاء امر سفارت از دشمنان محسوب می شد.

چنانکه شیعیان اموالی که از برای حضرت امام حسن العسكري علیه السلام می آوردند با و تسلیم می کردند و ایشان آنها را در مال التجاره خود می گذاشت و به خدمت آن بزرگوار می فرستاد. و در روایت احمد بن اسحق قمی رحمته الله که از جمله علماء

۹۰ _____ توصیه امام زمان علیه السلام در خصوص مسجد جمکران

شیعه است چنین مذکور است:

که روزی به خدمت حضرت امام علی النقی علیه السلام مشرف شدم:

عرض کردم: ای سید و مولای من همیشه از برای من میسر نمی شود که به خدمت شما مشرف گردم.

پس سخن کی را قبول کنم و به امر چه شخصی اطاعت نمایم. فرمود: که این ابو عمرو و او مردی است ثقه و امین من هر چه به شما بگوید از جانب من می گوید و آنچه به شما می رساند از جانب من می رساند.

و چون حضرت امام علی النقی علیه السلام بدار بقاء رحلت نمود. روزی به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم و به آن حضرت نیز عرض کردم.

بمثل آنچه پیدر بزرگوارش عرض نموده بودم. حضرت فرمود: این ابو عمرو مرد ثقه و امین است، زیرا هم ثقه امام گذشته بود و هم ثقه من است.

پس هم در حال حیات و هم بعد از وفات من هر چه به

شما می‌گویید از جانب من می‌گویید و آنچه به شما می‌رساند از جانب من می‌رساند.

و علامه مجلسی رحمته الله در بحارالانوار نقل کرده است که جماعتی از اهل ثقات حدیث روایت کرده‌اند:

که جمعی از اهل یمن به خدمت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام مشرف شدند و اموال به خدمت آن امام عالمیان آورده بودند.

پس آن بزرگوار فرمود: ای عثمان به درستی که تو وکیل و امین مال خدائی برو اموالی را که آورده‌اند از اهل یمن قبض کن. اهل یمن عرض کردند: که ای مولای ما بخدا سوگند که هر آینه عثمان از برگزیدگان شیعه شماس است به درستی که آنچه در نزد ما بود از منزلت و مرتبت او در نزد شما امروز زیاد فرمودی.

زیرا که او متعهد نزد شماس است در خصوص مال خدا. فرمود: بلی، شاهد باشید که عثمان بن سعید عمروی وکیل من است و پسرش: (محمد بن عثمان) وکیل پسر من:

(مهدی علیه السلام است).

چنانکه حضرت صاحب الامر علیه السلام بعد از پدر بزرگوارش او را به منصب جلالت و وکالت و نیابت برقرار فرموده و جواب مسائل شیعیان به توسط وی بایشان می‌رسید.

و آنان هم آنچه اموال از سهم امام علیه السلام بود به او تسلیم می‌نمودند.

و ضمناً به برکت وجود صاحب الزمان علیه السلام مشاهده می‌نمودند از او امور غریبه و اخبار بمغیبات و اموال را که می‌خواستند به وی تسلیم نمایند وصف آن را از حلیت و حرمت و مقدار آن را قبل از تسلیم آنها خبر می‌داد و آنکه صاحبان اموال چه اشخاصی هستند نام می‌برد.

در هر صورت همه آنها از جانب ولی عصر عجل الله فرجه الشریف به وی اعلام می‌شد و ایشان هم بآن اشخاص یادآور می‌شدند.

و هم چنین بود حال باقی وکلاء و سفراء آن حضرت که به دلائل و کرامات از جانب آن حضرت سفارت و نیابت داشتند.

۲- نایب خاص دوّم: حضرت حجّة بن الحسن
العسکری علیه السلام محمد بن عثمان بن سعید عمروی است.
که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام او و پدرش را توثیق
فرموده و به شیعیان خود نیز خبر داد که وی از وکلای
فرزندم: (مهدی) علیه السلام خواهد بود.

بنابراین هنگامی که وفات پدرش عثمان بن سعید
عمرویی رسید از جانب حضرت حجّة بن الحسن العسکری علیه السلام
مکتوب بیرون آمد که مشتمل بر: (تعزیت نامه) بود در
خصوص وفات پدر محمد بن عثمان و آنکه او نایب و
منصوب از جانب ولی خداست در امر سفارت.
و در مقام پدرش بر قرار است:

و عبارت توقیع بنابر روایت شیخ صدوق علیه السلام و غیر او که
نقل نموده‌اند بشرح زیر است:

إِنَّا لِلّٰهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ تَسْلِيماً لِأَمْرِهِ وَ رِضاً
بِقَضَائِهِ وَ بِفِعْلِهِ عَاشَى أَبُوكَ سَعِيداً وَ مَاتَ حَمِيداً
فَرَحِمَهُ اللّٰهُ وَ الْحَقُّ بِأَوْلِيَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. فَلَمْ

يَزَلْ فِي أَمْرِهِمْ سَاعِيًا فِيمَا يُقْرِبُهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ
 وَ إِلَيْهِمْ نَضْرًا لِلَّهِ وَجْهَهُ وَ أَقَالَهُ عَثْرَتَهُ وَ أَجْزَلَ اللَّهُ
 لَكَ الثَّوَابَ وَ أَحْسَنَ لَكَ الْعِزَّ وَ رَزِيَّتَ وَ رَزِينَا وَ
 أَوْحَشَكَ فِرَاقَهُ وَ أَوْحَشَنَا فِسرَ اللَّهِ فِي مُنْقَلِبِهِ وَ
 كَانَ مِنْ سَعَادَتِهِ أَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ وَ لِدًا مِثْلَكَ بِخَلْفَهُ
 مِنْ بَعْدِهِ وَ يَقُومُ مَقَامَهُ بِأَمْرِهِ وَ يَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ وَ
 أَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَإِنَّ الْأَنْفُسَ طَيِّبَةً بِمَكَانِكَ وَ
 مَا جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيكَ وَ عِنْدَكَ أَعَانِكَ وَ قَوَاكَ وَ
 عَضْدَكَ وَ وَفَّقَكَ وَ كَانَ لِي وَ لِيَا وَ حَافِظًا وَ رَاعِيًا...

و دلالت این توقيع شریف بر جلالت قدر و بزرگی مرتبه‌ی
 این بزرگوار در نهایت رفعت و مناعت است و شرح آن به
 فارسی آنکه فرمود:

ترجمه: به درستی که ما برای خدائیم و بازگشت ما
 به سوی خدا است که تسلیم نمودیم امر او را و
 راضی شدیم به قضای او.

و پدر تو با سعادت و نیک بختی تعیش نمود و

وفات نمود در حالتی محمود و پسندیده بود.
خدا او را رحمت کند و ملحق کند او را به اولیاء و
سادات و موالیان علیهم السلام که همیشه در امر ائمه دین
سعی کننده بود و در آن چیزهائی که موجب تقرب
او بود بسوی خدا و ائمه دین او.

خدای روزی او را تر و تازه نماید و لغزشهای او را
ببخشد و جزا و اجر ترا زیاد کند و صبر نیکو در
مصیبت او به تو عطا فرماید.

تو مصیبت زده شدی و ما مصیبت زده شدیم و
مفارقت او ترا و ما را به وحشت انداخت.

پس خداوند او را به رحمت خود مسرور فرماید در
منگلب و مأوای او که آرامگاه او است.

و از کمال سعادت پدرت آنکه مثل تو فرزندی را به
او روزی فرموده که خلیفه و قائم مقام او باشی به
امر او و ترخم نمائی و طلب آمرزش کنی از برای او.

و من می‌گویم: که حمد می‌کنم خدا را پس به درستی که

قلوب شیعیان نیکو و مسرور شده است به مکان و منزلت تو
و آنچه خداوند در تو و در نزد تو قرار داده است.
و خداوند متعال ترا یاری فرماید و قوت به تو دهد
محکم فرماید ترا و توفیق به تو عطا فرماید و ترا حافظ
نگهبان باشد.

و نیز علامه مجلسی رحمته الله علیه در بحارالانوار از کتاب: (غیبت)
شیخ طوسی رحمته الله علیه از جمعی از اصحاب روایت کرده است.
که چون عثمان بن سعید وفات کرد توقیعی از جانب
حضرت حجت علیه السلام بسوی فرزند او: (محمد بن عثمان بن
سعید عمروی) بیرون آمد بدین لفظ:

وَ الْإِبْنُ وَقَاهُ اللَّهُ لَمْ يَزَلِ ثِقْتَنَا فِي حَيَوَةِ الْآبِ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ أَرْضَاهُ وَجْهَهُ يَجْرِي عِنْدَنَا مَجْرَاهُ
وَ يَسُدُّهُ مَسَدُهُ وَ عَنِ أَمْرِنَا يَأْمُرُ لِإِبْنٍ وَ بِهِ يَعْمَلُ
ثَوَالِيَهُ اللَّهُ.

ترجمه: بعد از وفات عثمان بن سعید خداوند فرزند
او را نگهداری فرماید که همیشه ثقه و معتمد ما

بود در حیات پدر (خداوند از وی راضی و او را
خشنود و رویش را بشاش فرماید).

که پسر وی مثل پدر اوست در نزد ما و قائم مقام ایشان
است و هر چه بگوید از امر ما می‌گوید و به امر ما عمل
می‌نماید خداوند یاور و صاحب وی باشد.

و نیز در روایت دیگر از کلینی علیه السلام نقل نموده‌اند که توقیعی
به خط شریف حضرت صاحب الامر بیرون آمد که نوشته بودند:
محمد بن عثمان خدا از او و پدرش خوشنود گردد.

معتمد من است و مکتوب او مکتوب من است.

و دلائل بسیار و معجزات امام علیه السلام از برای شیعیان در
دست او جاری شد.

که در زمان نیابت و سفارت مرجع همه‌ی شیعیان بود از
جانب حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام و شیخ صدوق علیه السلام
به سند خود از محمد بن عثمان بن سعید روایت کرده است:
این حدیث معروف را.

که قسم بخدا هر آینه حضرت حجت بن الحسن علیه السلام در هر

سال موسم: (حج) حاضر می شود و خلائق را می بیند و می شناسد و مردم آن حضرت را نیز می بینند ولی نمی شناسند.

و در روایت دیگر: آنکه از او سؤال نمودند که تو حضرت صاحب الامر علیه السلام را دیده ای.

گفت: بلی و دیدن آخرین در: (بیت الله الحرام) بود در حالتی که می فرمود:

﴿اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي﴾

ترجمه: بار خدایا به من مرحمت فرما آنچه را که وعده فرموده ای.

و دیدم در: (مستجار) که می فرمود:

اللَّهُمَّ انْتَقِمْ بِي أَعْدَائِي.

ترجمه: بار خدایا انتقام بفرما بوسیله خودم از دشمنانم.

۳- نایب خاص حضرت حجة بن الحسن علیه السلام جناب

حسین بن روح بود.

که او در زمان سفارت محمد بن عثمان از جانب وی و با

مرا و متصدی بعضی از امور ایشان بود. زیرا چند نفر از ثقات و مؤمنین و معتمدین از برای (محمد بن عثمان) بودند که از آن جمله (حسین بن روح) بود. بلکه در انظار مردم خصوصیت سائرین به: (محمد بن عثمان) بیشتر بود تا خصوصیت (حسین بن روح). چنانکه جماعتی گمان داشتند که امر وکالت بعد از محمد بن عثمان منتقل خواهد شد به جعفر بن احمد به جهت کثرت خصوصیت او به محمد بن عثمان. بلکه در اواخر عمر محمد بن عثمان جمیع طعام وی از خانه جعفر بن احمد بود.

و در این باره علامه مجلسی رحمته الله در بحار الانوار از کتاب: (غیبت) شیخ طوسی رحمته الله روایت کرده که در وقت احتضار: (محمد بن عثمان بن سعید - ره) جعفر بن احمد در بالای سر او نشسته بود و حسین بن روح در پائین پای او. در آن حال به جعفر بن احمد رو کرد که مأمور شدم که ابوالقاسم بن روح را وصی نمایم و امور را به او واگذار نمایم.

بنابراین تا جعفر بن احمد شنید که امر وصیت باید منتقل به حسین بن روح شود از جای خود برخاست و دست حسین بن روح را گرفته در جانب سر او نشانید و خود در جانب پائین پای محمد بن عثمان نشست.

و نیز در روایت معتبره چنین یاد شده است:

که محمد بن عثمان بن سعید بزرگان شیعه و مشایخ را جمع نمود:

و گفت: که هر گاه حادثه‌ی مرگ رو به من آورد امر وکالت با ابی القاسم بن روح خواهد بود.
به درستی که من مأمور شدم به اینکه او را بعد از وفات بجای خود نصب نمایم پس به او رجوع نمائید و در کارهای خود اعتماد بوی کنید.

و در روایت معتبره‌ی دیگر چنانکه در بحارالانوار نقل شده است:

جماعتی از شیعه در نزد محمد بن عثمان جمع شدند و به او گفتند که اگر حادثه‌ی مرگ از برای تو روی نماید در جای

توکی می باشد.

گفت: ابوالقاسم حسین بن روح قائم مقام من است و در میان شما و حضرت صاحب الامر علیه السلام واسطه است و وکیل و امین و ثقه‌ی آن بزرگوار است.

پس در کارهای خود با و رجوع نمائید و در مهمات خود با و اعتماد نمائید زیرا من مأمور شده بودم که این مطلب را به شما برسانم.

و در بعضی از نسخ توقیعی که از جانب حضرت امام زمان علیه السلام از برای شیخ ابوالقاسم بن روح بیرون آمده چنانکه در بحار از جماعتی از جمله اخبار و ثقات نقل شده بدین لفظ است:

نَعْرِفُهُ عَرَفَهُ اللَّهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَ رَضَوَانَهُ وَ أَشْعَدَهُ

بِالتَّوْفِيقِ وَفَقْنَا عَلَى كِتَابِهِ وَ وَثِقْنَا بِمَا هُوَ عَلَيْهِ وَ أَنَّهُ

عِنْدَنَا بِالْمَنْزِلَةِ وَ الْمَحَلِّ الدِّينِ يَسْرَانِهِ زَادَ اللَّهُ فِي

إِحْسَانِهِ إِلَيْهِ إِنَّهُ وَ لِيُّ قَدِيرٌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا

شَرِيكَ لَهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَ سَلَّمَ

تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

ترجمه: حاصل مضمون بلاغت آیات آنکه ما می‌شناسیم او را یعنی حسین بن روح را خداوند بشناساند و عالم گرداند او را طریقه‌ی همه خیر و رضای خود را و او را یاری فرماید به توفیق خود.

ما مطلع شدیم بر مکتوب او و مطلع گردیدیم بر امانت او و دینداری او و ثوق و اعتماد به درستی که او در نزد ما به مکان و منزلت بلند آن چنانی است که مسرور می‌سازد آن منزلت و مکان او را.

زیاد فرماید خداوند متعال احسان خود را درباره‌ی وی به درستی که پروردگار صاحب تمام نعمتها و بر همه چیز قادر است.

و حمد بر خداوند سزا است که شریک از برای او نیست و صلوات خداوند و سلام او بر رسول او: (محمد و آل وی علیهم السلام) باد.

و از احوالات این بزرگوار چنین مذکور داشته‌اند که چنان تقیه می‌نمود در بغداد و چنان با مخالفین حسن سلوک داشت

که هر یک از: (مذاهب چهارگانه: شافعی و مالکی و حنفی و حنبلی) مدعی بودند که او از ما است.

چنانکه افتخار می نمودند هر طایفه‌ی از آنها به نسبت ایشان به آنان.

۴- نایب خاص چهارم حضرت حجة بن الحسن العسكري علیه السلام جناب ابی الحسن علی بن محمد سمري بود.

نظر باینکه وفات جناب شیخ ابوالقاسم حسین بن روح علیه السلام فرار رسید.

لذا به امر مبارک آن حضرت ایشان مفتخر به این سمت شد. بنابراین کرامات و معجزات و مسائل شیعیان را آن حضرت بوسیله وی به آنان مرحمت و اعلام می فرمود.

و آنان نیز به امر آن بزرگوار اموال را تسلیم بایشان می نمودند تا به محضر آن حضرت تقدیم نماید.

و چون وی را زمان وفات فرار رسید شیعیان در نزد او حاضر شده و از او خواهش نمودند که شخصی را بجای خود بنشانند و امر نیابت به او واگذار نماید.

ایشان پاسخ داد: که خدا را امری هست که باید آنرا با تمام رساند یعنی باید (غیبت کبری) واقع شود.

و در روایت دیگر از شیخ صدوق رحمته الله آنکه چون شیخ ابوالحسن سمری را وفات رسید شیعیان در نزد وی حاضر شدند و از او پرسیدند که بعد از تو وکیل امور کی خواهد بود و کدام شخصی در جای تو خواهد نشست.

در جواب ایشان گفت: من مأمور نشده‌ام که در این باب به احدی وصیت نمایم.

و از شیخ طوسی رحمته الله در کتاب: (غیبت) و از شیخ صدوق رحمته الله در کتب: (اکمال الدین) روایت شده است که چون ابوالحسن علی بن محمد سمری را وفات فرار رسید.

توقیعی بیرون آورد و بمردم نشان داد که نسخه آن بدین مضمون بود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

يَا عَلِيُّ بْنَ مُحَمَّدِ السَّمَرِيِّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ

فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ فَاجْمَعْ

أَمْرَكَ وَ لَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ فَيُقَوْمَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ
فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَّةُ فَلَا ظَهْرَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ
تَعَالَى ذِكْرُهُ.

وَ ذَلِكَ بَعْدَ طَوْلِ الْأَمَدِ وَ قَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ اِمْتِلَاءِ
الْأَرْضِ جُورًا. وَ سَيِّئَاتِي مِنْ شِيعَتِي مَنْ يَدْعِي
الْمُشَاهِدَةَ.

أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِي وَ
الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

ترجمه: محدث قمی علیه السلام در منتهی الآمال یادآور
شده که حاصل فرمایش آن بزرگوار در این توقیع
شریف آنکه:

ای علی بن محمد سمری خداوند برادران دینی ترا
در مصیبت تو اجر عظیم کرامت فرماید. به درستی
که تو در اثنای این شش روز وفات خواهی نمود.
پس جمع نما امر خود را و در کار خود آماده باش و

با حدی وصیت نیابت نما که قائم مقام تو شود بعد از وفات تو به درستی که: (غیبت کبری) واقع گردید. و ما را ظهوری نخواهد بود مگر به اذن خدای تعالی و این ظهور بعد از این است که زمان غیبت طول بکشد و دلها را قساوت فرا گیرد تا پر شود زمین از جور و ستم.

و زود است که می آید کسانی از شیعیان من که دعوی مشاهده مرا می نمایند.

آگاه باشید که هر کس پیش از خروج سفیانی و رسیدن صیحه آسمانی دعوی مشاهده نماید پس او کذاب و افتراء زننده است.

محدث قمی رحمته الله در منتهی الامال از قول راوی در این خصوص نقل کرده است:

که نسخه شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمیری رحمته الله را نوشتم و از نزد او بیرون رفتم چون روز ششم در رسید نزد او رفتیم دیدیم که در حال احتضار است.

آنگاه با و گفته شد که وصی تو بعد از تو کیست.
گفت: خداوند متعال را امری است باید او را با تمام برساند
این را گفت و وفات نمود.

(رحمة الله. رضوانه علیه: رحمت و رضوان خدا بر او باد).
و نیز از شیخ صدوق رحمته الله در کتاب (اکمال الدین) نقل شده
است:

که وفات علی بن محمد سمري در سال سیصد و بیست و
نه از هجرت بوده است.

بنابراین مدت: (غیبت صغری) که سفراء و وکلاء و نواب
مخصوص حضرت: حجة الحسن العسكري علیه السلام که از جانب
ایشان مأمور به سفارت و نیابت بودند قریب به هفتاد و چهار
سال خواهد بود.

که قریب به چهل و هشت سال ایام سفارت عثمان بن
سعید عمروی و پسر ایشان: (محمد بن عثمان رحمته الله) بود.

و قریب به بیست و شش سال مدت نیابت شیخ ابوالقاسم
حسین بن روح و شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمري رحمته الله بود.

بنابراین پس از گذشتن این مدت سفارت منقطع و: (غیبت کبری) واقع شده است.

پس هر که ادعای سفارت و نیابت خاصه و یا بر طبق آن دعوی مشاهده نمود بطور مسلم کذاب و مفتری خواهد بود به اسلام چنانکه آن حضرت در توقیع بدان اشاره فرموده است.

بشارت هشتم: حضرت حجة الحسن العسکری به مجرد شروع: (غیبت کبری) از باب لطف و مرحمت نائبان عام خودش را که: (مراجع عظام و علماء اعلام) می باشند همانند جد بزرگوارش حضرت امام محمد باقر علیه السلام به شیعیان معرفی فرموده است:

چنانکه تیمناً و تبرکاً فرمایش آن حضرت علیه السلام و جد بزرگوارش علیه السلام جهت مزید اطلاع به شرح زیر یاد می شود:

محدث قمی رحمته الله در منتهی الامال از قول راوی نقل کرده است: که از جانب حضرت امام محمد باقر علیه السلام چنین امر شد که:

أَنْظَرُوا إِلَى مَنْ كَانَ مِنْكُمْ قَدْرُوِي حَدِيثَنَا وَ نَظَرُوا فِي خَلَا لِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَارْضُوا بِهِ

حَكِمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا.
فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فَإِنَّمَا بِحُكْمِ اللَّهِ
إِسْتَخَفَّ وَ عَلَيْنَا رَدٌّ وَالرَّادُّ عَلَيْنَا رَادٌّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ
فِي حَدِّ الشِّرْكِ بِاللَّهِ

و در روایت دیگر: (مجرای امور) را منحصرأ در دست:
(مراجع عظام و علماء اعلام) مقرر نموده و فرموده‌اند:

مُجَارِي الْأُمُورِ بِيَدِ الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأَمْنَاءِ عَلَى حَلَالِهِ
وَ حَرَامِهِ.

و نیز نوه آن حضرت: (حضرت حجة بن الحسن
العسکری علیه السلام در توقیع شریف خود در پاسخ به مسائل اسحق
بن یعقوب که یکی از اجله و اخیار علماء شیعه و حمله اخبار
است که به توسط محمد بن عثمان بن سعید عمروی
عریضه‌ای به خدمت حضرت ولیعصر علیه السلام تقدیم کرده و مسائل
چندی سؤال نموده بود که آن حضرت در: (توقیع شریف)
جواب مسائل او را داده و از جمله فرموده است:

وَ أَمَا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ

حَدِيثُنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ
عَلَيْهِمْ.

در هر صورت مستفاد از فرمان مطاع این دو حجت
خداوند متعال آنکه علماء و حفظه علوم و اخبار و آثار ایشان
صاحب نظر و اهل استنباطند.

که از روی معرفت و دانش عارفند به احکام صادره از
ایشان و باید مکلفین رجوع به ایشان نمایند در اخذ حلال و
حرام و قطع منازعات که آنچه ایشان می فرمایند حجت است
از برای عامه مکلفین باستجماع ایشان بر شرایط اجتهاد.

و از برای ایشان است نیابت عامه که خلق از باب: (الجباء و
اضطرار) مکلفند به رجوع نمودن بایشان.

بنابراین آن حضرت دیگرنایب خاصی در زمان: (غیبت
کبری) معرفی نفرموده اند زیرا به انقطاع نیابت خاصه و
سفارت حکم فرموده اند و بس.

در پایان به خواست خداوند متعال و توجهات خاصه
حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و همت

والای نائبان عامّ آن حضرت از زمان شیخ صدوق رحمته الله و راویان و محدّثان اخبار نبوی صلی الله علیه و آله و علوی علیه السلام به ویژه علماء اعلام و حجج اسلام و آیات عظام و امثالهم تا تأسیس حوزه علمیه قم به پیروی از امر مطاع امام زمان علیه السلام که به حسن مثله جمکرانی در خصوص بنای این مسجد و تعمیرات آن و پاداش خواندن نماز آن حضرت در مسجد جمکران فرمود:

مَنْ صَلَّاهَا فَكَأَنَّمَا صَلَّاهَا: (صَلَّاهُمَا) فِي الْبَيْتِ

الْعَتِيقِ.

ترجمه: هر کس این نماز را (در مسجد جمکران) بخواند پس (از نظر پاداش) مثل آنست که این دو رکعت را در کعبه خوانده باشد.

و اهالی قم و حوالی آن مخصوصاً اهالی قریه جمکران و زائران محترم حرم: (حضرت معصومه علیها السلام) از شهرستانهای این کشور حجة بن الحسن عسکری علیه السلام و کشورهای اسلامی دیگر باین مکان شریف حضور می‌رسانده و از زمان تأسیس حوزه علمیه قم (الحمد لله و المنة) روز بروز این مسجد تا

ظهور آن بزرگوار همانند مسجد: (سهله) محل اخذ پاداش
اخروی و بر آمدن حاجات دنیوی و اخروی و رفع و دفع بلیات
ناخواستهی دنیوی و اخروی در ظلّ عنایات (بی بی حضرت
معصومه علیها السلام) و لطف و مرحمت برادرزاده بزرگوارش (حضرت
حجّة بن الحسن العسکری علیه السلام) به ویژه مورد الطاف خفیّه
خداوند متعال بوده و خواهد بود انشاءالله. مع الوصف چنانکه
حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در شهر نیشابور فرموده
است: بشرطها و انا من شرطها:

ترجمه: با شرایط آن و من از شرط آنم.
چنانکه در شعر آمده است:

صدر رضوان دلت بگن ز جهان

فکر خود باش توشه بر زجهان

بی حبّ علی علیه السلام روضه رضوان مطلب

بی رنج و تعب مزد فراوان مطلب

بی حبّ رضا علیه السلام رضایت حق مطلب

با خواهش از او شفا و حاجت بطلب

«صدر رضوانی»



بخش دوم

در خصوص نوشتن نامه به محضر مبارک

حضرت امام زمان علیه السلام به منظور برآمدن

حاجات و دفع بلیات است

بخشی دوم

در خصوص نوشتن نامه به محضر مبارک حضرت بقیة
الله الاعظم ارواحنا له الفداه به منظور برآمدن حاجات
و دفع بلیات است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

كُنْتُ يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكَ مُسْتَعِينًا وَ شَكَوْتُ مَا
نَزَلَ بِي مُسْتَجِيرًا بِاللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ ثُمَّ بِكَ مِنْ أَمْرِ قَدْ دَهَمَنِي وَ
أَشْغَلَ قَلْبِي وَ أَطَالَ فِكْرِي وَ سَلَبَنِي بَعْضَ لُبِّي وَ غَيَّرَ خَطِيرَ
نِعْمَةِ اللّٰهِ عِنْدِي أَسْلَمَنِي عِنْدَ تَخِيلٍ وَرُودِهِ الْخَلِيلِ وَ تَبَرَّءِ
مَنِي عِنْدَ تَرَائِي إِقْبَائِهِ إِلَى الْحَمِيمِ وَ عَجَزَتْ عَنِّي دِفَاعِهِ

حِيلَتِي وَ خَائِنِي فِي تَحْمَلِهِ صَبْرِي وَ قُوَّتِي فَلَجَاتُ فِيهِ إِلَيْكَ وَ
تَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْئَلَةِ لِلَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْكَ فِي دِفَاعِهِ
عَنِّي عِلْمًا بِمَكَانِكَ مِنَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ لِيَّ اللَّهُ تَدْبِيرٌ وَ
مَالِكِ الْأُمُورِ وَ اِثْقَاءَ بِكَ فِي الْمُسَارَعَةِ فِي الشَّفَاعَةِ إِلَيْهِ جَلَّ
ثَنَاؤُهُ فِي أَمْرِي مُتَيْقِنًا لِإِجَابَتِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِيَّاكَ بِإِعْطَائِي
سُئُولِي وَ أَنْتَ جَدِيرٌ بِتَحْقِيقِ ظَنِّي وَ تَصْدِيقِ أَمَلِي فِيكَ فِي
أَمْرِ كَذَا وَ كَذَا.

ترجمه: بنام خداوند بخشنده مهربان.

ای مولای من به تو نوشتم، رحمت‌های خدا بر تو باد
فریاد برس به تو شکایت می‌کنم از آنچه به من رسیده پناه
می‌برم به خدای بزرگ و سپس به تو از کاری که مرا بیچانید
و مشغولم کرد و فکرم را طولانی و آشفته و عقلم را ربود و
نعمت بزرگ الهی را تغییر داد دوستم در وقت تخیل آمدن او
مرا به خود وا گذاشت و موقع دیدن او را به من خویشانم از من
تبری جستند در چاره‌جویی از دفاع او عاجز شدم صبر و قوتم
از تحمل او خیانتم کرد به تو پناهنده می‌شوم.

و در این مسئله به خدایم توکل می‌کنم که از من دفاع کنید
مکان ترا در پیشگاه خدا می‌دانم خدائی که پروردگار عالمیان
ولّی تدبیر و صاحب کارها است، مطمئنم که در شفاعت این
مشکلم به درگاه خداوند متعال مسارعت فرمائید و یقین دارم
این وساطت شما مورد قبول پیشگاه خداوندی قرار خواهد گرفت.

ای مولای من تو اهلی به اینکه حسن ظنّ من جامعه
تحقق پوشانده و این آرزو و نظر که در تو دارم تصدیق کرده و
درخواستهای مرا انجام دهید در آنچه مرا به تحمل او طاقت
و صبر نیست ولو اینکه من در قبال نافرمانیها و در اثر قبح
اعمال و تفریط در واجبات تکالیف خدائی مستحق چندین
مقابل این گرفتاری را دارم.

ای مولای من در اندوه و حسرتم بفریاد برس.
و سؤال مرا پیش از تلف و شماتت دشمنان به پیشگاه
خداوندی بیان فرما.

مولای من به سبب تو به من نعمت می‌رسد از خداوند
بزرگ یاری با عزّت و پیروزی نزدیک که در اوست رسیدن به

آرزوها و خوبی مبادی و خاتمه اعمال و امن از عموم ترسیها
مسئلت می‌کنم.

که او جلّ جلاله هر چه را بخواهد می‌کند.

او بسم الله است و چه خوب وکیل است در مبدء و مال.

و به جای کذا و کذا حاجت خود را یاد آور شوید.

فِيمَا لَا طَاقَةَ لِي بِحَمَلِهِ وَ لَا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ وَ إِن كُنْتُ

مُسْتَحِقًّا لَهُ وَ لِإِضْعَافِهِ بِقَبِيحِ أَعْمَالِي وَ تَفْرِيطِي فِي الْوَاجِبَاتِ

الَّتِي لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَأَعِثْنِي يَا مُؤَلَّيَّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْكَ عِنْدَ

الْهَفِّ وَ قَدَمِ الْمَسْئَلَةِ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي أَمْرِي قَبْلَ حُلُولِ التَّلَفِ

وَ شَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ فِيكَ بَسَطْتِ النِّعْمَةَ عَلَيَّ وَ أَسْئَلُ اللَّهَ جَلَّ

جَلَّالَهُ لِي نَصْرًا عَزِيزًا وَ فَتْحًا قَرِيبًا فِيهِ بُلُوغُ الْأُمَالِ وَ خَيْرُ

الْمَبَادِي وَ خَوَاتِيمِ الْأَعْمَالِ وَ الْأَمْنُ مِنَ الْمَخَافِ كُلِّهَا فِي كُلِّ

حَالٍ إِنَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لِمَا يَشَاءُ فَعَالَ وَ هُوَ حَسْبِي وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ

فِي الْمَبْدَءِ وَالْمَالِ.

آنگاه بر بالای نهر و یا چاه آب نوشیدنی یا غدیر: (آب

پاک که در محلی جمع می‌شود) بر آید و اعتماد بر یکی از

وکلائی حضرت امام زمان علیه السلام نماید به اسامی:

- ۱- جناب عثمان بن سعید العمری رضی الله عنه.
- ۲- جناب محمد بن عثمان العمری (پسر نایب خاص نامبرده فوق) رضی الله عنه.

۳- جناب حسین بن روح رضی الله عنه.

۴- جناب علی بن محمد السمری رضی الله عنه.

و نام یکی از این چهار وکیل را یاد نموده و نامه را به طرف آب انداخته و بگوید:

يَا فُلَانُ بِنَ فُلَانٍ سَلَامٌ عَلَيْكَ اَشْهَدُ اَنَّ وَفَاتَكَ فِي سَبِيلِ
اللّٰهِ وَاَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ اللّٰهِ مَرْزُوقٌ وَاَقَدْ خَاطَبْتُكَ فِي حَيَاتِكَ الَّتِي
لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ وَ هَذِهِ رُقْعَتِي وَ حَاجَتِي اِلَى مَوْلَايَ
صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَلِّمْهَا اِلَيْهِ اَنْتَ الثَّقَةُ الْاَمِينُ.

پس نوشته را در نهر یا در چاه یا غدیر اندازد که حاجت او برآورده می شود.

و مخفی نماند: که آن چهار شخص شخیص یاد شده که نایبان خاص حضرت امام زمان علیه السلام در غیبت صغری واسطه

۱۲۰ ————— توصیه امام زمان علیه السلام در خصوص مسجد جمکران

بودند میان رعایا و آن حضرت علیه السلام در عرض حوائج و نامه‌ها و دریافت پاسخ‌ها و ابلاغ توقیعات.

در غیبت کبری نیز به این منصب بزرگ مفتخر و سرافرازند.

بنابراین خوان احسان وجود و کرم و فضل و نعم امام زمان علیه السلام در هر قطری از اقطار ارض برای هر پریشان درمانده و گم گشته و امانده و متحیر و جاهل و سرگشته و حیران گسترده است.

چنانکه با تأییدات خداوند متعال و توجهات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هیچ قلبی که به سویش متوجه گردیده و هیچ صاحب زبانی که نیازش را به ایشان ابراز داشته و هیچ صاحب نامه‌ای که مکتوبش را به وسیله یکی از آن چهار وکیل به آن حضرت تقدیم نموده از مزایای دنیوی و اخروی از زمان ولادت با سعادتش تا زمان ظهور پربرکتش به ویژه در زمان عدالت گسترش در جهان به لطف خدا و مرحمت حجّت خدا ناامید نشده و نخواهد شد انشاءالله.

خدایا! در فرج حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام تعجیل فرموده و دیدارمان را به دولت حقّی عدالت گسترش روشن گردان. و قرار فرما ما را از یاران و پیروانش. و روزی فرما اطاعت ما را و نگاه دار ما را از مخالفت و غضبش به حقّ بودن خود و پیامبران و پیشوایان معصوم و صادق: (یارب العالمین) ای پروردگار جهانیان.

خدایا: به آستانه مبارکه سوّمین مظلومه خاندان نبوت و امامت علیهم السلام حضرت فاطمه معصومه علیها السلام از دور و نزدیک و به مسجد جمکران به امید شفاعت این: (بی بی) و فرزند برادرش حضرت بقیّة الله الاعظم ارواحنا له الفداه آمده ایم و امید آن از درگاهت داریم که با شفاعت این دو بزرگوار ما را از لطف و مرحمت خود در دنیا و آخرت برخوردار فرمائی (ای ارحم الراحمین و ای رب العالمین: ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و ای پروردگار جهانیان).

باری طریقه نامه نوشتن به حضرت بقیّة الله الاعظم ارواحنا له الفداه و شمه‌ای از نحوه تقدیم نمودن نامه بوسیله

یکی از چهار نایب خاص آن بزرگوار نیز بطور اختصار یاد شد.
مع الوصف: شایسته است بمنظور توضیح بیشتر در این باره بدو مطلب بشرح زیر اشاره شود:

مطلب اول: در تحفة الزائر مجلسی رحمته الله و در مفاتیح النجاة سبزواری رحمته الله مروی است که هر که را حاجتی باشد و حاجتش را در نامه‌ای نوشته و در یکی از قبور ائمه علیهم السلام بیندازد یا بیند و مهر کند و خاک پاکی را گل سازد و آنرا در میان آن گذارد و در نهری یا چاهی عمیق یا غدیر آبی اندازد که بحضرت صاحب الزمان صلوات الله سلامه علیه می‌رسد و ایشان شخصاً متولی بر آوردن حاجت وی می‌گردد انشاءالله.

مطلب دوم: در منهاج العارفین و معراج العابدین میرزا محمدحسن سمنانی رحمته الله آمده است:

در کتب معتبره از ائمه دین روایت شده:

هر گاه که کسی را بخدای تعالی حاجتی بوده باشد این عریضه را بنویسد و بضریح یکی از مشاهد مشرفه ائمه علیهم السلام بنهد.

و یا آنکه نامه را محکم به پیچد و بخاک پاکی که گِل کرده باشد بگیرد و نامه را در میان آن نهد و در نهر جاری و یا چاه عمیق یا آب زیاد غیر جاری اندازد بشرحی که مذکور شد زیرا که آن عریضه به حضرت صاحب الزمان علیه السلام می‌رسد و آن حضرت متولی قضای حاجت او می‌شود به کرم و فضل خداوند متعال انشاءالله.

بنابراین: بدیهی است که وکالتاً تقدیم نمودن نامه به آن حضرت بوسیله یکی از نائبان خاص علی‌الخصوص با گذاردن نامه به یکی از ضریح‌های مشاهد مشرفه و اماکن مقدسه دارای امتیازات غیر قابل توصیف خواهد داشت. انشاءالله

باری: اولاً نویسنده نامه به خدا و حجت خدا قبل از نوشتن نامه و درخواست برآمدن حاجت و رفع و دفع گرفتاری لازم است فکر کند آیا خودش آگاهانه و یا ناآگاهانه خود را نیازمند و گرفتار نموده است و یا فرد و یا افراد دیگر او را چنان محتاج و مبتلا نموده‌اند که از لا‌علاجی آماده به نوشتن نامه شده‌است.

بنابراین اگر خودش باعث دردسر خود شده است باید اولاً خودش چاره‌ساز خود باشد و ثانیاً از خدا و خلق علی‌الخصوص از چهارده معصوم علیهم السلام به ویژه در زمان غیبت کبری از امام زمان علیه السلام کتباً و شفاهماً یاری طلبد. والسلام

در هر صورت چاره‌ساز حقیقی خداوند متعال و ائمه معصومین علیهم السلام است که انسان باید به هر طریق ممکن به آنان در مشاهد مشرفه و اماکن مقدسه و غیره به حدّ توان متوسّل شود تا به مقصود خود نائل گردد انشاء الله. چنانکه در شعر آمده است:

ای کریمی که از خزانه غیب کبر و ترسا وظیفه خورداری
دوستان را کجا کنی محروم تو که بر دشمنان نظر داری

پس در این پیشامدهای ناگوار ضروری است فوراً به امام زمان علیه السلام کتباً و شفاهماً متوسّل شده و رضایت خدا و خلق الله را در نظر گرفته و درخواست شفاعت به درگاه الهی نماید تا آن بزرگوار بخواست خدا حاجتش را برآورده و گرفتارش را نیز در دنیا و آخرت برطرف فرماید. انشاء الله. چنانکه در شعر

آمده است:

راحت دنیا کلیدش ترک دنیا کردن است

کار دنیا نیک و بد را جمع و منها کردن است

حاصل روی زمین زیر زمین خوابیدن است

حاصل رنج فراوان گنج پیدا کردن است

بهتر از صد باغ خرما وقف کردن بعد مرگ

دانه‌ای خرما بدست خویش اهداء کردن است

چاره ساز مشکل ما موقع بیچاره‌گی

یک گره از مشکل بیچاره‌ای وا کردن است

وقت تنگ است و مجال توبه کردن هست کم

کار ما بیچارگان امروز و فردا کردن است

داد دنیا را طلاق از آن جهت مولای ما

چون هدف از ترک دنیا فکر عقبی کردن است

بهترین فکر عقبی اقدام به واجبات و مستحبات و ترک

منهیات و مکروهات و تأسیس مراکز عالم المنفعه اسلامی و

عبادی برای بندگان خدا و رضایت والدین و مساعدت به

خویشان و همسایگان به ویژه مستمندان ابرومند در نزد خدا
و خلق در حال حیات شخصاً و بدون سفارش به وارث و وصی و
ناظر و امثال اینها در حدّ توان و گذشت از معذرت خواهان و
آزار و اذیت نمودن به خلق الله چنانکه در شعر آمده است:
دائم گل این بستان شاداب نمی ماند

در یاب ضعیفان را در وقت توانائی
میازار موری که دانه کش است

که جان دارد و جان شیرین خوش است
میازار جاندارها را ز تو برترند

که شاید ندانسته آنان جانت برند
تو صیاد هستی بدمت مناز

که صید از تو زیرک بود جان مبار
بصدر و برضوان نامت مناز

به محسن نگر رو تو با خلق ساز
بصدر و برضوان ننگر به محسن نگر

ببخش تو یک و مزد ده تا نگر



بخش سوّم

در بیان خواندن نمازهای سه گانه
حضرت بقیّة الله الاعظم ارواحنا له الفداه
در مسجد جمکران و غیر آن است

بخش سوّم

در بیان خواندن نمازهای امام زمان علیه السلام
در مسجد جمکران قم و غیر آن است

محدث قمی رحمته الله در مفاتیح الجنان خواندن نماز امام
زمان علیه السلام را به سه طریق یاد نموده است:
طریق اوّل: خواندن نماز اوّل آن حضرت در مسجد
جمکران است که به حسن مثله جمکرانی فرموده و به
شرح زیر توضیح داده می شود:

شخصی که می خواهد نماز امام زمان علیه السلام را در مسجد
جمکران بخواند اوّل لازم است دو رکعت (نماز به نیت: (نماز

تحیت حرمت مسجد) بجا آورد و سپس شروع به خواندن دو رکعت نماز به نیت نماز امام زمان علیه السلام در آن مکان مقدس نماید:
اما کیفیت خواندن نماز تحیت در آن مکان شریف بدین نحو است:

که شخص نمازگزار به نیت خواندن دو رکعت نماز تحیت مسجد شروع به نماز نموده و در رکعت اول یک بار سوره: (الْفَاتِحَةُ: الْحَمْدُ): یعنی: (حمد و ستایش خاص پروردگار جهانیان است) را خوانده و پس از آن هفت بار: سوره (الْإِخْلَاصُ: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) یعنی بگو خداوند یکتاست) را خوانده و بعد از آن به رکوع رفته و هفت بار (تسبیح: یعنی سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ مِنْزَهٌ) است یکتا پروردگار جهان و ستایش ما مخصوص اوست). در رکوع گفته و پس از آن از رکوع برخاسته و به سجده رفته و در هر سجده هفت بار: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ) یعنی: منزّه است یکتا خالق عالم و ستایش ما مخصوص اوست. گفته و برای خواندن رکعت دوم از جای خود برخاسته و شروع به خواندن رکعت

دوم می نماید.

و در رکعت دوم نیز سوره: (الْحَمْدِ) را خوانده و بعد از آن هفت بار سوره: (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) را خوانده و بعداً قنوت گرفته و پس از خواندن دعای مرسوم قنوت به رکوع رفته و هفت بار (تسبیح) را همانند رکعت اول یاد آور شده و از رکوع برخاسته به سجده می رود و در هر سجده هفت بار: (تسبیح) را مثل رکعت اول گفته و پس از آن شروع به خواندن تشهد و سلام نموده و بدین طریق نماز تحیت به جا آورده می شود.

و اما کیفیت خواندن نماز امام زمان علیه السلام در آن مکان مقدس بدین نحو است:

که شخص نمازگزار به نیت خواندن دو رکعت نماز امام زمان علیه السلام در مسجد جمکران شروع به نماز نموده و در رکعت اول یک بار سوره: (الْفَاتِحَةِ: یعنی سوره حمد) را از اول آیه تا به: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ خوانده و سپس تا صد بار این آیه را تکرار نموده و بعد از آن شروع به خواندن بقیه آیه های این سوره از آیه: ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ تا آخر:

(سوره حمد) نموده و پس از آن به رکوع می‌رود.^۱
و در رکوع هفت بار تسبیح: ﴿سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ﴾ خوانده و بعد از آن از رکوع برخاسته به سجده می‌رود و در هر سجده نیز هفت بار تسبیح: ﴿سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَ بِحَمْدِهِ﴾ خوانده و از جای خود بر می‌خیزد. و در رکعت دوم مثل رکعت اول سوره حمد را تا اول آیه‌ی: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ خوانده و سپس تا صد بار آیه‌ی: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ یعنی تنها ترا می‌پرستیم و از تو یاری می‌جوئیم. خوانده و پس از آن بقیه سوره: (حمد را خوانده و قنوت گرفته و دعائی که در قنوت شرعاً مرسوم است می‌خواند و پس از آن به رکوع رفته و هفت بار تسبیح همانند رکعت اول خوانده و از رکوع برخاسته و به سجده می‌رود و در

۱. محدث قمی رحمته الله در مفاتیح الجنان در نماز اول امام زمان علیه السلام در مسجد جمکران پس از خواندن حمد در رکعت اول و دوم سوره: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را یادآور نشده ولی در نماز دوم و سوم آن حضرت علیه السلام خواندن سوره: (اخلاص) را یک مرتبه یاد نموده است ولی برخی خواندن سوره: (اخلاص) را در نماز اول نیز به قصد: (رجاء) می‌خوانند.

هر سجده نیز هفت بار تسبیح را مثل رکعت اول این نماز خوانده و با خواندن تشهد و سلام این دو رکعت نماز به جا آورده می شود.

و بعد از به جا آوردن این نماز شروع به گفتن تهلیل: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾ یعنی نیست خدائی جز پروردگار یکتا) نموده و پس از آن مشغول به گفتن تسبیح حضرت زهرا علیها السلام یعنی سی و چهار مرتبه ﴿اللَّهُ أَكْبَرُ﴾ شأن خدا اعظم و اجل است) و سی و سه مرتبه ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾ حمد و ستایش خاص خداوند یکتاست). و سی سه مرتبه ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ﴾ منزّه است پروردگار عالم) می شود و پس از آن به سجده رفته و صد مرتبه صلوات: ﴿اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ﴾ خداوندا رحمت بی پایانت بر محمد و خاندان او باد گفته و سپس درخواست (حاجت و دفع بلا): از خداوند متعال می نماید.

این نقل از لفظ مبارک امام زمان علیه السلام است که فرموده است: ﴿فَمَنْ صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ سر را از سجده برداشته و با برآورده شدن حوائج شرعیّه به فیض

عظیمی نائل می شود. انشاءالله.

ترجمه: هر کس این دو رکعت نماز را در این مکان مقدّس: (مسجد جمکران) بخواند (از نظر پاداش) مثل آنست که این دو رکعت را در کعبه خوانده باشد.

طریق دوّم: خواندن نماز دوّم امام زمان علیه السلام در غیر مسجد جمکران قم است که به شرح زیر توضیح داده می شود:

محدّث قمی رحمته الله در مفاتیح الجنان در خصوص نماز دوّم امام زمان علیه السلام یادآور شده: که محدّث نوری در نجم الثاقب از کتاب: (کنوز النّجاح) شیخ طبرسی رحمته الله نقل کرده است که: بیرون آمد از ناحیه مقدّسه حضرت صاحب الزّمان علیه السلام.^۱ که هر شخصی را به سوی خداوند متعال حاجتی باشد،

۱. محدّث قمی رحمته الله پس از بیان نماز دوّم امام زمان علیه السلام یادآور شده است که خداوند متعال با خواندن این نماز حاجت نمازگزار را برآورده می فرماید: مشروط بر اینکه حاجتش قطع صلّه رحم نباشد. بنابراین پاداش این نماز منحصرأ بر آوردن حاجت است و بس بر خلاف نماز اوّل آن حضرت علیه السلام در مسجد جمکران که پاداش آن مافوق اینها است.

پس باید که بعد از نصف شب جمعه غسل کند و به جای نماز خود رفته و دو رکعت نماز به جا آورد:

در رکعت اوّل بخواند سوره: (حمد) را و چون به: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ برسد صد بار آن را بگوید و بعد از آنکه صد مرتبه تمام شود تتمه سوره (الْحَمْدُ) را بخواند و بعد از تمام شدن این سوره شروع به خواندن سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ نموده و آن را یک بار بخواند و پس از آن به رکوع رفته و هفت مرتبه در رکوع بگوید: ﴿سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ﴾ سپس از رکوع برخاسته و به سجده رفته و در هر دو سجده هفت بار: ﴿سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ﴾ بگوید.

و بعد از آن رکعت دوّم را (به اضافه گرفتن قنوت و خواندن دعای آن) همانند رکعت اوّل به جا آورد و پس از تمام شدن نماز دعائی را که به شرح زیر یاد می شود بخواند.

به درستی که خداوند متعال البتّه با خواندن این نماز و دعا حاجت او را برآورده می فرماید هرگونه حاجتی که باشد، به شرط آنکه حاجت او در قطع صله رحم نباشد و دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنْ أَطَعْتُكَ فَالْمَحْمِدةُ لَكَ، وَ إِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ
 لَكَ، مِنْكَ الرُّوحُ، وَ مِنْكَ الفَرَجُ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَ شَكَرَ،
 سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ وَ غَفَرَ، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ عَصَيْتُكَ، فَإِنِّي قَدْ
 أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَ هُوَ الْإِيمَانُ بِكَ لَمْ أَتَّخِذْ
 لَكَ وَ لِدَاءً وَ لَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكاً مَنَّا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لِأَمْنًا مِنِّي بِهِ
 عَلَيْكَ، وَ قَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ، وَ
 لِأَلْخُرُوجِ عَنِ عِبُودِيَّتِكَ، وَ لِأَلْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَ لَكِنْ
 أَطَعْتُ هَوَايَ، وَ أَزَلْتَنِي الشَّيْطَانُ، فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَ الْبَيَانُ،
 فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرِ ظَالِمٍ لِي، وَ إِنْ تَغْفِرْ لِي، وَ
 تَرْحَمْنِي فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

و بعد از آن تا نفس او وفا کند یا کریم یا کریم مکرر
 بگوید، و بعد از آن بگوید:

يَا أَمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ خَذِرٌ،
 أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَ خُوفٍ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ أَنْ
 تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي، وَ
 أَهْلِي، وَ وَلَدِي وَ سَائِرِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَخَافَ، وَ لَا

أَخَذَرِ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ حَسْبُنَا اللَّهُ،
وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، يَا كَافِي إِبْرَاهِيمَ نَمْرُودَ، وَ يَا كَافِي مُوسَى
فِرْعَوْنَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ
تُكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ

ترجمه: خدایا اگر اطاعتت کردم، پس ستودن از آن تو
است و چنانچه نافرمانیت کردم، پس ترا است برهان، از تو
است روح و از تو است گشایش، منزّه باد آنکه نعمت داد و
قدردانی کرد، منزّه باد آنکه مقدر نمود و آمرزید، خدایا هرگاه
نافرمانیت کرده باشم، پس در قبال آن اطاعتت کرده‌ام در
محبوبترین چیزها برای تو و آن ایمان به تو است به اینکه
نگرفته‌ام برای تو فرزندی و نخوانده‌ام برایت شریکی از باب
مَنْتَ گزاری تو با آن بر من نه منّتی از من با آن بر تو، و گاهی
که‌ای معبودم نافرمانیت کرده‌ام نه بر وجه کبر و عناد و نه از
باب خارج شدن از بندگیت، و نه از باب انکار مقام
پروردگاریت، بوده و لکن فرمان بردم از هوای نفسم، و لغزاند
مرا اهریمن پس ترا است برهان بر من، و ترا است بیان، پس

اگر عذابم فرمائی پس به جهت گناهان خودم می باشد و تو به من ستم نفرموده‌ای، و اگر از تقصیرم بگذری، و مورد رحمت قرار دهی پس حقاً که بخشنده بزرگواری، ای کریم، ای کریم، ای ایمن شونده، از هر چیز، و هر چیز از تو ترسان و بیم دار از تو مسئلت می‌نمایم به حق ایمن بودنت از هر چیز و ترس هر چیز از تو که درود فرستی بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندان محمد صلی الله علیه و آله و عطا فرمائی امانی برای خودم، و اهل‌م، و فرزندم و سایر آنچه نعمت رساندی به من تا اینکه دیگر نترسم، و نه حذر کنم از چیزی هیچ گاه زیرا تو بر هر چیز توانائی داری، چه نیکو و خدای ما را بس و نماینده‌ای رهاننده حضرت ابراهیم از شر نمرود و ای نجات دهنده حضرت موسی از حیلۀ فرعون، از تو خواهانم به اینکه درود فرستی بر محمد و خاندان محمد صلی الله علیه و آله و اینکه ایمن بداری مرا از شر فلانی فرزند فلانی.

و به جای فلان ابن فلان نام شخصی را که از ضرر او می‌ترسد، و نام پدر او را بگوید، و از حق تعالی طلب کند، که

ضرر او را رفع نماید، و کفایت کند.

پس به درستی که حقّ تعالی البتّه کفایت ضرر او خواهد کرد انشاء الله تعالی، و بعد از آن به سجده برود، و حاجت خود را مسئلت نماید، و تضرّع و زاری کند به سوی حق تعالی.

پس به درستی که نیست مرد مؤمنی و زن مؤمنه‌ای که این نماز را بخواند، و این دعا را از روی اخلاص بخواند مگر آنکه گشوده می‌شود برای او درهای آسمان برای بر آمدن حاجات او و دعای او مستجاب می‌گردد، در همان وقت، و در همان شب هرگونه حاجتی که باشد. و این به سبب فضل و انعام حقّ تعالی است بر ما و مردمان انتهی.

مؤلف گوید: که نجل جلیل شیخ طبرسی رضی الدین حسن بن فضل نیز این نماز را در مکارم الاخلاق نقل کرده: و در اوّل دعا بجای «اللّهُمَّ اِنْ كُنْتُ عَصِيْتُكَ، اِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ» ذکر کرده، و بعد از حَتَّى لَا أَخَافُ كَلِمَةً أَحَدًا اضافه کرده، و بعد از فِرْعَوْنَ أَسْأَلُكَ، و بقیّه مثل همنند.

طریق سوّم: خواندن نماز سوّم امام زمان علیه السلام در

غیرمسجد جمکران قم است که به شرح زیر یاد می شود:
محدث قمی علیه السلام در مفاتیح الجنان در خصوص نماز سوّم حضرت صاحب الزّمان عجل الله تعالی فرجه الشّریف یاد آور شده:
دو رکعت است ، می خوانی در هر رکعت سوره حمد را تا ﴿أَيَاكَ نَعْبُدُ وَأَيَاكَ نَسْتَعِينُ﴾ و چون به این آیه رسیدی آن را صد مرتبه می گوئی، و در مرتبه آخر سوره را تمام می کنی، پس ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را یکبار می خوانی، و چون از نماز فارغ شدی این دعا را می خوانی:

اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ بِمَا وَسِعَتِ السَّمَاءُ وَ الْيَكُّ يَا رَبِّ الْمُشْتَكَى وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشِّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَمَرْتَنَا بِطَاعَتِهِمْ، وَ عَجِّلْ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ وَ أَظْهِرْ إِعْرَازَهُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ إِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ إِحْفِظَانِي فَإِنَّكُمَا حَافِظَايَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا

مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثَ
الْغَوْثَ الْغَوْثَ أَذْرِكُنِي أَذْرِكُنِي أَذْرِكُنِي الْأَمَانَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ

ترجمه: بارالها بس بزرگ شد امتحان و گرفتاری، و کاملاً آشکار شد راز پنهان و پرده برداشته شد از کار ما، و تنگ آمد زمین بر ما با آن فراخی آسمان بر ما، و به درگاه تست ای خدایم شکایت و امید به تست در ثقل و اعتماد در سختی و آسانی، خدایا درود فرست بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندان محمد صلی الله علیه و آله آنانکه امر فرمودی بما به دستور آن، و زود نما خدایا حکومت آنان را با ظهور: (قائم) ایشان و نمایان فرما عزیز داشتن را یا محمد ای علی ای علی یا محمد کفایتم فرمائید زیرا شما کفایت کنندگان من هستید ای محمد ای علی ای علی ای محمد یاریم فرمائید زیرا شما یاوران منید ای محمد ای علی ای علی ای محمد حفظم فرمائید بدرستی که شما حافظ منید به فرمان، خدا ای مولای من ای صاحب زمان ای آقای من ای امام زمان ای سید من ای صاحب عصر فریاد فریاد فریاد مرا دریاب به دادم برس نجاتم ده امانم ده پناه می آورم به تو

ملتجی می شوم بتو.

در ختام یادآور می شود: که منظور از خواندن نماز دوم و

سوم امام زمان علیه السلام در غیر مسجد جمکران آنستکه بهر عنوان شرعی که میتوان نمازهای واجب و مستحب را در آن مکانها خواند ایندو نماز را نیز میتوان بجا آورد، ولی پاداش این دو نماز همانند نماز در مسجد مقدس جمکران نخواهد بود چنانکه در طریق اول باین مطلب نیز اشاره شده است.

مع الوصف: خواندن ایندو نماز در مشاهد مشرفه و اماکن

مقدس و مساجد و امثال اینها در صورت امکان با فضیلت تر است.

و نیز علاوه بر نمازهای حضرت بقیةالله الاعظم ارواحنا

له الفداه به منظور دریافت پاداشهای دنیوی و اخروی و بر

آمدن حاجات و دفع و رفع بلیات ناخواسته شایسته است که

دعای ذیل را در مشاهده مشرفه و اماکن مقدسه از جمله

مسجد جمکران قم مد نظر قرار داد زیرا این دعا اکسیر اعظم

و به تجربه رسیده است امید آنکه با تأییدات خداوند متعال و

توجهات خاصه حضرت امام زمان علیه السلام خوانندگان این دعا در

مسجد جمکران و در هر مکان و در هر زمان به مقصودشان نائل گردند انشاءالله.

چنانکه در مفاتیح الجنان آمده است که: شیخ کفعمی در بلدالامین دعائی از حضرت امام سید الساجدین علی بن الحسین علیه السلام نقل کرده و فرموده این دعا را مقاتل بن سلیمان از آن حضرت روایت نموده و هم گفته هر که صد مرتبه آن را بخواند و دعایش مستجاب نگردد لعنت کند مقاتل را و دعا این است:

إِلٰهِي كَيْفَ أَدْعُوكَ وَ أَنَا أَنَا وَ كَيْفَ أَقْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ وَ أَنْتَ
أَنْتَ إِلٰهِي إِذَا لَمْ أَسْأَلْكَ فَتُعْطِنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي أَسْأَلُهُ
فَيُعْطِنِي إِلٰهِي إِذَا لَمْ أَدْعُوكَ فَتَسْتَجِيبُ لِي فَمَنْ ذَا الَّذِي
أَدْعُوهُ فَيَسْتَجِيبُ لِي إِلٰهِي إِذَا لَمْ أَتَضَرَّعْ إِلَيْكَ فَتَرْحَمْنِي
فَمَنْ ذَا الَّذِي أَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ فَيَرْحَمْنِي إِلٰهِي فَكَمَا فَلَقْتُ الْبَحْرَ
لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ نَجَّيْتَهُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ
آلِهِ وَ أَنْ تُنَجِّبَنِي مِمَّا أَنَا فِيهِ وَ تُفْرِجَ عَنِّي فَرَجًا عَاجِلًا غَيْرَ
أَجَلٍ بِفَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ترجمه: معبودم چگونه بخوانم ترا و من منم و چطور قطع کنم امیدم از تو و تو توئی معبودم زمانی که نخواستم از تو پس عطا فرمودی به من پس کدام کس است آنکه درخواست کنم عطا کند مرا معبودم هرگاه بخوانم ترا پس حاجتم را برآوری پس کیست آنکه بخوانم او را و حاجتم را بر آورده کند معبودم هرگاه زاری نکنم به سوی تو تا رحم کنی به من پس کدام کس است زاری کنم به سوی او که تا آنکه رحم کند معبودم چنانکه شکافتی دریا را برای موسی علیه السلام و نجات دادی او را می خواهم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل او و اینکه مرا نجات دهی از آنچه من در آنم و گشایش دهی به من گشایشی زودتر نه دیر به فضل و رحمت خودت ای رحیم تر رحم کنندگان. مخفی نماند که اینجانب به مجرد خواندن این دعا بلافاصله به منظور و مقصود خود که رفع و دفع گرفتاری بود به نحو احسن نائل شدم امید آنکه بخواست خدا و حجّت خدا خوانندگان دیگر نیز به مقصودشان نائل گردند. انشاءالله.

در هر صورت مقاتل بن سلیمان از باب تأکید و ترغیب به

صاحبان حوائج مشروعیه این فرمایش را فرموده در صورتی که چه بسا قبول نشدن دعا به نفع انسان باشد نه ضرر و علاوه بر آن خود خواندن دعا پاداش اخروی دارد و معنا ندارد بدون جهت به شخصی که قابل تقدیر و تحسین بلکه راهنما به عمل خیر است بر او لعن نمودن. زیرا خودم این دعا را در حرم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام خوانده و بلافاصله به خواست خداوند متعال و نظر لطف و مرحمت چهارده معصوم علیهم السلام حاجتم که نجات از نقل و مکان مستأجری و خرید خانه مورد پسند در قم بود، برآورده شد. و نیز طی پنجده سال لا اقل صد بار به مسجد جمکران قم به منظور دریافت پاداش نماز اول امام زمان علیه السلام و درخواست برآورده شدن حوائج مشروعیه ضروری و رفع و دفع گرفتاریهای ناخواسته با توسل به خدا و حجت خدا ضمن نذر یاد شده در آن محل و غیره مراجعه نموده و الحمد لله والمِنَّةُ در: (نود مورد) به مقصود خود نائل شده و در (ده مورد) که نائل به مراد خود نشده‌ام پس از مدتی فهمیده‌ام که صلاحم در این بوده است. لا غیر والسلام.

در هر صورت نظر به اینکه یک بار این دعا را خوانده و اثر آن را بلافاصله مشاهده نمودم این دعا را همیشه مدّ نظر خود قرار دادم مع الوصف از هر چه بگذری سخن یار خوشتر است چنانکه شاعر یادآور شده:

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

برخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن

را مادام العمر (نصب العین: مقابل چشم) خود به طوری قرار داده‌ام که هرگاه شخصی اظهار چاره‌جوئی در برآورده شدن حوائج مشروعه و دفع بلیّات ناخواسته‌اش می‌نماید مراتب فوق را یادآور می‌شوم آنان هم پس از مدّتی گاهاً اظهار می‌نمایند که ما هم به خواست خداوند متعال و توسّل به نور دیده حضرت زهرا اطهر علیها حضرت امام زمان علیه السلام با درخواست (از بانوی دو جهان) در مسجد جمکران و غیر آن به نحو مطلوب همانند خودتان به برآمدن حاجات و رفع و دفع بلیّات نائل شدیم. (اللّٰهُ اعْلَم) بحقایق الامور: خداوند عالم آگاهتر است به حقیقت کارها.



بخش چهارم

در خصوص زیارت حضرت معصومه علیها السلام
کریمه اهل بیت علیهم السلام است

بخش چهارم

در خصوص زیارت حضرت معصومه علیها السلام است

محدث قمی رحمة الله در مفاتیح الجنان در خصوص زیارت حضرت معصومه علیها السلام یادآور شده: چون به نزد قبر آن حضرت برسی بالا سر قبر شریفش رو به قبله بایست و سی و چهار مرتبه: ﴿اللَّهُ أَكْبَرُ﴾ (خدا بزرگتر است) و سی سه مرتبه: ﴿سُبْحَانَ اللَّهِ﴾ (منزه است خدا) و سی و سه مرتبه: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾ (ستایش خدا را) بگو، پس بگو:

السَّلَامُ عَلَىٰ أَدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَىٰ نُوحِ نَبِيِّ
اللَّهِ السَّلَامُ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَىٰ مُوسَىٰ كَلِيمِ

اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيَّ عَيْسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَصِيَّ رَسُولِ
 اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ
 عَلَيْكُمَا يَا سِبْطِي نَبِيَّ الرَّحْمَةِ وَ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ
 الْجَنَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ وَ
 قُرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بَاقِرِ
 الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ
 الْبَارِ الْأَمِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرِ الطَّاهِرِ
 الطُّهْرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرُّضَا
 الْمُزْتَضَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الثَّقَفِيِّ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدِ النَّقِيِّ النَّاصِحِ الْأَمِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ السَّلَامُ عَلَيَّ الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَيَّ نُورِكَ وَ سِرَاجِكَ وَ وَلِيِّ وَلِيِّكَ وَ وَصِيِّ وَصِيِّكَ وَ حُجَّتِكَ

عَلَى خَلْقِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ
رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ فِي
الْجَنَّةِ وَ حَشَرْنَا فِي زُمْرَتِكُمْ وَ أَوْرَدْنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ وَ سَقَانَا
بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا فِيكُمْ الشَّرُورَ وَ الْفَرْجَ وَ أَنْ يَجْمَعَنَا وَ
إِيَّاكُمْ فِي زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَنْ لَا
يَسْلُبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ وَ
الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ التَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ رَاضِيًا بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ وَ
لَا مُسْتَكْبِرٍ عَلَى يَقِينٍ مَا أَتَى بِهِ مُحَمَّدٌ وَ بِهِ رَاضٍ نَطْلُبُ
بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي اللَّهُمَّ وَ رِضَاكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ يَا
فَاطِمَةَ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنْ

الشَّانِ اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ اَنْ تَخْتِمَ لِيْ بِالسَّعَادَةِ فَلَا تَسْلُبْ
مِنِّيْ مَا اَنَا فِيْهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ اللّٰهُمَّ
اسْتَجِبْ لَنَا وَ تَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَ عِزَّتِكَ وَ بِرَحْمَتِكَ وَ عَافِيَّتِكَ وَ
صَلِّ اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ اَجْمَعِيْنَ وَ سَلِّمْ تَسْلِيْمًا يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِيْنَ

ترجمه: سلام بر آدم برگزیده خدا سلام بر نوح پیغمبر خدا
سلام بر ابراهیم صدیق حقیقی خدا سلام بر موسی هم
صحبت خدا سلام بر عیسی روح خدا سلام بر تو ای پیامبر
خدا سلام بر تو ای بهترین خلق خدا سلام بر تو ای انتخاب
شونده خدا سلام بر تو ای محمد فرزند عبدالله خاتم پیغمبران
خدا سلام بر تو ای امیر مؤمنان علی بن ابیطالب جانشین
پیامبر خدا سلام بر تو ای فاطمه بانوی بانوان جهان سلام بر
شما ای دونوه دختری پیامبر رحمت و دو آقای جوانان اهل
بهشت سلام بر تو ای حضرت علی بن الحسین آقای بندگی
کنندگان و نور چشم نظر کنندگان سلام بر تو ای محمد پسر

علی کاوش کننده علم بعد از پیامبر اسلام سلام بر تو ای
جعفر بن محمد صادق و نیکوکار امین سلام بر تو ای حضرت
موسی بن جعفر ای پاک پاک زاد سلام بر تو ای حضرت علی
بن موسی الرضا (معدن خشنودی و کاملاً پسندیده)، سلام بر
تو ای محمد بن علی (بسیار پرهیزکار) سلام بر تو ای علی
بن محمد (بسیار لطیف و خیرخواه امین) سلام بر تو ای
حسن بن علی سلام بر جانشین بعد از او خدایا درود فرست بر
نورت و چراغت و نماینده نمایندهات و جانشین پیامبرت و
برهان قاطعت بر خلفت (حضرت حجت علیه السلام) سلام بر تو ای
دختر رسول خدا سلام بر تو ای دختر فاطمه زهرا و خدیجه
کبری سلام بر تو ای دختر امیرالمؤمنین علیه السلام سلام بر تو ای
دخت حسن و حسین سلام بر تو ای دختر نماینده مخصوص
خدا سلام بر تو ای خواهر ولی خدا سلام بر تو ای عمه
نماینده خاص خدا سلام بر تو ای دختر عزیز موسی بن
جعفر و رحمت پروردگار و برکاتش نیز بر تو باد سلام بر تو باد
خداوند متعال شناسائی برقرار فرماید میان ما و شما در

بهشت برین و محشور فرماید ما را در گرو شما و واردمان فرماید بحوض پیامبر شما و سیراب فرماید ما را با جام جدّ شما از دست علی بن ابیطالب دروذهای خداوند بر شما باد خواهانم از خدا که به ما نشان دهد در شما خوشحالی و شادمانی را و اینکه جمع فرماید ما و شما را در گروه جدّ شما محمد صلوات خدا بر او و آتش باد و اینکه نگیرد از ما شناسائی شما را بدیهی است که او سرپرست توانا است من نزدیکی می جویم به خدا با دوست شدن شما و بیزاری از دشمنان شما و تسلیم شدن به خدا با راضی بودن به آن نه انکار کننده و نه تکبر کننده و بر یقین به آنچه آورده آن را محمد به آن راضیم می جوئیم بدین وسیله رضایت و خاطر ترا ای آقای من، خدایا رضای تو را و خانه آخرت را جوایم ای فاطمه شفاعت فرما مرا در بهشت زیرا که ترا است در گاه الهی مقام و شأنی از شئون خدادادی خدایا جدّاً مسئلت می نمایم از تو اینکه عاقبتم را ختم فرما به سعادت و سلب نفرمائی از من آنچه که دارا هستم و نیست جنبشی و نه

نیروئی جز از خدای والا و بسیار بزرگ پروردگارا مستجاب فرما برای ما و بپذیر آن را با کرم و عزّت و رحمت و عافیت خودت و درود خدای بر محمّد و همهٔ خاندانش باد و سلام مخصوص بر او باد ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان.

ضمناً فرصت را غنیمت شمرده با خواندن قرآن مجید و کتب ادعیه نماز قضاء و حاجت و غیره علی الخصوص طلب مغفرت از خدا برای اموات خود و ذوی الحقوقان و بلاوارثان و نیز با درخواست برآورده شدن حوائج مشروعۀ خود و سفارش کنندگان آن هم با شفاعت دخت گرامی بانوی بانوان خود و آنان را به فیض عظمی برساند. انشاءالله.

زیرا آستانهٔ مبارکهٔ کریمهٔ اهل بیت عصمت: (حضرت فاطمهٔ معصومه علیها السلام سؤمین مظلومهٔ خاندان نبوت و امامت علیها السلام پس از بارگاه ملکوتی برادر بزرگوارش حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام دؤمین مکان مقدّس و شریفی است که در کشور حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداه چنانکه پیامبر اسلام و ائمهٔ اطهار علیهم السلام در زمان خودشان به

تشریف فرمائی حضرت امام رضا علیه السلام به خراسان و نیز به تشریف فرمائی خواهر این بزرگوار: (حضرت فاطمه معصومه علیها السلام) را به قم خبر داده‌اند.

و علاوه بر این غریبی و مظلومیت این دو نور دیده حضرت زهراى اطهر علیها السلام به ویژه حضرت امام رضا علیه السلام (غریب الغرباء) را در طوس خبر داد.

و خود آن حضرت علیه السلام قبل از خارج شدنش از مدینه منوره و تشریف فرمائیش به سمت مرو بالا جبار جریان شهادتش را به برادران و خواهران به ویژه به جواد الائمه علیهم السلام و پیروان خاندان نبوت و امامت علیهم السلام از مدینه منوره تا مرو مگرر به شیعیان بیان فرموده و علاوه بر آن محلّ قبر شریف خود را نیز در طوس یادآور شده است.

باری این دو بزرگوار: (خواهر و برادر) از لحاظ اینکه یکی از مدینه منوره به خراسان و دیگری از آنجا به قم تشریف آورده‌اند در عالم ظاهر در این کشور حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداه غریب محسوب می‌شوند ولی از نظر دیگر چون این کشور به خودشان متعلق است در حقیقت شیعیان علی‌الخصوص زائران اعم از این کشور و کشورهای اسلامی که به زیارت این دو فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام نائل می‌شوند

مهمانان آنان بوده و در دنیا و آخرت از فیض عظمی برخوردار می‌گردند (هنیئاً لاربابها: گوارا باد این زیارت بر شیعیان و زائران) زائر اگر شفاعت بنمایند تو شاد باش

دستت اگر رسد به مرقدشان شاد شاد باش^۱

۱. چرا شیعیان به ویژه زائران در این کشور و کشورهای اسلامی که به زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام از دور و نزدیک با عرض ارادت و نیت خالصانه بنا به توصیه و سفارشات حضرات پیامبر اسلام و ائمه اطهار و خود آن حضرت علیه السلام که راویان و محدثان فرمایشات آن بزرگواران را در خصوص زیارت این نور دیده حضرت زهرا علیها السلام در کتب تألیفی خودشان یاد نموده نائل شده‌اند شاد شاد نباشند در صورتی که آنان با این زیارت علاوه از برآورده شدن حاجات و رفع و دفع بلیات به دریافت پاداشهای دنیوی و اخروی نیز موفق می‌شوند.

و به همین نحو است زیارت سؤمین مظلومه آل عباس علیهم السلام حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و نیز به همین نحو است زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در شهر: (ری).

و نیز به همین نحو است توصیه حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداه که در خصوص بجا آوردن نماز در مسجد جمکران فرموده‌اند: مَنْ صَلَّاهَا فَكَأَنَّمَا صَلَّاهَا: (صَلَّاهُمَا) فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ.

ترجمه: هر کس این نماز را در: (مسجد جمکران قم) بخواند پس از نظر پاداش مثل آنست که این دو رکعت را در: (کعبه) خوانده باشد.



بنابراین: عبادت در (مشاهد مشرفه و اماکن مقدسه) الطاف خفیه‌ای است که خداوند متعال از باب لطف و مرحمت بی پایان خود به بندگانش به وسیله: (چهارده معصوم علیهم السلام) از طریق عبادت و اطاعتشان بهشت برین را بر آنان نصیب می‌فرماید (گوارا باد روضه رضوان بر چنین عبادت کنندگان خدا و اطاعت کنندگان چهارده معصوم علیهم السلام در هر زمان و هر مکان مخصوصاً در این مکانها).
بی حب علی علیه السلام روضه رضوان مطلب

بی بنفده شدن جنت و ماوی مطلب

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ علیه السلام

خوادم گرسدر رضوانم مزارم جای خوبان است

اگر جای دگر بینی بسی بر خود جفا کردم

مرادم روضه رضوان شفیع ساقی کوثر

گرفتم دامن وی را چو غیرش را رها کردم

ببخش ای یوسف زهرای علیه السلام غلام پیر خود ایندم

تو آگاهی ز قلب من در این ره جان فدا کردم

چو بینم روی مامت را دم جان من نگاهت را

قسم بر عصمت زهرای علیه السلام که از صدق و صفا گفتم

«صدر رضوانی»



بخش پنجم

در بیان پاداش زیارت حضرت

معصومه علیها السلام و خواندن نماز امام زمان علیه السلام

در مسجد جمکران و تعریف شهر قم است

بخش پنجم

در بیان برخی از مطالب در خصوص شهر قم به
ویژه حرم حضرت معصومه علیها السلام و مسجد جمکران است

درود بی حد و سپاس بی قیاس بر پروردگاری سزااست که
این کشور.

حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را با
تشریف فرمائی:

إِمَامُ الْإِنْسِ وَالْجِنَّةِ الْمَدْفُونُ بِأَرْضِ الْغُرَبَةِ بَضْعَةَ
سَيِّدِ الْوَرَى مُؤَلَانَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى

الرَّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ وَ أَوْلَادِهِ.^۱

برای همیشه مورد لطف و رحمت بی پایانش قرار داد.
و صلوات پی در پی بر اشرف مخلوقات: (محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله) که فضائل و فضیلت زیارت این بزرگوار را بر امت خود متذکر شد.

و سلام دائم بر پسر عمش: (حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام)
و یگانه دخترش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و یازده فرزند معصوم
و جانشینانش به ویژه حضرات امام صادق علیه السلام و موسی بن
جعفر و امام رضا و امام جواد و امام علی النقی علیه السلام و دو
امامزاده عالی مقام یعنی: (حضرت معصومه علیها السلام) و حضرت
عبدالعظیم علیه السلام.

محدث قمی رحمته الله در مفاتیح الجنان از تحفة الزائر چند خبر
در خصوص فضیلت زیارت حضرت امام رضا علیه السلام یادآور شده

۱. پیشوای بشر و جنّ مدفون در سر زمین غربت: (شهر طوس) پاره تن:
(پیامبر اسلام سید کائنات صلی الله علیه و آله) آقای ما: ابوالحسن حضرت امام
رضا علیه السلام فرزند حضرت امام کاظم علیه السلام رحمت خدا بر او و بر جدّ و جدّه و
اجداد و اولاد معصومش علیهم السلام که همگی پیشوایان هدایت و بر حقّند باد.

که تیمناً و تبرکاً به برخی از آنها بشرح زیر اشاره می‌شود:
خبر اول: از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که فرمود:
زود باشد که پاره تن من در زمین خراسان مدفون گردد و
هیچ مؤمنی زیارت نکند او را مگر آنکه حق تعالی بهشت را از
برای او واجب نموده و بدنش را بر آتش جهنم حرام گرداند.

و در حدیث معتبر دیگر فرمود:

که پاره تن من در خراسان مدفون خواهد شد هر غمناکی
که او را زیارت کند البتّه حق تعالی غمش را زایل گرداند و هر
گناهکاری که او را زیارت کند البتّه گناهانش را بیامرزد.

خبر دوم: از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که فرمود:
زود باشد که کشته شوم بزهر با ظلم و ستم و مدفون شوم
در پهلوی: (هرون الرّشید) و بگرداند خدا تربت مرا محلّ تردّد
شیعیان و دوستان من.

پس هر که مرا در این غربت زیارت کند واجب شود برای
او که من او را زیارت کنم در روز قیامت الی آخر.

خبر سوم: شیخ صدوق رحمته الله در کتاب من لایحضره الفقیه از

حضرت امام محمد تقی علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرموده است:

میان دو کوه طوس قطعه‌ای از زمین است که از بهشت برداشته شده است هر که داخل شود در آن ایمن خواهد بود در روز قیامت از آتش.

و نیز از آنحضرت روایت کرده که فرموده است:

من ضامنم از جانب حق تعالی بهشت را از برای هر که زیارت کند قبر پدرم را بطوس در حالی که عارف به حق آن حضرت باشد.

فضائل و فضیلت زیارت حضرت معصومه علیها السلام تبرکاً و تیمناً در این بخش بطور اختصار یاد می‌شود:

بنابراین شایسته است که با شعار ذیل که در تعریف شهر قم بویژه آستانه مبارکه: حضرت معصومه علیها السلام و مسجد جمکران یاد شده است اشاره شود:

شهرها انگشترند و (قم) نگین

قم همواره حجت روی زمین

تربت قم قبله عشق و وفاست

شهر علم و شهرایمان و صفاست

مرقد معصومه علیها السلام چشم شهر ما

مهر او جانهای ما را کهربا

در حریمش مرغ دل پرمی زند

هر گرفتار آمده در می زند

این حرم باشد ملائک را مطاف

زائران رادر مغان عشق و عفاف

حوزه (قم) هاله‌ای برگرد آن

فقه و احکام خدا را مرزبان

شهر خون شهر شرف شهر جهاد

شهر فقه و حوزه علم و اجتهاد

هر کجا را هر چه سیرت داده‌اند

اهل (قم) را هم بصیرت داده‌اند

نقطه (قاف) قیامند اهل: (قم)

برق تیغ بی نیامند اهل: (قم)

اهل: (قم) از یاوران: (قائم علیه السلام) اند

در قیام و پیش تازی دایمند

(جواد محدث)

و نیز بجا است با شعاری که در توصیف مؤسس مسجد

جمکران و تعریف زمین آن مسجد مقدس و پاداش خواندن

نماز امام زمان علیه السلام در آن محل یاد شده است ذیلاً اشاره شود:

اینجا مقام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است

چشم تمام عالم شیعه بر این در است

اول وضو بگیر و دو رکعت نماز خوان

قصدت تحیت است چو مسجد منور است

دوم برای حضرت حجت علیه السلام نماز خوان

مانند کعبه است چونکه ثوابش برابر است

مارا بغیر راه تو نبود ره دگر

در جمکران پیرو جوانش چونوکر است

هر روز و شام بر سر راهت نشسته ایم

گریان به بین دیده ما ز اشک برتر است

چندین هزار شیعه گرفتند حاجتی
برگو تو مشکلت که حلش میسر است
در خانه کریم رسیدی طلب نما
زیرا مقام حجت خلاق اکبر است
یا رب برآر حاجت این سائلین را
چون روی خود نهاده زمین دل پرآذ است
کوتاه سخن کنم چو ز اوصاف این زمین
گوینده اش چو یوسف زهرای علیها السلام اطهر است
و خود نیز از درگاه خدا و حجت خدا محلّ دفن شدنم را در
قبرستان بقیع در جنب مسجد جمکران به شرح زیر
درخواست نموده‌ام:
جانم نثار باد بر این حجت خدا
چشمم براه اوست چو فرزند حیدر است
خوش باد آندمی که شود خاک من به قم
گویم بحشر شافع من دخت جعفر است
(صدر رضوانی)

و نیز گاهاً که شبهای چهارشنبه و یا جمعه را در مسجد جمکران سپری می‌نمایم می‌بینم که پیروان نور دیده زهرای اطهر علیها السلام مجدداً در سحرگاه برای ادای نماز صبح در مسجد حاضر می‌شوند و پرندگان در هوا که در اطراف مسجد به سر و صدا مشغول بودند به لانه‌های خود پناه می‌برند در آن وقت پیر و پیروان شده در مسجد حاضر می‌شوم و شب اول قبر پیر و پرندگان شده و خانه دائمی خود را در قبرستان بقیع به یاد آورده و اشعار ذیل را یادآور می‌گردم:

مرغ شب در خواب رفتی منکه بیدارم هنوز

داد و بیدادی تو کردی منکه بیدادم هنوز

یا کریم و یا حقت گفتن ترا در خواب کرد

در عجل الغوث گفتن من شتابانم هنوز

عاشقی آموز ای مرغ سحر پروانه‌وار

عاشقان مردن در این ره منکه بیمارم هنوز

پاره جسم پیامبر زوجه ساقی کوثر

قلبت از مسمار و ز در من پریشانم هنوز

بازوی و پهلوی شکسته شیعیان ماتم نشسته
مُحسنت در صدر رضوان منکه نالانم هنوز
سبط اکبر در کنارت سبط اصغر در جوارت
زینب و کلثوم نالان منکه گریانم هنوز
بابشان با غصه و غم در کنار قبر بابت
گوید ای مهدی بدادم رس که بی یارم هنوز
حسامی ام ابیها العجل در انتقام
سوگواران شاد فرما من عزادارم هنوز
و علاوه بر این در آن هنگام اشعار شاعر را به یادآورده و
به مؤسس آن مسجد مقدس عاجزانه و ملتمسانه عرضه می‌دارم:
بیامهدی علیها السلام شب هجران سپر کن
به حال شیعیان خود نظر کن
شبی در مسجدت در نزد ما باش
سحرگه هر کجا خواهی سفر کن
و نیز از حضرت معصومه علیها السلام عاجزانه و ملتمسانه
خواستاریم که به فرزند برادرزاده بزرگوارش توصیه فرمایند که

۱۷۰ ————— توصیه امام زمان علیه السلام در خصوص مسجد جمکران

بر آمدن حاجات و رفع و دفع بلیات ما را در آن: (آستانه مبارکه) و مسجد خودش در مسجد جمکران به مقام و شأن جدّ و جدّه و عمّه خود در نزد خداوند متعال چنانکه در اشعار ذیل یادآور شده‌ام از خداوند متعال درخواست فرمایند انشاءالله.

بیا مهدی علیه السلام به شهر قم سفر کن

بشان عمّهات بر ما نظر کن

بروح جدّهات ترک سفر کن

بیا در مسجدت با ما سحر کن

سحرگه حاجت ما را طلب کن

پس از آن هر کجا خواهی سفر کن

(صدر رضوانی)

و نیز با سپری شدن عمر و لبتیک گفتن به قاصدان اجل در

صحن شریف مسجد آمده و یادآور می‌شوم:

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند

دعای نیم شبی دفع صد بلا بکند

بریز اشک چو باران تند باد سحر
سپس بین که خدایت چه لطفها بکند
دلت بسوی بقیع و خودت خراسان باش
بین که دخت پیامبر صلی الله علیه و آله چه ناله‌ها بکند
غلام درب نشین خور خراسان باش
بخواه حاجت خود تا رضا روا بکند
رضا بشو تو به تقدیر دم مزن هر دم
که خالقت به رضا دردها دوا بکند
مگو غریب شدم من که گشته قم خاکم
شفاعتت بخدا خواهرش ادا بکند
بزیر خاک بقیع گر روی بگو زهرا علیها السلام
شفاعتم بنما مُحسنت روا بکند
به صدر روضه رضوان بگو نبی و وصی
خدا به حرمتان ز آتشم رها بکند
سپس برای تسلی خاطر خود رو به گنبد و گلدسته مسجد
آن حضرت نموده و یادآور می‌شوم:

بنده حق گر بشوق کعبه خواهی زد قدم

پایتارخونین شودازریک سوزان غم مخور

گربشوق فضل ودانش گشته‌ای دور از وطن

عاقبت گردی چویوسف شادمان بس غم مخور

یوسف زهرای اطهر گر نهان است از نظر

عاقبت گردد عیان چون ماه تابان غم مخور

دختر بدر الدجی گر گشته محروم از فدک

عاقبت مهدی بگیرد پس ز آنان غم مخور

صدر رضوان گر شدی آواره و دور از وطن

عاقبت گشتی قرین با جمکران بس غم مخور

(صدر رضوانی)

و شاعر در فراق نور دیده: (حضرت صدیقه کبری و فاطمه

زهره، ام ابیها علیها السلام با قلبی شکسته و با اشکانی از دو چشمش

سرازیر گشته با خواندن اشعار ذیل به خود تسلی می‌دهد:

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبه احزان شود روزی خرامان غم مخور

گر شده آن یوسف زهرا علیها السلام بامر حق نهان
عاقبت گردد عیان روز و شبان بس غم مخور
(صدر رضوانی)

گرسر شک از دیده ریزد همچو باران دم به دم
چون شود جاری ز پلک دیدگان بس غم مخور
«ش»

و نیز پس از زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در
کنار مرقد مرحوم شیخ بهائی رحمته الله نشسته و پس از خواندن برخی
از سوره‌های قرآنی و طلب علو مقام آن فقید سعید از خداوند
متعال اشعار پرمحتوای ایشان را به شرح زیر یادآور می‌شوم:
امید آنکه مدنظر اغنیاء دربر آوردن حاجات و رفع و دفع
بلیات مستمندان در حدتوان قرار گیرد انشاء الله.

همه روزه، روزه بودن همه شب نماز کردن
همه ساله حج نمودن سفر حجاز کردن
ز مدینه تا به کعبه سر و پا برهنه رفتن
دو لب از برای لبتیک به وظیفه باز کردن

به مساجد و معابد همه اعتکاف کردن
ز مکاره و مناهی همه احتراز کردن
شب جمعه‌ها نخفتن به خدای راز گفتن
ز وجود بی نیازیش طلب نیاز کردن
به خدا که هیچکس را ثمر آنقدر نباشد
که به روی ناامیدی در بسته باز کردن^۱
(شیخ بهائی)

به خدا که کار مستحب را ثمر آن چنان نباشد
مگر آنکه روی ناامیدی در بسته باز کردن
صدر رضوانی

بر وای گدای مسکین در خانه علی علیه السلام زن
که به آل وی بزیبد در بسته باز کردن
نظری نما حسین علیه السلام را به حقیقت ار فقیری
بطلب ز پور زهرا علیه السلام نه سزا است بس نشستن

۱. منظور مرحوم شیخ بهائی از اعمال فوق انجام کارهای مستحبی است نه واجب. باری باب الحوائج در دنیا و آخرت حضرات پیامبر اسلام و علی بن ابیطالب و ام ابیها و اولاد معصوم این بزرگواران علیهم السلام خواهد بود.

به امید خلق منشین که خداست خالق تو
به شهید گو نیازت که بجاست راز گفتن



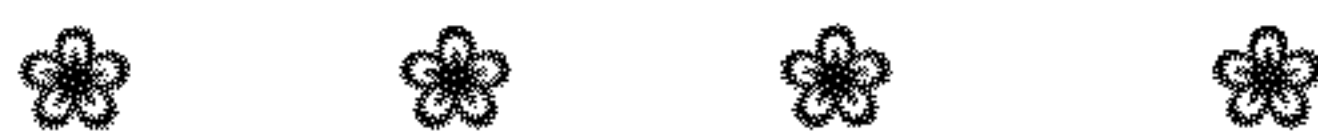
نظری نمابه مشهدبه حقیقت ار فقیری
بطلب زیور موسی علیه السلام نه سزاست بس نشستن

به امید خلق منشین که خداست خالق تو
به رضا علیه السلام بگو نیازت که بجا است راز گفتن



نظری به شهر قم کن به حقیقت ار فقیری
بطلب زدخت جعفر علیه السلام نه سزاست بس نشستن

به امید خلق منشین که خداست خالق تو
به ولی علیه السلام بگو نیازت چو بجاست راز گفتن



نظری به شهر ری کن به حقیقت ار فقیری
بطلب زیور کوثر علیه السلام نه سزاست بس نشستن

به امید خلق منشین که خداست خالق تو
به عظیم علیه السلام گو نیازت چو بجاست راز گفتن

(صدر رضوانی)

و حضرت عبدالعظیم علیه السلام را برخی از ائمه اطهار علیهم السلام به نوبه خود به پیروان و دوستداران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام یاد آور شده و مخصوصاً به اخذ پاداش زیارت قبر شریف آن دو: حضرت معصومه علیها السلام و این بزرگوار: (حضرت عبدالعظیم علیه السلام) نیز اشاره فرموده‌اند.^۱

و برکات پیایی خداوند متعال بر وجود مبارک حضرت بقیه

۱. محدث قمی رحمته الله در مفاتیح الجنان یاد آور شده که محقق داماد رحمته الله در کتاب رواشع فرموده: احادیث بسیار در فضیلت زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام روایت شده است:

از جمله: هر که زیارت کند قبر آن حضرت را بهشت بر او واجب شود. و شیخ شهید ثانی رحمته الله: در حواشی خلاصه همین روایت را از بعضی نسابین نقل فرموده و ابن بابویه و ابن قولویه به سند معتبر روایت کرده‌اند:

که مردی از اهل ری به خدمت حضرت امام علی النقی علیه السلام شرفیاب شد، حضرت از او پرسید که کجا بودی عرض کرد: که به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام رفته بودم.

حضرت فرمود: که اگر زیارت می‌کردی قبر عبدالعظیم را که نزد شما است هر آینه مثل کسی بودی که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام کرده باشد.

الله الاعظم ارواحنا له الفداء باد که همانند اجداد بزرگوارش علیهم السلام معرّف زمین مقدّس: (شهر قم) و مؤسس با ثوابترین خانه خدا در حوالی آن شهر بنا به فرموده خود به حسن مثله جمکرانی که فرموده است:

فَمَنْ صَلَّى هُمَا، (صَلَاً) فَكَمَا نَمَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ.
ترجمه: هر که این دو رکعت نماز را: (در آن مسجد) بخواند از نظر پاداش هم چنین باشد که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد.

در حرم اهل بیت عصمت و طهارت و در حوالی آستانه مبارکه: (حضرت معصومه علیها السلام) و در جنب قریه جمکران قم گردیده و شیعیانش را به کسب فیض عظمی از درگاه خدا ترغیب و تشویق فرمود و رحمت واسعة الهی بر علماء اعلام و راویان و محدّثان به ویژه آیات عظام فقید اعلی الله مقامهم باد.

که از یک هزار و یکصد و اندی سال قبل تا حال شفاهاً و کتباً: (در کتب تألیفی خود) بلکه عملاً اطاعت از فرموده نور دیده: (حضرت زهراى اطهر علیها السلام) یعنی حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام نموده و علاوه بر این پیروان آن

حضرت را نیز جهت کسب چنین فیض عظمی و راز و نیاز و عرض حاجات به درگاه خداوند متعال حال و آینده ترغیب و تشویق فرموده‌اند.

چنانکه علماء اعلام و حجج اسلام مخصوصاً آیات عظام دامت برکاتهم نیز از این بزرگان بنا به فرموده آن حضرت پیروی نموده و خود و دیگران تا ظهور این بزرگوار شفاهاً و کتباً و عملاً به حضور در این خانه خدا به منظور اخذ فیوضات روحانی و معنوی و در ضمن برآمدن حاجات و رفع و دفع بلیات خود و مسلمین را در هر زمانی تشویق خواهند فرمود. انشاءالله.

باری: نظر به اینکه سرزمین قم قبل از اینکه حضرت معصومه علیها السلام در آنجا دفن شود.

و نیز قبل از آنکه حضرت امام زمان علیه السلام دستور به احداث مسجد جمکران فرماید.

مورد توجه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دو فرزند بزرگوارش حضرت امام صادق و امام زمان و امامان معصوم دیگر صلوات الله

علیهم اجمعین قرار گرفته است.

لذا شایسته است علاوه از مطالبی که در این باره در آغاز کتاب و پیش گفتار آن یاد شد در این بخش نیز جهت مزید اطلاع به مفاد چهل حدیث به عنوان (چهل خبر) که راویان از این بزرگواران در خصوص شهر قم و اهالی قم و غیره نقل نموده‌اند، اشاره شود.

خبر اول: مجلسی رحمته الله علیه در بحارالانوار از انس بن مالک نقل کرده است:

که روزی خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نشسته بودم که حضرت علی علیه السلام نزد آن بزرگوار آمد.

آنگاه حضرت صلی الله علیه و آله بایشان فرمود: نزدم بیا سپس وی را در آغوش گرفته و میان دو چشمش را بوسید و فرمود: یا علی علیه السلام خداوند متعال ولایت تو را بر آسمانها اعلام فرمود: آسمان هفتم ولایت تو را قبل از آسمانهای دیگر پذیرفت پروردگار آن آسمان را به: (عرش) مزین فرمود.

پس از آن آسمان چهارم ولایت ترا قبول نمود خالق

متعال آن آسمان را به: (بیت المعمور) مزین فرمود.

سپس آسمان دنیا ولایت ترا قبول کرد خداوند آن آسمان را به: (ستارگان) مزین فرمود.

بعد از آن ولایت ترا به زمین‌ها اعلام فرمود: زمین مکه ولایت ترا قبل از قبول نمودن زمینهای دیگر اعلام نمود پروردگار آن را به: (کعبه) مزین فرمود.

بعد از آن زمین مدینه ولایت ترا قبول کرد خداوند آن را بواسطه: (من) مزین فرمود.

پس از آن زمین کوفه ولایت ترا قبول کرد پروردگار آن را بوسیله: (تو) مزین فرمود.

سپس ولایت ترا قبول کرد خداوند آن را بواسطه عرب: (اشعری‌ها) مزین فرموده و در بی نیز از در بهای بهشت بسوی: (قم) گشود.

۱- عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ كُنْتُ ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسًا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا أَبَا الْحَسَنِ ثُمَّ اِعْتَنَقَهُ وَقَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ

عَزَّ اسْمُهُ عَرَضَ وَلايَتِكَ عَلَى السَّمَوَاتِ فَسَبَقَتْ إِلَيْهَا السَّمَاءُ
السَّابِعَةُ فَرَزَيْنَهَا بِالْعَرْشِ ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا السَّمَاءُ الرَّابِعَةُ فَرَزَيْنَهَا
بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا السَّمَاءُ الدُّنْيَا فَرَزَيْنَهَا بِالْكَوَاكِبِ
ثُمَّ عَرَضَهَا عَلَى الْأَرْضِينَ فَسَبَقَتْ إِلَيْهَا مَكَّةُ فَرَزَيْنَهَا بِالْكَعْبَةِ ثُمَّ
سَبَقَتْ إِلَيْهَا الْمَدِينَةُ فَرَزَيْنَهَا بِي ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا الْكُوفَةُ فَرَزَيْنَهَا
بِك. ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا قُمْ فَرَزَيْنَهَا بِالْعَرَبِ: (الْأَشْعَرِيُّونَ) وَفَتَحَ
إِلَيْهِ بَاباً مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ. بحار الانوار، ج ۶۰ ص ۲۱۳

۲- عَنْ عَفَّانِ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لِي: أَتَدْرِي
لِمَ سُمِّيَ قُمْ. قُلْتُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَأَنْتَ أَعْلِمُ.

قَالَ: إِنَّمَا سُمِّيَ قُمْ لِأَنَّ أَهْلَهُ يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ يَقُومُونَ مَعَهُ وَ يَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَ يَنْصُرُونَهُ

بحار الأنوار، ج ۶۰ ص ۲۱۶

۳- سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَنْ أَسْلَمِ الْمُدْنِ وَ خَيْرِ الْمَوَاضِعِ
عِنْدَ نَزُولِ الْفِتَنِ وَ ظُهُورِ السَّيْفِ فَقَالَ: أَسْلَمُ الْمَوَاضِعِ يَوْمَئِذٍ
أَرْضُ الْجَبَلِ فَإِذَا اضْطَرَبَتْ خُرَاسَانَ وَ وَقَعَتْ الْحَرْبُ بَيْنَ أَهْلِ
جُرْجَانَ وَ طَبْرِسْتَانَ وَ خَرِبَتْ سَجِسْتَانَ فَأَسْلَمُ الْمَوَاضِعِ يَوْمَئِذٍ

قَصَبَةُ قُمْ. بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٢١٧.

٤- عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ: (مُوسَى الْكَاطِمِ عليه السلام) قَالَ:

قُمْ عَشُّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَأْوَى شَيْعَتِهِمْ وَ لَكِنْ سَيَهْلِكُ
جَمَاعَةٌ مِنْ شَبَابِهِمْ بِمَعْصِيَةِ آبَائِهِمْ وَالْإِسْتِخْفَافِ وَ السُّخْرِيَّةِ
بِكُبْرَائِهِمْ وَ مَشَايِجِهِمْ وَ مَعَ ذَلِكَ يَدْفَعُ اللَّهُ عَنْهُمْ شَرَّ الْأَعَادِي
وَ كُلِّ سُوءٍ بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٢١٤

٥- قَالَ الضَّادِقُ عليه السلام: إِذَا أَصَابَتْكُمْ بَلِيَّةٌ وَ عِنَاءٌ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ

فَإِنَّهُ مَأْوَى الْفَاطِمِيِّينَ.

٦- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنْ جَمِيعِ الْبِلَادِ

كُوفَةَ وَ قُمْ وَ تَفْلَيْسَ. هذا الخبر في البحار

٧- سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَيْنَ بِلَادُ الْجَبَلِ فَإِنَّا قَدْ رَوَيْنَا إِنَّهُ إِذَا

رَدَّ إِلَيْكُمْ الْأَمْرُ يَخْسِفُ بَعْضُهَا فَقَالَ إِنَّ فِيهَا مَوْضِعاً يُقَالُ لَهُ

بَحْرٌ وَ يَسْمَى بِقُمْ وَ هُوَ مَعْدِنُ شَيْعَتِنَا.

بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٢١٢

٨- رَوَى عَنْ الْأَئِمَّةِ عليه السلام: لَوْ لَا الْقُمِيُّونَ لَضَاعَ الدِّينُ.

(هذه الرواية في سفينة البحار، ج ٢، ص ٤٤٦)

۹- قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: أَهْلُ خُرَاسَانَ أَغْلَامُنَا وَ أَهْلُ قُمْ أَنْصَارُنَا وَ أَهْلُ كُوفَةَ أَوْلَادُنَا وَ أَهْلُ هَذَا السَّوَادِ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ.
(هذه الرواية في البحار، ج ۶۰ ص ۲۱۴)

۱۰- عَنْ اميرالمؤمنين عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ قُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ قُمْ سَقَى اللَّهُ بِلَادَهُمُ الْغَيْثَ.
(هذه الرواية في البحار، ج ۶۰ ص ۲۲۸)

۱۱- عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى بِيَاحُ السَّابِرِيِّ: قَالَ: كُنْتُ يَوْمًا عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فَجَرَى ذِكْرُ قُمْ وَ أَهْلِهَا وَ مَيْلِهِمْ إِلَى الْمَهْدِيِّ عليه السلام فَتَرَحَّمَّ عَلَيْهِمْ وَ قَالَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ. (هذه الرواية في البحار، ج ۶۰ ص ۲۱۶)

۱۲- عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَاءِ عليه السلام: قَالَ إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَ لِأَهْلِ قُمْ وَاحِدٌ مِنْهَا فَطُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ.
(هذه الرواية في البحار، ج ۶۰ ص ۲۱۵)

۱۳- قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: سَلَامُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ قُمْ يَسْقِي اللَّهُ بِلَادَهُمُ الْغَيْثَ وَ يُنَزِّلُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْبَرَكَاتِ وَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ هُمْ أَهْلُ رُكُوعٍ وَ سُجُودٍ وَ قِيَامٍ وَ قُعُودٍ هُمْ الْفُقَهَاءُ

الْعُلَمَاءُ هُمْ أَهْلُ الدَّرَايَةِ وَ الرِّوَايَةِ وَ حُسْنِ الْعِبَادَةِ. (هذه الرواية في البحار، ج ٤٠ ص ٢١٧)

١٤- قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام: إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَ وَاحِدٍ مِنْهَا لِأَهْلِ قَوْمٍ وَ هُمْ خِيَارُ شِيعَتِنَا مِنْ بَيْنِ سَائِرِ الْبِلَادِ خَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَا يَتَنَافَى طِبْتِهِمْ

(هذه الرواية في البحار، ج ٤٠ ص ٢١٦)

١٥- كَتَبَ أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام إِلَى أَهْلِ قَوْمٍ وَ آيَةً: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بِجُودِهِ وَ رَأْفَتِهِ قَدْ مَنَّ عَلَى عِبَادِهِ بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ عليه السلام بِشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ وَفَقَكُمْ لِقَبُولِ دِينِهِ وَ أَكْرَمَكُمْ بِهِدَايَتِهِ وَ غَرَسَ فِي قُلُوبِ أَسْلَافِكُمُ الْمَاضِينَ رَحْمَةَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.

(هذه الرواية في سفينة البحار، ج ٢، ص ٢٤٨)

١٦- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْأَشْعَرِيِّينَ صَغِيرَهُمْ وَ كَبِيرَهُمْ.

(هذه الرواية في البحار، ج ٤٠ ص ٣٢٠)

١٧- قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا فَقَدَ الْإِنْسَانُ مِنَ الْعِبَادِ وَ رَكِبَ النَّاسُ عَلَى الْخِيُولِ وَ اعْتَزَلُوا النِّسَاءَ وَ الطَّيِّبَ فَالْهَرَبُ الْهَرَبُ عَنْ جَوَارِهِمْ. فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِلَى آيْنِ.

قَالَ إِلَى الْكُوفَةِ وَ نَوَاحِيهَا أَوْ إِلَى قَمٍّ وَ حَوَالِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ
مَدْفُوعٌ عَنْهُمَا. (هذه الرواية في البحار)

۱۸- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا عَمَّتِ الْبَلَايَا فَلَا مَنْ فِي كُوفَةَ
وَ نَوَاحِيهَا مِنَ السَّوَادِ وَ قَمٍّ مِنَ الْجَبَلِ وَ نِعَمَ الْمَوَاضِعِ قَمٍّ
لِلْخَائِفِ الطَّائِفِ (هذه الرواية في البحار، ج ۶۰ ص ۲۱۴)

۱۹- عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ: كُنَّا عِنْدَهُ
جَالِسِينَ إِذْ قَالَ مُبْتَدِئًا.

خُرَاسَانُ، خُرَاسَانُ، سَجِسْتَانُ، سَجِسْتَانُ، كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى
أَهْلِيهِمَا رَاكِبِينَ عَلَى الْجِمَالِ مُسْرِعِينَ إِلَى قَمٍّ.

(هذه الرواية في البحار، ج ۶۰ ص ۲۱۵)
۲۰- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ: إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانَ الْفِتْنُ
فَعَلَيْكُمْ بِقَمٍّ وَ حَوَالِيهَا وَ نَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَدْفُوعٌ عَنْهَا. (هذه
الرواية في البحار، ج ۶۰ ص ۲۱۴)

۲۱- عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام: قَالَ: رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قَمٍّ
يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ تَجْمَعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ لَا تَزِلُّهُمْ
الرِّيَاحُ الْعَوَاصِفُ وَ لَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَ لَا يَجْبُنُونَ وَ عَلَى

اللَّهُ يَتَوَكَّلُونَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

(هذه الرواية في البحار، ج ٤٠ ص ٢١٦)

٢٢- عَنْ الصَّادِقِ عليه السلام: قَالَ: فَأَمَّا الرَّيُّ فَوَيْلٌ لَهُ مِنْ جَنَاحَيْهِ وَ

إِنَّ الْأَمَّنَ فِيهِ مِنْ جَهَّةٍ: (قُمْ وَ أَهْلِهِ). قِيلَ: وَ مَا جَنَاحَاهُ: قَالَ:

أَحَدُهُمَا بَغْدَادُ وَالْآخَرُ خُرَاسَانُ.

(هذه الرواية في البحار، ج ٤٠ ص ٢١٢)

٢٣- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ

نَظَرْتُ إِلَى قُبَّةٍ مِنْ لَوْلُوءٍ لَهَا أَرْبَعَةٌ أَرْكَانٍ وَ أَرْبَعَةٌ أَبْوَابٍ كَانَتْهَا مِنْ

إِسْتَبْرَقٍ أَخْضَرَ.

قلت: يَا جَبْرَائِيلُ مَا هَذِهِ الْقُبَّةُ الَّتِي لَمْ أَرَفِ السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ

أَحْسَنَ مِنْهَا.

فَقَالَ: حَيْبِي مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله هَذِهِ صُورَةُ مَدِينَةِ يُقَالُ لَهَا: (قُمْ).

يَجْتَمِعُ فِيهَا عِبَادُ اللَّهِ الْمُؤْمِنُونَ يَنْتَظِرُونَ مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله وَ

شَفَاعَتَهُ لِلْقِيَامَةِ وَ الْحِسَابِ يَجْرِي عَلَيْهِمُ الْغَمُّ وَ الْهَمُّ وَ

الْأَخْزَانُ وَ الْمَكَارِهِ. (هذه الرواية في البحار، ج ٤٠ ص ٢٠٧)

۲۴- عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام ذَكَرَ كُوفَةَ وَ قَالَ: سَتَخْلُوا كُوفَةَ مِنْ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَازِرَ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا يَازِرُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا. ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبَلَدَةٍ يُقَالُ لَهَا: (قَم) وَ يَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتِ فِي الْجِبَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا. (هذه الرواية في البحار، ج ۶۰ ص ۲۱۳)

۲۵- رَوَى بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَالِسًا إِذْ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولِيِّهَا بَعَثْنَا عَلَيْهِمْ عِبَادًا لَنَا أَوْلَىٰ بِأْسِ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَ كَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا﴾. (سورة الاسراء، الآية ۵)

فَقُلْنَا: جُعِلْنَا فِدَاكَ مَنْ هُوَ أَوْلَىٰ. فَقَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: هُمْ وَ اللَّهُ أَهْلُ قَم. (هذه الرواية في البحار، ج ۶۰ ص ۲۱۶)

۲۶- قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: تُرَبِّهُ قَمٌ مُقَدَّسَةٌ وَ أَهْلُهَا مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ لَا يُرِيدُهُمْ جَبَّارٌ بِسُوءِ إِلَّا عَجِلَتْ عُقُوبَتُهُ مَا لَمْ يَخُونُوا إِخْوَانَهُمْ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ جَبَابِرَةً سُوءِ أَمَا إِنَّهُمْ أَنْصَارُ قَائِمِنَا وَ دَعَاةٌ حَقَّنَا. ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ: اللَّهُمَّ

أَعْصِمُهُمْ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَ نَجِّهِمْ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ.

(هذه الرواية في البحار، ج ٤٠ ص ٢١٩)

٢٧- عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ عليه السلام: قَالَ: عَلِيُّ

بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام يَقُولُ: أَهْلُ (قُمْ) وَ أَهْلُ (آبَةَ) مَغْفُورٌ

لَهُمْ لِزِيَارَتِهِمْ لِجَدِّي عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عليه السلام بِطُوسٍ. أَلَا وَ

مَنْ زَارَهُ فَأَصَابَهُ فِي طَرِيقِهِ قَطْرَةٌ مِنَ السَّمَاءِ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ

عَلَى النَّارِ. (هذه الرواية في البحار، ج ٤٠ ص ٢٣١)

٢٨- قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: مَحْشَرُ النَّاسِ كُلُّهُمْ إِلَى بَيْتِ الْمُقَدَّسِ

إِلَّا بُقْعَةً بِأَرْضِ الْجَبَلِ.

يُقَالُ لَهَا: (قُمْ) فَإِنَّهُمْ يُحَاسِبُونَ فِي حُفْرِهِمْ وَ يُحْشَرُونَ

مِنْ حُفْرِهِمْ إِلَى الْجَنَّةِ ثُمَّ قَالَ: أَهْلُ قُمْ مَغْفُورٌ لَهُمْ. (هذه

الرواية في البحار، ج ٤٠ ص ٢١٨)

٢٩- عَنْ حَمَادِ النَّابِ قَالَ كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ نَحْنُ

جَمَاعَةٌ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ عِمْرَانُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْقَمِي.

فَسَأَلَهُ وَ بَرَّهَ وَ بَشَّهَ فَلَمَّا ان قَام.

قُلْتُ: لَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ هَذَا الَّذِي بَرَّرْتَ بِهِ هَذَا الْبِرَّ.

قَالَ: مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ النَّجْبَاءِ - يَعْنِي أَهْلَ: (قُم) مَا أَرَادَهُمْ
جَبَّارٌ مِنَ الْجَبَابِرَةِ إِلَّا قَصَمَهُ اللَّهُ.

(هذه الرواية في البحار، ج ۶۰ ص ۲۱۱)

۳۰- قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّ لِعَلِيٍّ: قُم مَلَكًا رُفِرَ عَلَيْهَا
بِجَنَاحَيْهِ لَا يُرِيدُهَا جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا أَذَابَهُ اللَّهُ كَذُوبِ الْمِلْحِ فِي
الْمَاءِ. (هذه الرواية في البحار، ج ۶۰ ص ۲۱۷)

۳۱- قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: وَ مَا أَرَادَ أَحَدٌ (بِقُم) وَ أَهْلِهِ سُوءًا إِلَّا
أَذَلَّهُ اللَّهُ وَ أَبْعَدَهُ مِنْ رَحْمَتِهِ. (هذه الرواية في البحار)

۳۲- قَالَ الرَّضَا عليه السلام: لِزَكَرِيَّا ابْنِ آدَمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعْدِ
الْأَشْعَرِيِّ.

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ بِكَ عَنْ أَهْلِ: (قُم) كَمَا يَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ
أَهْلِ بَغْدَادَ بِقَبْرِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام

(هذه الرواية في البحار، ج ۶۰ ص ۲۲۰)

۳۳- قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ إِحْتَجَّ بِالْكُوفَةِ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ
وَ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَى غَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْبِلَادِ وَ أَحْتَجَّ
بِبَلَدَةِ: (قُم) عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ بِأَهْلِهَا عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ

١٩٠ _____ توصيه امام زمان عليه السلام در خصوص مسجد جمكران

وَالْمَغْرِبِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَ لَمْ يَدْعِ اللَّهَ (قُمْ وَ أَهْلِهَا)
مُسْتَضْعِفاً بَلْ وَفَقَهُمْ وَآيَدُهُمْ.

(هذه الرواية في البحار، ج ٤٠ ص ٢١٣)

٣٤- عَنْ أَبِي الصَّلْتِ الْهَرَوِيِّ.

قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الرَّضَا عليه السلام فَدَخَلَ عَلَيْهِ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ: (قُمْ)
فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيْهِمْ وَ قَرَّتْهُمْ. ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: مَرْحَباً بِكُمْ وَ
أَهلاً فَأَنْتُمْ شِيعَتُنَا حَقّاً.

(هذه الرواية في البحار، ج ٤٠ ص ٢٣١)

٣٥- قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: فِي قَوْمِ شِيعَتِنَا وَ مَوَالِينَا وَ تَكْثُرُ فِيهِ
الْعِمَارَةُ وَ يَقْضُدُهُ النَّاسُ وَ يَجْتَمِعُونَ فِيهِ حَتَّى يَكُونَ الْجَمْرَ بَيْنَ
بِلَدَتِهِمْ. (هذه الرواية في البحار، ج ٤٠ ص ٢١٥)

٣٦- قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَ هُوَ مَكَّةُ وَ لِرَسُولِهِ
حَرَمًا وَ هُوَ الْمَدِينَةُ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَ هُوَ الْكُوفَةُ وَ لَنَا
حَرَمًا وَ هُوَ (قُمْ).

وَ سَتُدُّ فَنُ فِيهَا إِمْرَأَةً مِنْ وُلْدِي تُسَمَّى فَاطِمَةً. مَنْ زَارَهَا
وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَلِكَ وَ لَمْ تَحْمَلْ بِمُوسَى

أُمَّهُ. (هذه الرواية في البحار، ج ۶۰ ص ۲۱۶)

۳۷- عَنْ جَوَادِ الْإِيْمَةِ عليه السلام: قَالَ مَنْ زَارَ عَمَّتِي بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ.

(هذه الرواية في البحار، ج ۶۰ ص ۳۷۶)

۳۸- عَنْ سَعْدِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ.

قَالَ قَالَ: يَا سَعْدُ عِنْدَكُمْ لَنَا قَبْرٌ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ قَبْرٌ: (فَاطِمَةُ) بِنْتُ مُوسَى عليه السلام.

قَالَ: نَعِيمٌ (مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ).

فَإِذَا أَتَيْتَ الْقَبْرَهُمْ فَقُمْ عِنْدَ رَأْسِهَا مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ وَكَبِّرْ

أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً وَسَبِّحْ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً وَأَحْمَدِ

اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً ثُمَّ قُلْ: پس از آن بگو: (یعنی

بخوان زیارت نامه آن حضرت عليه السلام را) (هذه الرواية في البحار)

۳۹- عَنْ حَسَنِ بْنِ مُثَلَّةٍ عَنِ الْمَهْدِيِّ عليه السلام.

أَنَّهُ قَالَ: مَنْ صَلَّى بِهَا فَكَأَنَّمَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ.

(هذه الرواية في البحار، ج ۶۰ ص ۲۶۶)

۴۰- قَالَ مُؤَلَّانَا وَ سَيِّدُنَا: حُجَّةُ بِنِ الْحَسَنِ الْعَشْكَرِيِّ عليه السلام

حِينَ وَلَادَتْهُ. اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَ أَتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَ ثَبِّتْ

وَطَائِي وَ أَمَلَا الْأَرْضِ بِي عَدْلًا وَ قِسْطًا.

(هذا الحديث في منتهى الآمال).

«نقل از کتابهای راویان و محدثان اعلی الله درجاتهم»

خبر دوم: مجلسی رحمته الله در بحار الانوار از عقیان بصری از

حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است:

که آن حضرت به من فرمود: میدانی که چرا قم باین اسم نامیده شده است.

عرض کردم: خداوند متعال و پیامبرش و حضرت عالی آگاه

ترید.

فرمود: قم نامیده شد به جهت آنکه اهل آن با حضرت قائم آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین قیام نموده و وی را یاری می کنند و در این امر پایدار خواهند بود.

خبر سوم: مجلسی رحمته الله در بحار الانوار نقل کرده است.

که از حضرت مولای متقیان علیه السلام سؤال شد: سالم ترین شهرها و امن ترین مکانها هنگام پدید شدن فتنه و آشکار شدن شمشیرها کجاست؟

بخش پنجم: در بیان تعریف قم و اهالی آن ۱۹۳

حضرت فرمود: سالم‌ترین مکانها در آن روز: (جبل) است.

پس زمانی که خراسان مضطرب گردد و میان اهل گرگان و طبرستان جنگ بر پا شود و سجستان خراب گردد آنگاه سالمترین جا در آن روز شهر: (قم) است.

خبر چهارم: حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده است: قم آشیانه آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین و پناهگاه پیروان آنهاست.

ولی گروهی از جوانان آنها بخاطر نافرمانی پدرانشان و سبک شمردن و مسخره کردن بزرگان و کهنسالان نابود می‌شوند.

مع الوصف خداوند متعال شر دشمنان و هر نوع بدی را از آنان دفع می‌فرماید.

خبر پنجم: مجلسی رحمته الله علیه در بحارالانوار از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

موقعی که رنج و زحمت و گرفتاری به شما متوجه شد به

قم روی آورید جهت آنکه قم پناهگاه فاطمیان و محلّ آسایش مؤمنان است.

خبر ششم: مجلسی رحمته الله در بحارالانوار از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

پروردگار عالم از میان همه‌ی شهرها کوفه و قم و تفلیس: (پایتخت گرجستان) را انتخاب فرموده است.

خبر هفتم: مجلسی رحمته الله در بحارالانوار از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

که از آن حضرت سؤال شد شهرهای جبل کجاست؟
برای ما نقل شده هنگامی که حکومت به شماها برگردد
قسمتی از آن از بین می‌رود.

حضرت فرمود: در آن جبل مکانی است که به آن: (بحر)
گفته می‌شود و به آن منطقه قم نیز نامیده می‌شود و آنجا
مرکز شیعیان ماست.

خبر هشتم: محدث قمی رحمته الله در سفینه البحار نقل کرده
است:

که از امامان معصوم علیهم السلام نقل شده که فرموده‌اند:

اگر مردم قم نبودند دین تباه می‌شد.

خبر نهم: مجلسی رحمته الله در بحارالانوار از حضرت امام

صادق علیه السلام نقل کرده است.

که آن حضرت فرموده است: مردم خراسان نشانه‌های ما

هستند و اهل قم یاران ماست.

و مردم کوفه مایه استواری ماست و اهل این کوفه از ما

هستند و ما هم از آنها هستیم.

خبر دهم: حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام فرموده است:

درود پروردگار بر مردم قم و رحمت و لطف باری تعالی بر

آنان باد خداوند شهرهای آنان را از باران سیراب فرماید.

خبر یازدهم: مجلسی رحمته الله در بحارالانوار از صفوان پسر

یحیی نقل کرده است:

که روزی خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بودم، نام قم

و اهل آن و تمایل آنان به حضرت حجة بن الحسن علیه السلام به

میان آمد.

حضرت نسبت بآنان اظهار لطف و مهربانی نمود.

و فرمود: خداوند از آنان خشنود گردد.

خبر دوازدهم: مجلسی رحمته الله علیه در بحارالانوار از حضرت امام

رضا علیه السلام نقل نموده است:

که آن حضرت فرموده است: بهشت دارای هشت در است.

و یکی از آنها برای قمی‌هاست پس خوشا به حال آنان و

آفرین و آفرین بر آنان باد.

خبر سیزدهم: مجلسی رحمته الله علیه در بحارالانوار از حضرت امام

صادق علیه السلام نقل کرده است:

که آن حضرت فرموده است: سلام بر مردم قم خداوند

شهرهای آنان را با باران سیراب می‌فرماید و برکات را بر آنان

نازل می‌نماید و بدیهای آنان را به خوبی‌ها تبدیل می‌کند.

آنان اهل رکوع و سجده و قیام و قعود هستند و آنان فقیه

و دانشمند و اهل درک حقایق و روایت و عبادت نیکو

می‌باشند.

خبر چهاردهم: مجلسی رحمته الله علیه در بحارالانوار از حضرت امام

کاظم علیه السلام نقل کرده است:

که آن حضرت فرموده است: بهشت دارای هشت درب است و یکی از آنها برای اهل قم است و آنان در میان مردم سایر شهرها بهترین شیعیان ما هستند خداوند عالم ولایت ما را در طینت آنان قرار داده است.

خبر پانزدهم: محدّث قمی رحمته الله در سفینه البحار از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نقل کرده است:

که آن حضرت به مردم قم و آبه نامه ارسال فرمود: خداوند از روی محبت و مهربانی و بذل و کرمش بر بندگان خود منت گذارد و پیامبری بزرگوار: (حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) درود خدا بر او باد به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده بر آنان فرستاد.

و شما: (مردم قم) را برای پذیرش و دینش موفق فرمود و با راهنمایی‌هایش به شما کرامت و عزّت بخشید.
و در دل‌های گذشتگان شما که رحمت خدا شامل حال آنان باد هدایت را بر قرار فرمود.

۱۹۸ _____ توصیه امام زمان علیه السلام در خصوص مسجد جمکران

خبر شانزدهم: مجلسی رحمته الله در بحارالانوار از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل نموده است:

که آن حضرت از درگاه خداوند متعال در خواست کرده است:

خدایا اشعری ها را از کوچک و بزرگ پیامرز.

خبر هفدهم: مجلسی رحمته الله در بحارالانوار از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

که آن حضرت فرموده است موقعی که امنیت از میان مردم رخت بر بندد و مردم بر اسبان سوار شده و بتاخت و تاز مشغول گردند و از زنها و بوی خوش کناره گیری نمایند در آن هنگام باید از آنان گریز و پرهیز نمود.

را وی سؤال کرد: کجا باید گریخت.

حضرت فرمود: بسوی کوفه و اطراف آن و یا بسوی قم و اطرافش زیرا بلا و گرفتاری از آن دو شهر دفع شده است.

خبر هیجدهم: مجلسی رحمته الله در بحارالانوار از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

که آن حضرت فرموده است: هنگامی که بلا و گرفتاری همگانی شد امنیت در کوفه و اطراف آن: (از سواد: ما بین دجله و فرات) و در قم خواهد بود مع الوصف قم برای شخص هولناک و در حال حرکت مکان خوبی است.

خبر نوزدهم: مجلسی رحمته الله علیه در بحار الانوار یادآور شده که یکی از یاران حضرت امام صادق رحمته الله علیه نقل کرده است که در خدمت آن حضرت نشسته بودیم.

آن حضرت فرمود: خراسان، خراسان سجستان گویا مردم آن دو جا را می بینم که سوار بر شتران شده و با سرعت به طرف قم می روند.

خبر بیستم: مجلسی رحمته الله علیه در بحار الانوار از حضرت امام صادق رحمته الله علیه نقل کرده است:

که آن حضرت فرموده: موقعی که فتنه همه شهرها را فراگرفت به شهر قم و اطراف و نواحی آن کوچ نمائید زیرا گرفتاری از قم دفع شده است.

خبر بیست و یکم: مجلسی رحمته الله علیه در بحار الانوار از مولای

۲۰۰ _____ توصیه امام زمان علیه السلام در خصوص مسجد جمکران

متقیان علیهم السلام نقل کرده است:

که آن حضرت فرموده: مردی از قم مردم را بسوی حق دعوت می‌کند عده‌ای با او همراه می‌شوند که همانند پاره‌های آهن هستند که بادهای تند آنان را نمی‌لغزاند و از نبرد خسته نشده و از آن نهراسیده و بر خداوند متعال توکل می‌نمایند و عاقبت نیکو برای پرهیزکاران است.

خبر بیست و دوم: مجلسی رحمته الله علیه در بحارالانوار از حضرت

صادق علیه السلام نقل کرده است:

که آن حضرت فرموده: اما (ری) پس وای بر آن از دو بالش، و امنیت و آرامش در آن از طرف قم و اهل قم است. سؤال شد: آن دو بال کدامند.

حضرت فرمود: یکی بغداد و دیگری خراسان است.

خبر بیست و سوم: مجلسی رحمته الله علیه در بحارالانوار از

پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

که آن حضرت فرموده: موقعی که مرا باسماں چهارم بردند، نظرم به: (قبه‌ای از در) افتاد که دارای چهار درب و

چهار پایه بود همانند پارچه زر بافت سبزرنگ.

از جبرئیل سؤال نمودم: این چه چیزی است که نیکوتر از آن را در آسمان چهارم ندیدم.

جبرئیل پاسخ داد: شکل شهری است که به آن: (قم) گفته می‌شود و بندگان مؤمن خدا در آنجا اجتماع می‌کنند. و در انتظار: (حضرت محمد ﷺ) و شفاعت ایشان در قیامت و روز حساب بسر می‌برند.

غم و اندوه و سختی‌ها به آنان رو می‌آورد.

خبر بیست و چهارم: مجلسی علیه السلام در بحار الانوار از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده است: که آن حضرت یادی از کوفه نموده و فرمود: کوفه بزودی از مؤمنان خالی می‌گردد و علم از آنجا جمع می‌شود همانطور که (مار) در لانه‌اش جمع می‌گردد.

سپس علم و دانش در شهری که بآن: (قم) می‌گویند ظاهر شده و آنجا مرکز علم و فضیلت می‌گردد تا حدی که هیچ کس حتی بانوان خانه‌دار از احکام دین خود ناآگاه نمی‌شوند.

۲۰۲ _____ توصیه امام زمان علیه السلام در خصوص مسجد جمکران

و این جریان نزدیک ظهور: (قائم ما: حضرت مهدی علیه السلام) خواهد بود.

خبرییست و پنجم: مجلسی رحمته الله در بحارالانوار یادآور شده که یکی از اصحاب حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده است: خدمت حضرت امام صادق علیه السلام نشسته بودم حضرت این آیه را خواند:

﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَئِهِمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا﴾^۱.

ترجمه: پس چون وقت انتقام فرا رسید بندگان سخت جنگجوی خود را بر شما بر می‌انگیزیم پس در درون خانه‌های شما را نیز جستجو کنند و این وعده (انتقام) خدا حتمی خواهد بود.

پس ما گفتیم: فدای شما شویم آنان چه کسانی هستند.

۱. سوره اسراء، آیه ۵.

بخش پنجم: در بیان تعریف قم و اهالی آن ۲۰۳

حضرت در جواب سه مرتبه فرمود: بخدا قسم آنان مردم قم از ما هستند.

خبر بیست و ششم: مجلسی رحمته الله علیه در بحارالانوار از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

که آن حضرت فرموده: خاک قم مقدس است و مردم قم از ما هستند و ما هم از آنان هستیم.

هیچ ستمگری قصد بد به اهل قم نمی‌کند مگر اینکه عذاب وی جلو می‌افتد تا وقتی که مردم به برادران خود خیانت نکنند.

ولی وقتی که خیانت کنند خداوند ستم‌گران را بر آنان مسلط می‌کند.

آنان یاران قائم ما و دعوت‌گران حق ما هستند. سپس حضرت سرش را به طرف آسمان بلند کرد.

و فرمود: خدایا آنان را از هر فتنه‌ای مصون بدار و از نابودی نجاتشان فرما.

خبر بیست و هفتم: مجلسی رحمته الله علیه در بحارالانوار از حضرت

۲۰۴ ===== توصیه امام زمان علیه السلام در خصوص مسجد جمکران

عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی علیه السلام نقل کرده است که حضرت امام علی النقی عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود
مردم قم و (آبه: روستائی است ما بین قم و ساوه) آمرزیده شده اند زیرا آنان جدم حضرت امام رضا علیه السلام را در شهر طوس زیارت می کنند.

آگاه باشید هر کسی که آن حضرت را زیارت کند و در مسیر راه قطره بارانی با و برسد خداوند بدن وی را بر آتش حرام می کند.

خبر بیست و هشتم: مجلسی رحمته الله علیه در بحارالانوار از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده است
که آن حضرت فرموده: محلّ حشر تمام مردم به طرف: (بیت المقدس) است مگر مکانی در سرزمین (جبل) که بان (قم) گفته می شود.

زیرا آنان در همان قبر خودشان محاسبه می شوند و از همانجا به طرف بهشت روانه می گردند پس از آن فرمود:
مردم قم آمرزیده شده اند.

بخش پنجم: در بیان تعریف قم و اهالی آن ۲۰۵

خبرییست و نهم: مجلسی رحمته الله علیه در بحارالانوار از حماد ناب نقل کرده است.

که وی یادآور شده: عده‌ای در محضر امام صادق علیه السلام بودیم که عمران بن عبدالله قمی وارد مجلس شد. حضرت از حالش سؤال نموده و نسبت به وی نیکی و خوشروئی فرمود.

هنگامی که ایشان از محضر حضرت اجازه گرفته و خارج شد به حضرت عرض نمودم این شخص که بوی این چنین لطف و مرحمت فرمودی چه کسی بود.

حضرت فرمود: از خانواده‌های نجیبان یعنی: اهل: (قم) بود هیچ ستم‌گری قصد بدی به آنها نمی‌کند جز اینکه خداوند او را می‌شکند.

خبرسی‌ام: مجلسی رحمته الله علیه در بحارالانوار از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

که آن حضرت فرمود: برای قم فرشته‌ای است که بالهایش را بر آن گسترده است.

۲۰۶ ————— توصیه امام زمان علیه السلام در خصوص مسجد جمکران

بنابراین هیچ ستم‌گری قصد بد به: (قم) نمی‌کند مگر اینکه خداوند او را ذوب می‌کند همانند ذوب شدن نمک در آب.

خبر سی و یکم: مجلسی رحمته الله در بحارالانوار از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

که آن حضرت فرمود: هیچ کس به: (قم) و مردم آن قصد سوء (بد) نمی‌کند جز اینکه خداوند متعال او را خوار و ذلیل نموده و وی را از رحمت خود دور می‌فرماید.

خبر سی و دوم: مجلسی رحمته الله در بحارالانوار از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده است:

که آن حضرت به زکریا بن آدم پسر عبدالله پسر سعد اشعری فرموده است:

خداوند گرفتاری‌ها را بواسطه تو از مردم: (قم) برطرف می‌نماید همانگونه که به واسطه قبر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از مردم بغداد دفع می‌فرماید.

خبر سی و سوم: مجلسی رحمته الله در بحارالانوار از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

بخش پنجم: در بیان تعریف قم و اهالی آن ۲۰۷

که آن حضرت فرمود: خداوند متعال به وسیله کوفه بر سایر شهرها احتجاج فرموده و به مؤمنان در مقابل اهالی سایر شهرها احتجاج می‌فرماید.

و به واسطه شهر: (قم) به سایر شهرهای دیگر نیز احتجاج فرموده و بمردم: (قم) به تمام مردم مشرق و مغرب از جنّ و انس محاجّه می‌نماید.

پروردگار عالم قم و اهالی آن را رها نفرموده تا مستضعف: (فکری و فرهنگی) شوند بلکه آنان را موفق و تأیید فرموده است.

خبرسی و چهارم: مجلسی رحمته الله در بحارالانوار از اباصلت هروی نقل کرده است: که ایشان یادآور شده که در محضر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بودم که عده‌ای از اهل (قم) به حضور آن حضرت مشرف شده و عرض سلام نمودند.

حضرت امام رضا علیه السلام جواب سلام آنان را فرموده و نزد خود نشاند.

سپس فرمود: مرحبا بر شما، خوش آمدید، شما شیعیان

حقیقی ما هستید.

خبر سی و پنجم: مجلسی رحمته الله علیه در بحارالانوار از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده است: که آن حضرت فرموده است در شهر: (قم) شیعیان و دوستان ما هستند در آینده ساختمان در آن شهرها زیاد می شود و مردم راهی آنجا گردیده در قم اجتماع می کنند بطوری که نهر: (جمر: رودخانه) وسط آن شهر قرار می گیرد. ترجمه های خبرهای: (۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰) در پیش یادشده است: امید آنکه فرا گرفتن مضامین این چهل: (حدیث برای همگان از دور و نزدیک) به ویژه اهل قم و مجاورین و زائرین آستانه مبارکه کریمه اهل بیت عصمت و طهارت حضرت معصومه علیها السلام و نمازگزاران و راز و نیاز کنندگان مخصوصاً پوزش طلبان و رو آورندگان با توسل به شفیعان به درگاه خدا و مسجد کم نظیر حجت خدا از هر نظر: (دنیائی و آخرتی) که به دستور حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداه در جنب قریه جمکران تأسیس شده است مفید و سودمند باشد انشاءالله.

«نقل از کتب راویان و محدثان اعلی الله درجاتهم»
باری امید است نمازگزاران در مسجد جمکران قم
بخواندن نماز تحیت و نماز امام زمان علیه السلام اکتفاء ننموده و در
حد امکان فرصت به دست آمده را مغتنم شمرده و به خواندن
سوره‌های قرآن و اهداء نمودن آنها به منظور شادی روح
اموات و ذوی الحقوقان خود ضمن راز و نیاز با خدا و حجت
خدا به خواندن دعا‌های مأثوره از چهارده معصوم علیهم السلام
علی الخصوص حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداه در
آن مکان شریف برای به جا آوردن شکر و نیل به این فیض
غیر قابل توصیف مشغول گردند. انشاء الله چنانکه در شعر
آمده است:

شکر نعمت نعمت افزون کند

کفر نعمت از کفت بیرون کند

بنابراین بجا است حتی الامکان از کتابهائی که راویان و
محدثان از جمله: مجلسی و شیخ بهائی و نوری به ویژه
محدث قمی اعلی الله مقامهم که درباره ادعیه و زیارات و

۲۱۰ _____ توصیه امام زمان علیه السلام در خصوص مسجد جمکران

امثال اینها از علماء گذشته از صدر اسلام تا به امروز در کتب خودشان علی الخصوص در (مفاتیح الجنان) محدث قمی رحمته الله یاد نموده‌اند استفاده نمایند زیرا اینگونه توفیقات در مساجد و مشاهد مشرفه نعمتهائی است که به خواست خدا و ائمه هدی علیهم السلام و همت والای پیروان چهارده معصوم علیهم السلام نصیب و قسمت می‌گردد لا غیر چنانکه در شعر آمده است:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار

شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

و نیز در این باره شاعر گفته است:

از دست و زبان که بر آید از عهده شکرش به در آید

مع الوصف نباید از الطاف خفیه الهی و مراحم حجج الهی

در مسجد جمکران قم و غیر آن حتی المقدور خود را محروم

کرد زیرا تونیق رفیقی است به هر کس ندهند.

زیرا در نوجوانی بارها از برخی خطباء و وعاظ مشهد

می‌شنیدم که هنگام وعظ و خطابه در مسجد گوهرشاد به

زائرین یادآور می‌شدند:

ای زوآرها! مبادا خیال کنید که ثروت و امکانات مالی و توانائی جسمی و روحی شمارا موفق به عتبه بوسی بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نموده است بلکه لطف خدا و مرحمت این بزرگوار شما را با صحت و سلامتی از راه دور و نزدیک بدینجا آورده است اگر باور ندارید به اشخاصی که در وطن خودتان هستند فکر کنید ثروت و امکانات آنان چند مقابل شماست ولی موفق نشده‌اند حتی به زیارت امام زاده‌ای بروند تا چه رسد به زیارت امام رضا علیه السلام.

چنانکه بنا به فرموده آن واعظ فقید بارها شده که از هر جهت وسیله رفتن از قم به مشهد فراهم شده ولی موفق به زیارت نشده‌ام و بالعکس گاهاً شده با نبود امکانات و بدون قصد زیارت به عتبه بوسی آن بزرگوار نائل شده‌ام.

باری، چنانکه در پیش یاد شد پس از مشاهد مشرفه و اماکن مقدسه از جمله مسجد بیت الله الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و مسجد کوفه و مسجد سهله) این مسجد که در سرزمین دارالایمان قم و حرم اهل بیت عصمت و طهارت به

ویژه در جوار آستانه مبارکه کریمه اهل بیت عصمت و طهارت حضرت فاطمه معصومه سوّمین مظلومه خاندان نبوت و امامت علیهم السلام به امر مطاع حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداه تأسیس شده است بجا است قبل از عبادت و اطاعت و خواندن نماز تحیت و نماز امام زمان علیه السلام قلباً و لساناً در این مکان مقدّس عرض نماید ای حجّت خدا و ای نور دیده فاطمه زهرا علیها السلام و ای خاتم اوصیاء در محضر شما که الآن در هر نقطه این جهان تشریف دارید از همین جا پیمان می‌بندم از اوّل تکلیف تا حال در اسرع وقت هرگونه خدای ناکرده آگاهانه و ناآگاهانه (در ادای حقّ الله و حقّ الناس) سهل انگاری نموده‌ام جبران و رضایت آنان را به نحو مطلوب جلب نمایم. زیرا انجام این اعمال سبب رضایت شما است و رضایت شما که واسطه مابین خدا و خلق هستید بشارت دهنده رضایت خدا است.

بنابراین چه توشه و هدیه‌ای بهتر از این که به این مسجد دست خالی و سرافکننده در پیشگاه خداوند متعال و حجّت خدا و خلق الله آمدم و حال همانند (زهیر بن قین و حربین

زیاد ریاحی و حبیب بن مظاهر و هانی بن عروه و امثالهم
اعلی الله درجاتهم) از مسجد خارج می‌شوم تا آنچه در
محضرتان عرض نمودم بدون عذر و بهانه عمل نموده و
مانند این سعادت‌مندان که در کربلا در اثر جان نثاری در حضور
حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام دست پر به روضه رضوان روانه
شده‌اند منهم بی نصیب نشوم. انشاءالله چنانکه در شعر آمده است:۱

۱. در ختام در مسجد جمکران پس از انجام عبادات و طاعات شایسته است
حوائح خود را لساناً و قلباً از خدا و سپس از حجت خدا با شفاعت
حضرت فاطمه زهرا علیها السلام درخواست نمود. زیرا در غیر این صورت با
سر افکندی باید عرض نمود:

شافع ما نشود دخت پیامبر صلی الله علیه و آله چکنیم

روسیه گر برویم نزد پیامبر صلی الله علیه و آله چکنیم

«صدر رضوانی»

خدایا: شفاعت: «ام ابیها» را بر پندگانت که به درگاہت در مشاهد مشرفه و
اماکن مقدسه رو آورده‌اند نصیب فرما ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان.
اشعاری در مدح بانوی بانوان و شفیعۀ دو جهان حضرت زهرا
اطهر علیها السلام:

آنکه یادش ساخت دل را منور می‌کند

یاد نامش کشور جان را مسخر می‌کند

بی حبّ حسین علیه السلام روضه رضوان مطلب

بی رنج و تعب مزد شهیدان مطلب

«صدر رضوانی»



❦ خاک راهش از شرف بر دیدگانم توتیاست
سربلندی را ولای او میسر می‌کند
طبعم از روی ارادت خامه از روی ادب
مدح نخت مصطفی صلی الله علیه و آله زهرای اطهر می‌کند
مظهر صدق و صفا آئینه مهر و وفا
آنکه توصیف مقامش را پیامبر می‌کند
زهره زهرای اطهر امام شبر با شبیر
کو شفاعت شیعیان را روز محشر می‌کند
آنکه نامش افتخار مریم و حوا بود
خاک راهش سرمه‌سان هر دیده روشن می‌کند
در درج آفرینش ماه برج سرمدی
گز طفیلش رخ عیان خورشید خاور می‌کند
جمله اجرام سماوی هم نوا با قدسیان
هر یکی مدح بتول و مدح حیدر می‌کند
در قیامت واپسین سالار از صدق و یقین
تکیه بر انعام آن خاتون محشر می‌کند
«ش»

خاتمه

در بیان عبادت خلق فقط برای خدا
است ولی اطاعتش از او امر و نواهی خدا
و حجّت خدا از هر دو آنها است

خاتمه

در بیان عبادت و اطاعت از خداوند متعال است

اما عبادت: در آیات الهی و اخبار و احادیث نبوی صلی الله علیه و آله و علوی علیه السلام آمده است که به جز پروردگار عالم نمی توان به احدی عبادت نمود.

چنانکه در قرآن مجید به آن اشاره شده است:

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾^۱

ترجمه: پروردگارا تنها ترا می پرستیم و از تو یاری می جوئیم.
و نیز در قرآن مجید آمده است:

﴿وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾^۲

ترجمه: و دائم به پرستش خدای خود مشغول باش تا ساعت (مرگ و هنگام لقای ما) یقین فرا رسد.
و نیز در عبادت قصد تقرّب قید و تأکید شده است.

و اما اطاعت: در آیات الهی و اخبار و احادیث نبوی صلی الله علیه و آله و

۱. سورة الحمد، آیه ۵.

۲. سورة الحجر، آیه ۹۹.

علوی علیه السلام به ویژه در قرآن مجید نیز آمده است:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ﴾^۱

ترجمه: ای اهل ایمان فرمان خدا و رسول و فرمانداران را از طرف خدا و رسول را اطاعت کنید.

در ختام: ناگفته نماند که فرمایشات حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداه به حسن مثله جمکرانی در خصوص مسجد جمکران قم. از یک لحاظ پیروانش را آگاه می فرماید که مسجد جمکران مکان مقدس و شریف است و باید آن را محترم و عزیز شمارند. و از یک نظر این فرموده فرمایش حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام و ولی عصر و امام معصوم و خاتم الاوصیاء است و بر پیروانش واجب است هر دستوری که صادر می فرمایند بلا درنگ به دیده چشم قبول و اطاعت نمایند.

و از لحاظ دیگر علاوه از اطاعت توأم با عبادت است زیرا آن حضرت گذشته از معرفی این مکان مقدس به حسن مثله جمکرانی طریقه نماز تحیت آن مسجد و نیز نحوه خواندن دو رکعت نماز به نام نامی خود را مشروحاً با دریافت پاداش ذیلاً

بیان فرموده تا پیروانش با حضور در آن مسجد و خواندن این دو نماز به دریافت اجر جزیل موفق گردند انشاءالله.

مَنْ صَلَّاهَا فَكَانَ مَا صَلَّاهَا (صَلَّاهُمَا) بِأَخْذِ أَجْرِ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ

ترجمه: هر کس این دو رکعت نماز را بخواند همچنین باشد که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَارِنَا فَلَجَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَ
اتِّبَاعِهِ وَارْزُقْنَا طَاعَتَهُ وَرِضَاهُ وَاعْصِمْنَا مِنْ مُخَالَفَتِهِ وَ
سِخْطِهِ بِحَقِّ الْحَقِّ وَالْقَائِلِ بِالصِّدْقِ

ترجمه: خدایا در فرج حضرت حجّه بن الحسن علیه السلام تعجیل فرموده و دیدارمان را به دولت حقّه‌ی عدالت گسترش روشن گردان و قرار ده ما را از یاران و پیروانش و روزی فرما و نگاه دار ما را از مخالفت و غضبش به حق بودن خود و پیامبران و پیشوایان راستگو و صادق (یا رب العالمین ای پروردگار جهانیان).
باری از اولین لحظه تکلیف تا آخرین نفس که انسان جان به جان آفرین می‌سپارد عبادت از پروردگار عالم بر بشر لازم و واجب و نیز اطاعت از دستورات خداوند متعال و پیامبر اسلام و چهارده معصوم علیهم السلام ضروری است. زیرا این بزرگواران خصوصاً امام زمان علیه السلام واسطه‌اند ما بین خالق و مخلوق بنابراین در هر نقطه از جهان که انسان می‌خواهد

عبادت و راز و نیاز نماید لازم است در آنجا به ویژه مشاهد مشرفه و اماکن مقدسه از جمله آستانه مبارکه اهل بیت عصمت و طهارت حضرت معصومه علیها السلام و مسجد جمکران قم شفاعت آنان مخصوصاً حضرت بقیة الله العظمی ارواحنا له الفداه را در زمان: (و غیبت کبری) مدّ نظر خود قرار دهد انشاءالله. در پایان محدث قمی در مفاتیح الجنان یادآور شده که هر روز بعد از نماز صبح مولای ما صاحب الزمان علیه السلام را به شرح زیر می توان زیارت نمود:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ
عَلَيْهِ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي
مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا
وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَيْثُمْ وَ مِيَّتِهِمْ وَ عَنْ وَادِيٍّ وَ
وَلَدِيٍّ وَ عَنِّي مِنَ الصَّلَوَاتِ وَ التَّحِيَّاتِ زِنَةَ
عَرْشِ اللَّهِ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ مُنْتَهَى رِضَاةٍ وَ عَدَدَ

مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَجِدُّدُ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَ عَقْدًا
وَ بَيْعَةً فِي رَقَبَتِي اللَّهُمَّ كَمَا شَرَّفْتَنِي بِهَذَا
الْتَّشْرِيفِ وَ فَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ وَ
خَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ النُّعْمَةِ فَصَلِّ عَلَى مُوَلَّائِي وَ
سَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ
أَشْيَاعِهِ وَ الذَّابِّينَ عَنْهُ وَ اجْعَلْنِي مِنْ
الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي
الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ صَفًّا
كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ عَلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ
رَسُولِكَ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ

فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ.

ترجمه: خدایا برسان به مولایم صاحب الزمان درودهای شما بر او از تمام مؤمنین و مؤمنات در مشرق و مغرب زمین و صحرا و دریای آن و هموارش و کوهش ارزنده و مرده آنان و از والدین و فرزندان من و از من از صلوات و تحیات به وزن عرش خدا و کشش کلماتش و نهایت رضامندی و عدد آنچه کتابت آمار کند و فراگیرد آنرا دانشش خدایا من تازه می‌کنم برایش در این روز و در هر روز عهد و عقد و بیعتی برگردن خود خدای چنانچه شرافتمندم کردی به این شرافت و فضیلتم دادی به این فضیلت و مخصوصم کردی به این نعمت رحمت فرست بر مولایم و سیدم صاحب الزمان علیه السلام و مرا از انصارش گردان و همراهانش و دفاع کنندگان از او و قرار ده مرا از شهیدان در برابرش با دل خواه نه بزور در صفی که ستوده‌ای اهل آن را در کتاب خود و فرمودی چون بیناد در هم پیوسته بر روش طاعت خودت و طاعت رسالت و خاندانش علیه السلام خدایا این بیعت او در گردن من است تا روز قیامت انشاءالله.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْخَلْفَ الْحُجَّةَ أَيُّهَا الْقَائِمُ

الْمُنْتَظَرِ الْمَهْدِيُّ يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ

خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَ

تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا

وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

ترجمه: ای جانشین امام حسن عسکری علیه السلام و ای یادگار

شایسته‌ای حجت‌ای قائم منتظر ای مهدی ای فرزند رسول

خدا ای دلیل قاطع خدای بر خلقش ای آقا و مولای ما ما رو

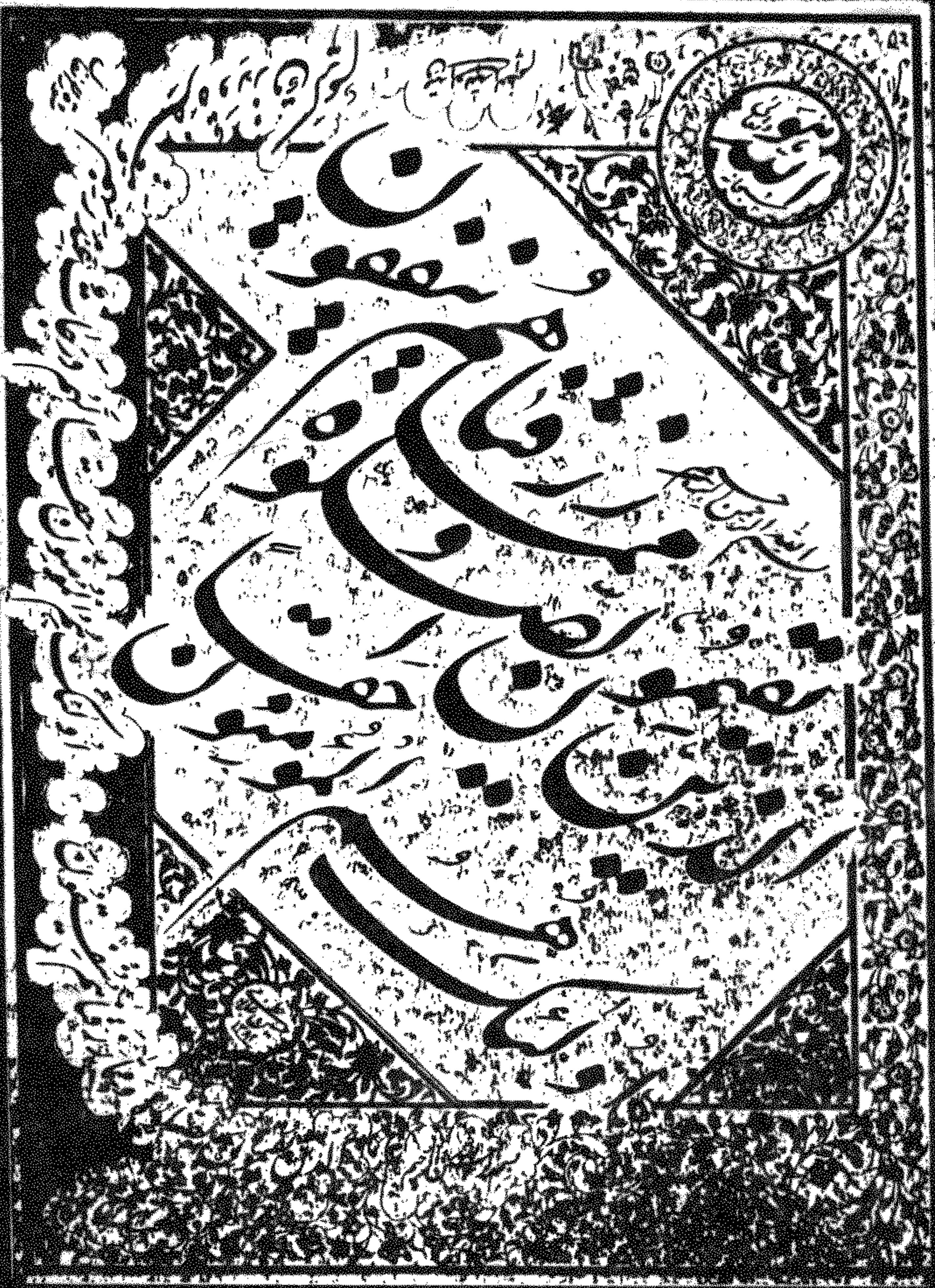
کردیم و میانجیگری طلبیدیم و وسیله‌گیری نمودیم با تو به

سوی خدا و پیش قرار دادیم ترا در پیشاپیش حاجت‌هایمان ای

آبرومند در پیش خدا میانجیگری فرما برای ما پیش خدا.

محسن صدر رضوانی - قم





Small calligraphic signature or mark at the bottom left corner.